یا لثارات الحسین

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

# آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

سال سوم
قیمت: ۱۰ هزار تومان

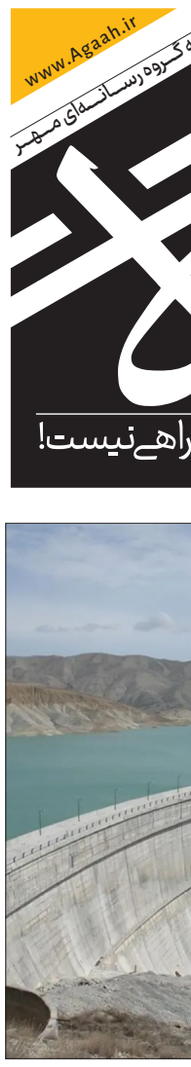
چهارشنبه
۲۷ آبان ۱۴۰۵
۸ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۱۸ نوامبر ۲۰۲۶

شماره
۶۹۳

درنگی بر زندگی، اندیشه و جایگاه فرهنگی آیت‌الله وحید خراسانی که دیروز دار فانی را وداع گفتند

## درس‌ها می‌مانند...

۵



چرا دشمن به سدهای ایران چشم دوخته است؟

## تهدید آبکی پاسخ آبدار

۲

روایتی از پیوند خون و زمان در سالروز شهادت برادران زین‌الدین

## دو برادر یک جاده، یک روز

۴

خودروخوابی در تهران برای فرار از بیکاری و بی‌پولی

## رانندگان خانه‌های متحرک

۶




وقتی مسئولان با نابسامانی مواضع خود، بنزین روی آتش نگرانی مردم می‌ریزند

## التهاب سوختی!

۱

تحلیل «آگاه» پیرامون ادعای مضحک برخی حکام عرب

## ما از شما غرامت می‌گیریم

۳

### ستون پنهان امنیت پایدار



مجتبی مشهدی محمد
دبیر گروه فرهنگ

جامعه ایران در سال‌های اخیر، از جمله در سال ۱۴۰۴، در معرض امواج پیوسته‌ای از فشارهای بیرونی و درونی قرار گرفته است. تجربه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، ناآرامی‌های دی، تهاجم ۴۰ روزه و ادامه آن و علاوه بر آن، نااطمینانی‌های اقتصادی و فرسایش اعتماد اجتماعی، همگی شرایطی را پدید آورده‌اند که کارشناسان از آن با عنوان «فشار همزمان استرس‌های حاد و مزمن» یاد می‌کنند. در چنین شرایطی، تمرکز صرف بر امنیت فیزیکی و مرزها، تصویری ناقص از امنیت ملی ارائه می‌دهد. آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه جدی و نظام‌مند است، «امنیت روانی» جامعه است، ستونی پنهان اما بنیادین که بدون آن، حتی مستحکم‌ترین ساختارهای مادی نیز نمی‌توانند پایداری واقعی را تضمین کنند. امنیت روانی، آن‌گونه که در ادبیات حقوقی و فقهی کشور نیز مورد تاکید قرار گرفته، به معنای حالتی از آرامش ذهنی و اطمینان نسبی از دوری تهدیدهای زیان‌بخش است. ساحتی درونی از امنیت اجتماعی که پیش‌نیاز پیشرفت فردی و انسجام جمعی محسوب می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که امنیت روانی نه یک دغدغه لوکس یا حاشیه‌ای، بلکه بخشی از حقوق عامه و خط مقدم مقابله با تهدیدات نرم است.

با این حال، تامین امنیت روانی تنها با رویکرد سلبی و برخورد با عوامل ایجاد هراس و شایعه پراکنی محقق نمی‌شود. آنچه در بلندمدت تاب‌آوری جامعه را افزایش می‌دهد، ایجاد سازوکارهای پایدار برای مراقبت، پیشگیری و توانمندسازی روانی-اجتماعی است. خوشبختانه در سال‌های اخیر، نظام سلامت و نهادهای اجتماعی کشور گام‌های مهمی در این مسیر برداشته‌اند. برنامه «سراج» به‌عنوان الگوی یکپارچه سلامت روانی-اجتماعی، با تکیه بر شبکه گسترده مراکز بهداشتی، روانشناسان و مددکاران اجتماعی، توانسته است دسترسی به خدمات تخصصی را برای اقشار مختلف جامعه فراهم کند. نتایج اولیه این برنامه، از جمله کاهش چشمگیر رفتارهای خودآسیب‌زا و تنش‌های خانوادگی، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری روی پیشگیری و مراقبت جامعه‌محور، ثمربخش است. سازمان بهزیستی نیز با توسعه مراکز مشاوره، راه‌اندازی سامانه ۱۴۸۰ و تدوین طرح‌های مراقبت از خودکشی، تلاش کرده است تا دسترسی مردم به خدمات روانشناختی را افزایش دهد.

رسانه ملی و نهادهای فرهنگی نیز نقش بی‌بدیل خود را در عادی‌سازی گفت‌وگو درباره سلامت روان و کاهش موانع مراجعه به متخصص ایفا می‌کنند. برنامه‌هایی نظیر «با من بگو» و «حال خوب» با ایجاد فضایی امن برای طرح دغدغه‌های روانی، به شکستن تابوی بیماری‌های روانی و ترویج فرهنگ مراجعه به مشاور کمک شایانی کرده‌اند. این اقدامات، در کنار تاکید شورای عالی سلامت و امنیت غذایی بر هماهنگی بین دستگاهی در ارائه خدمات سلامت روان در شرایط بحرانی، نشان‌دهنده درک صحیح از پیچیدگی این مسئله در سطح سیاست‌گذاری است. اما پرسش اساسی این است که این تلاش‌ها تا چه حد در زندگی روزمره شهروندان ملموس شده است. آمارها حاکی از آن است که شیوع اختلالات روانپزشکی در کشور قابل توجه است و بخش قابل ملاحظه‌ای از افرادی که نیازمند کمک هستند، به دلیل انگ اجتماعی یا نبود دسترسی کافی، برای درمان اقدام نمی‌کنند. همچنین، شکاف‌های موجود در اعتماد بین فردی و سرمایه اجتماعی، که از عوامل کلیدی امنیت روانی به شمار می‌رود، همچنان یکی از نقاط ضعف جدی محسوب می‌شود. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت‌های ساختاری، مسیر تا تحقق کامل امنیت روانی برای همه آحاد جامعه، همچنان نیازمند عزمی ملی و فراگیر است. امنیت روانی، برخلاف امنیت فیزیکی، محصول یک نهاد یا یک دستگاه خاص نیست. این امنیت، حاصل هم‌افزایی خانواده، مدرسه، رسانه، نظام سلامت، نهادهای قضایی و مدنی و مهم‌تر از همه، احساس مسئولیت تک‌تک شهروندان در قبال یکدیگر است. در شرایطی که دشمن با ابزار جنگ روانی می‌کوشد ترس را به بحران و ناامیدی را به فروپاشی پیوند دهد، مهم‌ترین سرمایه دفاعی جامعه، حفظ پیوندهای اجتماعی، تقویت امید واقع‌بینانه و پرهیز از دام‌های دوقطبی‌سازی و «شرینداری» گروهی است. همان‌گونه که رئیس جمهور پزشکیان نیز تاکید کرده است، وفاق و همدلی ملی، پیش‌نیاز هرگونه پیشرفت و توسعه‌ای است. امنیت روانی، در نهایت، آینه تمام‌نمای کیفیت حکمرانی و میزان مسئولیت‌پذیری همه ما در قبال یکدیگر است. پاسداری از این ستون پنهان، وظیفه‌ای همگانی است که ثمره آن، جامعه‌ای تاب‌آور، با نشاط و امیدوار خواهد بود. جامعه‌ای که در آن، هیچ بحرانی، هرچند سهمگین، نمی‌تواند پیوندهای عمیق انسانی و اعتماد به آینده را به‌طور کامل گسسته کند.

وقتی مسئولان با نابسامانی مواضع خود، بنزین روی آتش نگرانی مردم می‌ریزند

# التهاب سوختی!

**«کارت سوخت جایگاهداران حذف می‌شود»؛ همین چند کلمه کافی است تا بحران کلید بخورد! بحرانی که باک‌های خالی را هم پر می‌کند، اما این بار نه از بنزین، بلکه از باروت نارضایتی. خرج این باروت اگرچه به ادعای مسئولین مدیریت ناترازی انرژی است، اما داستان بنزینی روزهای گذشته از جایی غم‌انگیز می‌شود که ناترازی در مدیریت و اطلاع‌رسانی دولت، مخارج اعتماد عمومی را به هزینه مبدل می‌سازد، هزینه‌ای گران با دستاوردی اندک؛ آن هم به دست افرادی که گویا «جایگاه سخندانی» را با «جایگاه سوخت‌رسانی» اشتباه گرفته و آداب صحبت با مردم را فراموش کرده‌اند.**

همه چیز از روز ۲۱ آبان شروع شد. روزی که موضوع حذف کارت سوخت جایگاهداران و جمع‌آوری آن با اظهارات متناقض برخی مسئولان، فضای کشور را ملتهب کرد. در ادامه صف‌های سوخت، نگرانی‌های عمومی و ورود مقامات ارشد به ماجرا عمق فاجعه را نمایان ساخت؛ اشاعه ناپخته موضوعی که گویا مسئولین از تاثیر آن بر افکار عمومی بی‌اطلاع بوده و نمی‌دانند، با همین لیتر هاست که چرخ زندگی می‌چرخد و با هزار جان کندن می‌شود خرج معاش. اما در حالی موجی از نگرانی، التهاب و اضطراب پیرو تمایلات بنزینی دولت در هفته‌های گذشته شکل گرفت که سرعت نابسامانی کلامی دولتمردان از سرعت انتشار تصمیمات رسمی دولت در این بخش پیشی گرفت و کار را به جایی رساند که علاوه بر واکنش‌های شدید مردمی و شکل‌گیری صفوف طویل در برخی جایگاه‌ها، ارکان عالی نظام و مجلس نیز به واکنش واداشته شوند. اما ریشه‌های عمیق این ماجرا را نباید در مقوله سخت ناترازی تولید و مصرف بنزین جست‌وجو کرد؛ این موضوع آینه تمام‌نما و گویای آشفتگی عمیق در ساختار اطلاع‌رسانی، شکاف هماهنگی درون کابینه‌ای و بی‌انضباطی مدیریتی در دولت چهاردهم است که آرامش روانی جامعه را خدشه‌دار می‌کند و نهایتا ما را به یاد آن گزاره مشهور رئیس جمهور در دوران نمایندگی خود می‌اندازد که در پاسخ به ترک فعل مسئولین دولت‌های قبل پس از وقوع مشکلات می‌گفتند: «کی بود، کی بود من نبودم!»

### جرقه التهاب از جایگاه معاون رئیس جمهور

اما ماجرای حذف کارت سوخت جایگاه‌ها و جمع‌آوری آنها با موضع‌گیری صریح و جنجالی اسماعیل سقاب اصفهانی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی شروع شد. او در اظهاراتی بی‌پرده اعلام کرده بود که کشور در تامین سوخت با بن بست و مشکل جدی مواجه است و شهروندان دیگر نباید مانند گذشته روی کارت‌های سوخت جایگاه‌ها حساب باز کنند. او با توصیه مستقیم به مردم برای برنامه ریزی سفرهای خود و ذخیره سازی سهمیه‌ها مدعی شد که «ما واقعا مشکل تامین بنزین داریم. دولت سال‌ها علاقه‌مند بود هر میزانی را که مردم نیاز دارند در اختیارشان بگذارد، اما الان شرایط تامین طوری نیست که بشود با همان مدل جلو رفت... مردم می‌توانند به هر جایی از کشور که می‌خواهند سفر کنند و از همین میزان سوختی که در کارت‌شان است استفاده کنند. سهمیه اول تا سه ماه قابل ذخیره است و اگر کسی برنامه سفر دارد، باید از قبل آن را پیش‌بینی کند و سوخت را ذخیره کند.»

### دو روایت از یک سیاست؛ دولت کدام را باور دارد؟

انتشار این اظهارات به دلیل جایگاه حقوقی گوینده، در شرایطی که بنزین در اقتصاد ایران فراتر از یک کالای مصرفی و در حکم محرک اصلی انتظارات تورمی است، گمانه‌زنی‌های خطرناکی را درباره احتمال گرانی ناگهانی یا سهمیه‌بندی جدید تقویت کرد. نکته تأمل‌برانگیز این است که سخنان سقاب اصفهانی در خلأ مطرح نشد؛ پیش از آن نیز برخی دولتمردان از جمله محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور، زمزمه‌هایی درباره ضرورت اصلاح شیوه توزیع و جمع‌آوری تدریجی کارت‌های اضطراری جایگاهداران در برخی استان‌ها مطرح کرده بودند. قائم‌پناه در اظهارات خود پیرامون ساماندهی مصرف و مقابله با انحراف سوخت تاکید کرده بود که سیاست‌های کنترلی با هدف صیانت از منابع ملی در دستور کار قرار دارد، اما تفکیک میان «مبارزه با قاچاق سوخت» و «ایجاد نگرانی از کمبود بنزین» مرز باریکی است که تیم مدیریتی دولت در حفظ آن ناکام ماند. مهم‌ترین و فاقد توجیه‌ترین بخش این ماجرا، موضع‌گیری متناقض دستگاه تخصصی وزارت نفت پس از بالا گرفتن التهاب عمومی بود. در حالی که جامعه خود را برای سناریوی بحران تامین سوخت آماده می‌کرد، محمدصادق عظیمی‌فر، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، آب پاکی را روی دست همه ریخت و صراحتا اعلام کرد که دولت تاکنون هیچ گونه تصمیم جدیدی درباره تغییر قیمت، سهمیه‌بندی تازه یا جمع‌آوری سراسری کارت‌های آزاد اتخاذ نکرده است. او توضیح داد که انتقال سهمیه کارت‌های اضطراری تنها به صورت محدود و آزمایشی در برخی استان‌های مرزی و مستعد قاچاق کلید خورده و به هیچ وجه قرار نیست به کل کشور تسری یابد. این تناقض آشکار میان هشدار جدی و بحران‌سازی معاون رئیس جمهور (سقاب اصفهانی) و تکذیب صریح مدیرعامل پالایش و پخش، زوایای آشکاری از بی‌برنامگی و جزیره‌ای عمل کردن نهادهای دولتی را هویدا ساخت.

اما در این میان، یک پرسش مهم‌تر نیز وجود دارد؛ مسئولیت چنین اظهاراتی بر عهده چه کسی است؟ سقاب اصفهانی صرفا یک کارشناس یا تحلیلگر بیرون از دولت نیست که بتوان سخنانش را به یک برداشت شخصی تقلیل داد. او معاون رئیس جمهور و مسئول سازمانی است که ماموریت مستقیم آن مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی است؛ بنابراین طبیعی است که افکار عمومی اظهارات او را نه یک گمانه‌زنی، بلکه بازتابی از اطلاعات و تصمیمات درون دولت تلقی کند. اگر سخنان او مبتنی بر تصمیمی رسمی نبوده، باید مشخص شود چرا چنین اطلاعاتی با این سطح از قطعیت مطرح شده است و اگر مبتنی بر واقعیت‌های موجود بوده، چرا متولی تخصصی حوزه سوخت روایت دیگری ارائه می‌کند؟ نمی‌توان جایگاه رسمی داشت، درباره یکی از حساس‌ترین مسائل اقتصادی کشور هشدار داد و بعد، وقتی هزینه اجتماعی آن بالا رفت، همه‌چیز را به حساب ناهماهنگی در اطلاع‌رسانی گذاشت. اما عمق فاجعه زمانی رخ می‌دهد که همین فرد در بیان همین موارد هم نابلدگونه با مردم سخن می‌گوید و چنان با قلدری، کلام می‌سازد که گویی مردم، رعیت ایشان هستند. ای کاش مسئولین ادبیات تاب‌آوری را برای برساخت همدلی به جای ادبیات قلدرمابانه می‌گذاشتند!

### نوشداروی عارف پس از التهاب بنزینی

علاوه بر آن، این بی‌سروسامانی جدی حضرات مسئول، در ادامه نقطه جوش عارف کابینه را هم بالا برد. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور در واکنش به این موضوع و در جلسه‌ای با دولتی‌ها ضمن انتقاد شدید از اظهارنظرهای محفلی و شتاب‌زده، به مقامات کابینه تذکر داد که از هرگونه گمانه‌زنی درباره بنزین پرهیز کنند. عارف با تاکید بر انضباط ارتباطی دولت تصریح کرد: «دولت سخنگوی مشخصی دارد و مواضع رسمی باید صرفا از طریق سخنگوی دولت یا مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی اعلام شود. مطالبی که از سوی سایر مسئولان در حاشیه جلسات مطرح می‌شود، لزوما تصمیم، مصوبه و موضع نهایی دولت نیست.» اما این تذکر، نوشدارو پس از مرگ سهراب بود چراکه خسارت به افکار عمومی وارد شده بود و در میدان عمل، هزینه‌های سنگین این سوءمدیریت را مردم پرداختند. تصاویر و گزارش‌های میدانی منتشرشده از برخی شهرهای جنوبی نظیر بندرعباس - که در پی نگرانی از محدودیت سوخت‌گیری به تجمع یا انسداد مقطعی مسیرهای منتهی به جایگاه‌ها انجامید - و همچنین تصاویر صف‌های طولانی در محورهای مواصلاتی مانند جاده تهران - اراک، گواهی بر این مدعاست که آشفتگی کلامی مدیران دولت مستقیما به اختلال در زندگی روزمره شهروندان انجامیده است.

### بلبشوی بنزین در مجلس

از سوی دیگر، پیامدهای این بلبشوی بنزینی به جلسات مجازی و علنی مجلس هم کشید. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی روز یک شنبه هفته جاری با انتقاد شدید از مواضع اخیر مقامات دولتی، هشدار داد که این گونه اظهارات مکرر فراتر از حل مسئله، تنها بر نگرانی‌های عمومی می‌افزاید. قالیباف در این خصوص تصریح کرد: «اخیرا برخی اظهارنظرهای مکرر پیرامون مسئله بنزین باعث ایجاد نگرانی در میان مردم شده است. از متولیان این حوزه انتظار می‌رود حساسیت‌های معیشتی جامعه را درک کنند و از طرح مواضع و اظهارنظرهای مداوم و متناقض جدا پرهیز نمایند. هرگونه تصمیمی در حوزه سوخت باید با اقناع کامل افکار عمومی و به گونه‌ای اتخاذ شود که کمترین فشار روانی و اقتصادی را بر دوش مردم تحمیل نکند.»

### قواعد مدیریتی قائم‌پناه زیر ذره‌بین

البته این پایان کار نبود و در ادامه هم برخی از نمایندگان نیز مواضع سوختی دولت نقادی کردند. مهرداد لاهوتی، نماینده مردم لنگرود در جلسه روز یک شنبه مجلس در همین زمینه گفت: مشخص نیست سخنگوی دولت چه کسی است؛ چراکه هر یک از مسئولان دولتی درباره مسائل مختلف اظهارنظر می‌کنند. لاهوتی با اشاره به اظهارنظرهای متفاوت مسئولان درباره سهمیه و نرخ بنزین افزود: در موضوع اخیر بنزین شاهد بودیم که هر یک از مسئولان دیدگاه متفاوتی مطرح کردند؛ به طوری که اظهارات آقای قائم‌پناه به این شکل به جامعه منتقل شد که افراد در صورت مصرف بیش از ۱۶۰ لیتر باید بنزین مازاد را با نرخ ۱۱۰ هزار تومان خریداری کنند. وی ادامه داد: از سوی دیگر، آقای اصفهانی نیز به شکل دیگری اظهارنظر کرد و حتی این برداشت در جامعه ایجاد شد که اگر فردی تصمیم بگیرد به مشهد سفر کند، در طول مسیر اجازه ندارد بیش از پنج کیلومتر از مسیر تعیین‌شده خارج شود. نماینده مردم لنگرود در مجلس با بیان اینکه چنین اظهارنظرهایی موجب تشنج در فضای جامعه می‌شود، تصریح کرد: واقعیت این است که آمریکایی‌ها به دنبال برهم زدن فضای روانی جامعه ما هستند و وزیر خزانه‌داری آمریکا نیز این موضوع را به‌صورت مستمر دنبال می‌کند؛ بنابراین نباید خودمان نیز با اظهارنظرهای متعدد و بعضا متناقض به این فضا دامن بزنیم. وی در پایان با انتقاد از طرح روزانه چندین موضوع از سوی قائم‌پناه، بدون آنکه لزوما مبتنی بر مصوبات دولت باشد، تاکید کرد: این رویه باید ساماندهی شود تا از تعدد اظهارنظرهای مسئولان و ایجاد نگرانی در جامعه جلوگیری شود.

اما ورود رئیس مجلس و چندین نفر از نمایندگان به این ماجرا از این جهت اهمیت دارد که انتقاد از نحوه اطلاع‌رسانی دولت دیگر صرفا به اختلاف نظر میان اعضای کابینه محدود نمانده است. وقتی رئیس مجلس نیز درباره پیامدهای اظهارات دولتی‌ها هشدار می‌دهد، دولت با مسئله‌ای فراتر از یک حاشیه رسانه‌ای روبه روست. البته تذکر رئیس مجلس درباره ضرورت اقناع افکار عمومی، خود یک مطالبه مهم است؛ اما اقناع مردم با دعوت به سکوت مقام‌ها محقق نمی‌شود. مردم باید بدانند چه تصمیمی در حال بررسی است، چه نهادی مسئول آن است و اگر قرار است تغییری در شیوه دسترسی به سوخت ایجاد شود، چه تضمینی برای جلوگیری از اختلال در زندگی روزمره آنها وجود دارد.

امروز از دولت چهاردهم انتظار می‌رود که پذیرش نقد و بازنگری در عملکرد را از سطح موضع‌گیری‌های لفظی فراتر برده و به بخشی از سازوکار اجرایی خود تبدیل کند. نمی‌توان پذیرفت مدیری بدون اتکا به تصمیمی مصوب و رسمی، با اظهارات نسنجیده فضای جامعه را ملتهب کند و در نهایت، موضوع تنها با یک تذکر غیرعلنی یا محدود کردن اظهارنظرها خاتمه یابد. طبیعی است که در این شرایط اعتماد عمومی با ابهام مواجه خواهد شد. با این حال پرسش مردم این است که سیاست نهایی دولت درباره بنزین چیست و کدام مرجع، مسئول بیان موضع رسمی در این زمینه است؟ چنانچه اظهارات سقاب اصفهانی با رویکرد و تصمیمات رسمی دولت مغایرت داشته است، ضروری است ابعاد این مسئله به‌صورت شفاف بررسی و مسئولیت آن مشخص شود، نه اینکه پرونده با یک تذکر درون‌سازمانی بسته شود.

در نهایت، مسئله بنزین تنها با اصلاح شیوه توزیع یا مدیریت مصرف حل نمی‌شود؛ آنچه بیش از هر چیز نیازمند ترمیم است، اعتماد عمومی به تصمیمات و روایت رسمی دولت است. مردم قرار نیست هزینه آزمون و خطای کلامی مسئولان را بپردازند و میان هشدارها، تکذیب‌ها و تذکرهای دولتی سردرگم بمانند. دولت چهاردهم اگر به دنبال اجرای اصلاحات دشوار اقتصادی است، پیش از هر اقدامی باید انضباط مدیریتی و صداقت در اطلاع‌رسانی را جدی بگیرد؛ چراکه شاید بتوان ناترازی بنزین را با سیاست‌گذاری جبران کرد، اما آتش بی‌اعتمادی را نمی‌توان با بخشنامه خاموش کرد.



چرا دشمن به سدهای ایران چشم دوخته است؟

# تهدید آبکی؛ پاسخ آبدار

**روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی که ۲۵ آبان ۱۴۰۵ منتشر شد، با طرح این فرضیه که برخی سدها و پروژه‌های انتقال آب ایران ممکن است برای تامین آب و برق تاسیسات موشکی زیرزمینی احداث شده باشند، به بررسی ارتباط احتمالی زیرساخت‌های آبی کشور با مراکز نظامی پرداخت. این گزارش با استناد به اظهارات برخی کارشناسان، این احتمال را مطرح کرد اما شواهد قطعی برای اثبات ارتباط این پروژه‌ها با تاسیسات موشکی ارائه نداد.**

داستان از جایی شروع می‌شود که دشمن وقتی می‌بیند در میدان جنگ نظامی به بن بست خورده و نمی‌تواند به اهدافش برسد، به تاکتیک‌های دیگری روی می‌آورد. این بار دیگر بحث فقط بر سر موشک و پهپاد نیست؛ بحث بر سر جنگ اقتصادی و جنگ رسانه‌ای است. ما با جنگ ترکیبی روبه‌رو هستیم. دشمن از هر راهی که بتواند- چه با فشار اقتصادی و چه با روایت‌سازی‌های رسانه‌ای- سعی می‌کند ایران را تحت فشار قرار دهد و به تسلیم وادار کند. گزارش اخیر نشریه آمریکایی نیویورک تایمز دقیقا بخشی از همین بازی است. آنها مدعی شده‌اند، ساخت تعدادی از سدها در نقاط مختلف ایران، برای توسعه توان نظامی است! اما چرا یک رسانه خارجی باید چنین ادعایی را مطرح کند؟ پاسخ در هدف پشت این ادعا نهفته است. آنها می‌خواهند زیرساخت‌های حیاتی و عمرانی کشور را به اهداف نظامی گره بزنند تا اگر روزی تصمیم به حمله گرفتند، بتوانند این کار را توجیه کنند.

در برابر این ادعای بی‌اساس، واکنش‌های مختلفی شکل گرفت که هرکدام از زاویه‌ای به این دروغ پردازی ضربه زدند. رئیس مجلس شورای اسلامی هم دومین مقام ارشد بود که موضع گرفت و با انتشار متنی در صفحه شخصی خود در مجازی تاکید کرد؛ در حال زمینه چینی برای دور بعدی حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی، «کارشناسان» آنها به نیویورک تایمز می‌گویند: «سدهای نزدیک به سایت‌های موشکی ایران، کاربری دوگانه (نظامی- غیرنظامی) دارند.» بسیار خب. قانون جدید: هر سد، بندر یا نیروگاهی که در نزدیکی یک پایگاه آمریکایی یا اسرائیلی قرار دارد، دارای کاربری دوگانه است. ما فقط منطق خودتان را به همان شکل و بدون دخل و تصرف به کار می‌بریم.

در این بین، موضع گیری یک فعال محیط زیست نیز جالب توجه بود. کاوه مدنی، فعال و پژوهشگر محیط زیست و رئیس موسسه آب، محیط زیست و بهداشت سازمان ملل متحد، در واکنش به این گزارش در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: کمتر مزخرف بگوییم. حدس و گمان، مدرک نیست. نزدیکی جغرافیایی دو متغیر، دلیلی بر وجود رابطه علت و معلولی (بین آنها) نیست. حتی کسانی که به ایران حمله کردند، چنین ادعاهایی درباره ارتباط سدها با موشک‌ها مطرح نکرده‌اند. اما در این گذار باید به تحلیل و واکاوی واکنش‌های صورت گرفته پرداخت؛ واکنش‌هایی که حرف‌ها و کنایه‌های مهم در آن بود. رئیس نهاد قانون‌گذاری نگاهی هوشمندانه داشت و توپ را در زمین دشمن انداخت و گفت: «اگر نزدیکی سدی به سایت‌های موشکی، باعث می‌شود آن سد را نظامی بدانیم، پس هر سد، بندر یا نیروگاهی که در نزدیکی پایگاه‌های آمریکا یا اسرائیل قرار دارد، هم کاربری نظامی دارد!» این یعنی با یک جمله کوتاه، نشان داد که این نوع استدلال چقدر بی‌معنا و مضحک است. از سوی دیگر، کاوه مدنی از زاویه علمی و تخصصی به موضوع نگاه کرد. صرف اینکه دو چیز در یک منطقه کنار هم هستند، دلیل نمی‌شود، به هم ربط داشته باشند. توئیت سخنگوی وزارت امور خارجه، ابعاد این ماجرا را روشن‌تر کرد. آنچه از محتوای پیام او تحلیل می‌شود این است که دشمن می‌خواهد با این کار، راه را برای توجیه حملات خود به زیرساخت‌های حیاتی کشور بازکند پس با این دروغ، در ذهن دنیا تصویرسازی می‌کند که این مراکز، برخلاف واقعیت، اهداف نظامی هستند. در فضای شکل گرفته، یک فعال رسانه‌ای پیرامون بازی رسانه‌ای دشمن نکاتی را یادآور شد.

علی علی‌آبادی، کارشناس رسانه با تقسیم بندی انواع اطلاعات اشتباه در فضای رسانه‌ای، گفت: نخستین دسته «میس اینفورمیشن» یا اطلاعات نادرستی است که بدون غرض و به دلیل کمبود اطلاعات منتشر می‌شود و هر انسانی در هر سطحی ممکن است دچار آن شود. همان گونه که کارل پوپر، فیلسوف علم، در مصاحبه با مجله فرانسوی اکسپرس در همان ابتدا گفت من هیچ نمی‌دانم و ابوشکور بلخی نیز سروده است که تا بدان جا رسید دانش من که بدانم همی که نادانم. دسته دوم «دیس اینفورمیشن» است که رسانه یا گوینده با قصد و غرض و برای فریب مخاطب منتشر می‌کند. دسته سوم «مال اینفورمیشن» نام دارد که در آن اصل خبر یا تصویر واقعی است و دستکاری یا دیپ‌فیک نیست، اما به دلیل نقض حریم خصوصی نباید منتشر شود. دسته چهارم نیز اطلاعات خارج از زمینه است مانند اینکه رسانه تصویر سیل پاکستان را به نام سیل در یکی از استان‌های ایران منتشر کند که همه این موارد ابزار بازی رسانه‌ها بر اساس منافع و سیاست‌های‌شان است.

این کارشناس رسانه با بیان اینکه روزنامه نگاری حرفه‌ای مستلزم رعایت اصولی چون انصاف، حقیقت جویی و دقت است، اظهار کرد: هرچند در جامعه شناسی علم و معرفت نیز ثابت شده که حتی دانشمندان در دسته‌بندی اشیای یک موزه تحت تاثیر سوءگیری‌های خود هستند و هیچ رسانه‌ای نمی‌تواند صددرصد بی‌طرف باشد، اما رسانه حرفه‌ای موظف است با دعوت از مهمانان دارای گرایش‌های مختلف، حداقل معیارهای بی‌طرفی را رعایت کند تا مخاطب روایت‌های گوناگون را بشنود و خود قضاوت کند. علی‌آبادی ضمن انتقاد از رسانه‌های معاند که آشکارا ادعای بی‌طرفی را رد می‌کنند، گفت: «حتی اگر رسانه‌ای مدعی بی‌طرفی نباشد، نباید حقیقت را قربانی مصلحت کند، زیرا نشنیدن و ندیدن واقعیت‌ها موجب خطا در محاسبات می‌شود. همان طور که در فیلم پدرخوانده نیز به این نکته اشاره می‌شود که باید دشمن را واقع‌بینانه و آن گونه که هست ارزیابی کرد. اگر کسی نقاط قوت دشمن را کوچک نمایی و نقاط ضعف او را بزرگ نمایی کند و در مقابل، نقاط قوت خود را بزرگ جلوه دهد و نقاط ضعفش را نبیند، دچار همان بلایی می‌شود که بر سر ترامپ آمد؛ کسی که به کشور ما حمله کرد با این تصور غلط که ایران مانند ونزوئلاست و اکنون در این باتلاق گیر کرده است.»

به هر حال، آنچه مسلم است ما در میان نبرد پیچیده هستیم. دشمن که در میدان جنگ نظامی شکست خورده، حالا می‌خواهد با استفاده از رسانه و ایجاد تردید، به زیرساخت‌های توسعه‌ای ما ضربه وارد کند. آنها می‌خواهند سدهای ما را که برای امنیت آب و برق و کشاورزی ساخته شده‌اند، به چشم تهدید نشان دهند. پاسخ درست به این نوع حملات، همان چیزی است که در واکنش‌های مسئولان مطرح شد. نه در برابر این دروغ‌ها سکوت کردن، نه پذیرفتن منطق غلط آنها، بلکه ایستادگی روی حقایق و نشان دادن اینکه هر پیشرفت و هر زیرساختی در ایران، برای خدمت به مردم و توسعه کشور است. باید بدانیم که در جنگ ترکیبی، دشمن هر چه بیشتر تلاش کند زیرساخت‌های ما را نظامی جلوه دهد، در واقع بیشتر به این حقیقت اعتراف می‌کند که این زیرساخت‌ها، نقطه قوت و قدرت ما هستند.



## هشدار بقایی درباره سناریوسازی برای هدف قراردادن زیرساخت‌های ایران

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه روز سه‌شنبه ۲۶ آبان در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، ادعاهای بی‌اساس درباره ارتباط سدهای ایران با پایگاه‌های موشکی را نمونه دیگری از کارزار مغرضانه برای تولید تبلیغات و ساختن بهانه‌های امنیتی با هدف توجیه حمله به زیرساخت‌های حیاتی کشور دانست.

بقایی با اشاره به حملات اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران نوشت: «مخازن ذخیره آب در خمین (استان مرکزی)، هفتکل (استان خوزستان) و بمانی (سیریک)، همچنین تاسیسات آب‌شیرین‌کن در جزیره قشم، نیکشهر و تیس (استان سیستان و بلوچستان) و روستای بنجی در جاسک هدف حمله قرار گرفتند. این حملات موجب اختلال یا قطع آبرسانی به جمعیت غیرنظامی و مناطق مسکونی شد.»

سخنگوی وزارت امور خارجه تاکید کرد: معرفی نزدیکی جغرافیایی زیرساخت‌های غیرنظامی به تاسیسات نظامی به‌عنوان مبنایی برای مشروعیت بخشیدن به هدف قراردادن آنها، نه استدلالی معتبر است و نه ادعایی مستند؛ بلکه مغالطه‌ای شوم برای مشروعیت‌بخشی به حملات علیه زیرساخت‌های غیرنظامی و عادی‌سازی نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.



### پاسخ ایران به هرگونه تجاوز، فراموش نشدنی خواهد بود

بقایی با اشاره به موضع آمریکا در قبال رعایت قوانین بین‌المللی تصریح کرد: «اگرچه ایالات متحده امروز با لحنی متکبرانه و ذهنیتی قرون وسطایی چنین وانمود می‌کند که در برخورد با کسانی که شمشیر به دست دارند، نیازی به استناد به قانون نیست، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو، حمایت ویژه‌ای از سدها و تاسیسات مشابه به عمل می‌آورد.» وی خاطرنشان کرد: آغازکنندگان تجاوز علیه ایران اکنون با تولید و انتشار اتهام‌های بی‌اساس، از جمله ادعاهای اخیر منتشرشده در روزنامه نیویورک تایمز و روایت رسانه‌ای ساختگی درباره یک «بمب کثیف» که سی‌ان‌ان آن را ترویج کرده است، درصدد زمینه‌سازی رسانه‌ای برای اجرای طرح‌های خود هستند.

سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: آنها گام‌به‌گام در تلاش‌اند پوششی از مشروعیت برای تجاوزها و جنایت‌های بیشتر ایجاد کنند. ایران به‌خوبی می‌داند چگونه به هرگونه اقدام تجاوزکارانه پاسخ دهد و اطمینان حاصل کند که این اقدام با پاسخی فراموش نشدنی روبه‌رو خواهد شد. وی در پایان هشدار داد: جامعه بین‌المللی باید دریابد که سکوت و مماشات در برابر کارزارهایی که با هدف عادی‌سازی نقض آشکار موازین حقوقی بین‌المللی و اصول بنیادین انسانی و اخلاقی به راه افتاده‌اند، پیامدهایی ویرانگر خواهد داشت؛ پیامدهایی که نه فقط منطقه، بلکه تمام بشریت را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

شایان ذکر است، روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی که ۲۵ آبان ۱۴۰۵ منتشر شد، با طرح این فرضیه که برخی سدها و پروژه‌های انتقال آب ایران ممکن است برای تامین آب و برق تاسیسات موشکی زیرزمینی احداث شده باشند، به بررسی ارتباط احتمالی زیرساخت‌های آبی کشور با مراکز نظامی پرداخت. این گزارش با استناد به اظهارات برخی کارشناسان، این احتمال را مطرح کرد اما شواهد قطعی برای اثبات ارتباط این پروژه‌ها با تاسیسات موشکی ارائه نداد.

همچنین شبکه خبری سی‌ان‌ان در گزارشی اختصاصی مدعی شد که اطلاعات دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا از بررسی گزینه‌هایی برای استفاده از بمب کثیف یا سلاح شیمیایی علیه اهدافی در واشنگتن از سوی ایران حکایت دارد. این ادعا نیز با استناد به منابع ناشناس آمریکایی مطرح شد و در گزارش، درباره اعتبار اطلاعات و امکان اجرای چنین سناریویی اختلاف نظرهایی نقل شده است.

نویسنده مقاله ضدایرانی نیویورک تایمز کیست؟

# بازهم پای یک سلطنت‌طلب در میان است

در روزهایی که وجدان عمومی جهان در برابر جنایات جنگی رژیم صهیونیستی و حامیان آمریکایی‌اش در غزه و لبنان به درد آمده است، دستگاه تبلیغاتی پنتاگون و سیا راهبردی قدیمی اما شرم‌آور را دوباره از انبار بیرون کشیده است: استفاده از «مزدوران رسانه‌ای» با چهره‌های ظاهرا علمی و تخصصی، برای مهندسی ادراک عمومی و قانونی جلوه دادن به هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی. آخرین حلقه از این زنجیره مزدوری، مقاله‌ای است که روز دوشنبه ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶ در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شد؛ مقاله‌ای با عنوان «جنگ ممکن است معمای دیرینه سدهای ایران را که بدون دلیل مشخص ساخته شده‌اند، حل کند» که به قلم صنم ماحوزی و اریکا سولومون نوشته شده است. این مقاله، درست در زمانی منتشر می‌شود که بر اساس گزارش‌های نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد، حملات آمریکا و اسرائیل به ایران بین ۲۸ فوریه و اوایل آوریل ۲۰۲۶ حدود چهار هزار غیرنظامی از جمله نزدیک به ۵۰۰ زن را شهید و بیش از ۳۳ هزار نفر را زخمی کرده است. گزارش‌های رسمی حاکی از آن است که بیش از ۶۷ هزار سایت غیرنظامی هدف قرار گرفته‌اند که ۴۹۸ باب مدرسه و ۲۳۶ مرکز بهداشتی در میان آنها بوده است. در چنین شرایطی، مقاله ماحوزی با ایجاد یک پیوند خیالی میان سدها و تاسیسات موشکی، عملا تلاش می‌کند بمباران زیرساخت‌های آبی - که حیات میلیون‌ها غیرنظامی به آنها وابسته است- را به عنوان یک هدف نظامی مشروع بازتعریف کند.

### تروریسم رسانه‌ای

این مصداق بارز «تروریسم رسانه‌ای» است. ظاهرا در رژیم جنایتکار ترامپ، همان‌طور که از تروریست‌های اقتصادی چون «میعاد ملکی» بهایی (یکی از طراحان اصلی تحریم‌های ایران در دوره ترامپ) رونمایی می‌شود، در حوزه‌های دیگر هم تروریست‌های خاص آن حوزه در حال پرده‌برداری هستند.

این اولین بار نیست که دستگاه اطلاعاتی- نظامی آمریکا از «متخصصان» ظاهرا مستقل برای پوشاندن جنایات خود استفاده می‌کند. اسناد و تاریخچه عملیات روانی سیا و پنتاگون نشان می‌دهد که از دهه‌ها پیش، راهبرد «عملیات غیرمتعارف» شامل به‌کارگیری شبکه‌ای از روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان و «کارشناسان» بوده است که با ارائه تحلیل‌های ظاهرا بی‌طرف، افکار عمومی را برای پذیرش اقدامات نظامی آماده می‌کنند. در مورد سوریه، تحلیلگران مستقل مستند کرده‌اند که چگونه سیا با استفاده از «لژیون خارجی» خود- شامل مزدوران، عناصر وهابی تندرو و NGOهای فاسد- خشونت‌ها را به گردن دولت قانونی سوریه انداخت و رسانه‌های جهانی را به عنوان ابزار این فریب به کار گرفت.

اکنون همان الگو در قبال ایران تکرار می‌شود. وقتی یک روزنامه‌نگار «ایرانی تبار» در یک رسانه بزرگ غربی ادعایی را مطرح می‌کند که با اهداف سیاسی- نظامی پنتاگون هم‌راستاست، دیگر نیازی به بیانیه رسمی پنتاگون نیست؛ خود «کارشناس» ایرانی الاصل، کار توجیه جنایت را انجام می‌دهد. این دقیقا همان مکانیزمی است که در آن «مزدور رسانه‌ای» نه با پول، بلکه با ارادت به یک جریان سیاسی خاص (جریان ایران‌فروش، فاسد و مزدور پهلوی)، به ابزاری برای مشروعیت بخشی به جنایت جنگی تبدیل می‌شود. صنم ماحوزی، روزنامه نگار و پژوهشگری است که خود را «متخصص مسائل محیط زیست ایران و خاورمیانه» معرفی می‌کند. او دارای دکترای روزنامه نگاری از دانشگاه سیتی سنت جورج لندن است و پایان نامه‌اش را درباره «قاب بندی رسانه‌ای اعتراضات آب ایران» نوشته است. او در رسانه‌هایی مانند الجزیره، فوربس و نیویورک تایمز قلم زده و خود را حامی «شفافیت» و «حقیقت‌گویی» درباره ایران معرفی می‌کند.

### پهلوی همچنان در مسیر ایران‌ستیزی

اما آنچه در کارنامه او بیش از هر چیز دیگری خودنمایی می‌کند، وابستگی آشکار و بی‌پرده به جریان سلطنت‌طلب و حامیان رضا پهلوی است. ماحوزی در گزارش‌های متعددی برای نیویورک تایمز، به همراه اریکا سولومون، به پوشش اعتراضات و تحولات سیاسی ایران پرداخته و در آنها روایت‌های مورد نظر جریان سلطنت‌طلب را بازتولید کرده است. برای نمونه، در گزارش ژانویه ۲۰۲۶ نیویورک تایمز درباره کودتای مسلحانه در ایران، نام او در کنار نام رضا پهلوی و فراخوان او برای ادامه اعتراضات دیده می‌شود. همچنین در گزارش دیگری درباره «تشدید اعتراضات در ایران» به قلم او و بن هابارد، فضای اعتراضات به گونه‌ای روایت شده که با اهداف سیاسی جریان سلطنت‌طلب همسو است.

این وابستگی، ماحوزی را به گزینه‌ای ایده‌آل برای دستگاه تبلیغاتی آمریکا و اسرائیل تبدیل می‌کند؛ او هم «ایرانی» است (و بنابراین ادعای «دشمنی با ایران» علیه او مطرح نمی‌شود)، هم «متخصص محیط زیست» است (و بنابراین ادعای او درباره سدها «علمی» به نظر می‌رسد)، و هم به جریانی وابسته است که در طول جنگ ۴۰ روزه، بارها از ترامپ و نتانیاهو به خاطر بمباران ایران تشکر و تقاضای تشدید حملات کرد.

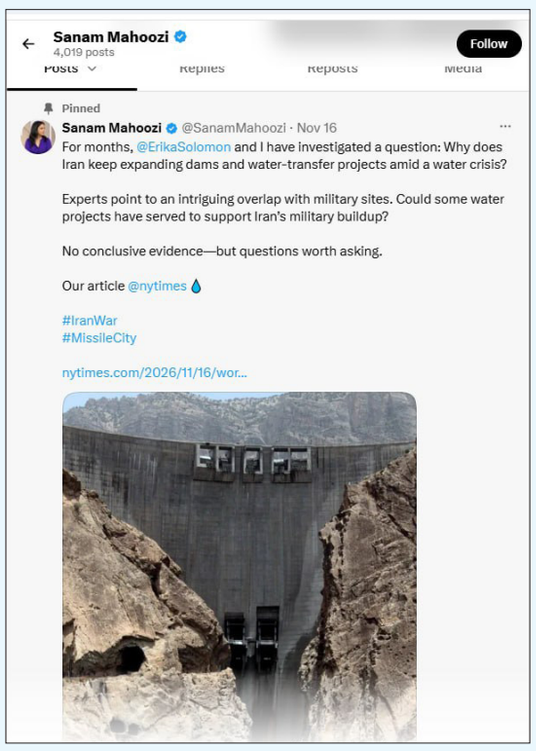
آنچه این ماجرا را به اوج شرم‌آوری می‌رساند، نه فقط محتوای مقاله - که خود به تنهایی مصداق بارز همکاری با جنایت جنگی است - بلکه پیشینه سیاسی نویسنده است. ماحوزی به جریانی وابسته است که در طول جنگ، نه تنها بمباران غیرنظامیان ایران را محکوم نکرد، بلکه از ترامپ و نتانیاهو به خاطر کشتار مردم ایران تشکر و تقاضای ادامه آن را کرد.

این جریان سلطنت‌طلب، که ماحوزی در رسانه‌های غربی نمایندگی روایی آن را بر عهده دارد، در طول جنگ ۴۰ روزه بارها با بیانیه‌ها و مواضع خود، حملات هوایی به ایران را «آزادسازی» خواند و از کشتار غیرنظامیان به عنوان «هزینه لازم تغییر رژیم» یاد کرد. اکنون ماحوزی در مقاله خود، دقیقا همان منطقی را بازتولید می‌کند که ترامپ برای توجیه جنایاتش به کار می‌برد: «اگر سدها به موشک‌ها مرتبط باشند، پس بمباران آنها مشروع است.» و برای اثبات این ادعا، به «تحلیلگرانی» ارجاع می‌دهد که خود بخشی از همان دستگاه تبلیغاتی هستند.

دنی سیترینوویتس، یکی از همین «تحلیلگران» که در مقاله ماحوزی به او ارجاع داده شده، در توییتر خود نوشته است: «در حالی که ارتباط مستقیم بین پروژه‌های سد ایران و تاسیسات موشکی زیرزمینی آن به طور قطعی اثبات نشده، چنین رویکردی کاملا با تفکر استراتژیک ایران سازگار است.» این جمله، اعترافی آشکار به ماهیت ساختگی و گمانه‌زنی محور کل مقاله است. ماحوزی و سولومون در متن نیویورک تایمز نیز اعتراف می‌کنند که «با توجه به محرمانه بودن برنامه موشکی ایران، هرگونه ارتباط میان این برنامه و طرح بلندپروازانه و چند دهه‌ای توسعه زیرساخت‌های آبی کشور همچنان در حد گمانه زنی است.» با این حال، همین گمانه زنی را به عنوان تیتر و محتوای اصلی مقاله منتشر می‌کنند تا افکار عمومی را برای پذیرش بمباران زیرساخت‌های غیرنظامی آماده کنند.

### جنگ جنایتکارانه و مزدورانی که آن را «توجیه» می‌کنند

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، از همان ابتدا جنگی غیرقانونی، نامشروع و جنایتکارانه بود. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و نهادهای حقوق بشری به صراحت اعلام کرده‌اند که حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی - از جمله سدها، شبکه‌های آب و برق، بیمارستان‌ها و مدارس - «نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی» و «جنایت جنگی» محسوب می‌شود. نماینده ایران در سازمان ملل نیز بارها تاکید کرده است که ادعای آمریکا و اسرائیل مبنی بر هدف قرار دادن فقط اهداف نظامی «دروغ و بی‌اساس» است و آنها «آگاهانه غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی را در سراسر کشور هدف قرار می‌دهند.» در چنین جنگی، هر فردی که با قلم خود تلاش کند بمباران زیرساخت‌های غیرنظامی را «توجیه» کند، نه یک «روزنامه نگار» یا «کارشناس»، بلکه یک مزدور رسانه‌ای است که در جنایت شریک است. ماحوزی با مقاله خود، نه تنها به مردم ایران خیانت کرده، بلکه به همه اصولی که ادعای پایبندی به آنها را دارد - از جمله «حقیقت‌گویی» و «دفاع از محیط زیست» - پشت پا زده است. او که سال‌ها درباره بحران آب ایران نوشته و خود را دلسوز محیط زیست نشان داده، اکنون همان سدها را به «تاسیسات موشکی» گره می‌زند تا بمباران آنها را موجه جلوه دهد. این چه نوع «دلسوزی» برای محیط زیست است که با تخریب آن توسط بمب‌های آمریکایی و اسرائیلی هم‌صدا می‌شود؟




**آنچه در کارنامه صنم ماحوزی بیش از هر چیز دیگری خودنمایی می‌کند، وابستگی آشکار و بی‌پرده به جریان سلطنت‌طلب و حامیان رضا پهلوی است. ماحوزی در گزارش‌های متعددی برای نیویورک تایمز، به همراه اریکا سولومون، به پوشش اعتراضات و تحولات سیاسی ایران پرداخته و در آنها روایت‌های مورد نظر جریان سلطنت‌طلب را بازتولید کرده است**



کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی وزیر امور خارجه:

## سرنوشت ملت‌های مستقل را اراده مردم رقم می‌زند، نه کاخ سفید

تحلیل «آگاه» پیرامون ادعای مضحک برخی حکام عرب

# ما از شما غرامت می‌گیریم

**برخی رجال عرب طی روزهای اخیر، در اظهاراتی مضحک، خواهان دریافت غرامت از ایران به‌واسطه جنگ تحمیلی سوم (جنگ ۴۰ روزه) شده‌اند. استدلال آنها این است که ایران با موشک و پهپاد به خاک اعراب حمله کرده است! گویی دنیا وارونه شده است؛ اعرابی که خاک خود را در اختیار آمریکا قرار دادند تا به مردم ایران و خاک ایران تجاوز کند، حالا در مقام مطالبه‌گر و مدعی هستند!**



اولا آنکه در جایگاه مدعی و مطالبه‌گر است، ملت ایران است؛ این اعراب حاشیه خلیج فارس و میزبانان آمریکای متجاوز هستند که باید به ملت ایران غرامت بدهند. ثانیا نیروهای مسلح ما در مقام عکس‌العمل و پاسخ به تجاوز، صرفا به پایگاه‌های آمریکایی در خاک اعراب و مبادی تجاوز به ایران، حمله کردند نه به مواضع کشورهای همسایه.

اعراب اگر می‌خواهند دیگر غرش موشک‌های ایرانی را در خاک خود نشنوند، یک راه‌حل ساده را باید پیاده کنند؛ باید عذر آمریکایی‌ها را بخواهند و پایگاه‌های آمریکایی در خاک خود را مهروموم کنند. این حکم عقل است که باید متجاوز را تنبیه کرد و ایضا متجاوز را در مبدأ تجاوز، تنبیه کرد. ما با خاک اعراب کاری نداشته و نداریم و در طول تاریخ کهن‌مان حسن همجواری را به احسن وجه، مراعات کرده‌ایم؛ بلکه این اعراب حاشیه خلیج فارس بودند که اجازه دادند آمریکایی‌ها از خاک‌شان، چند هزار هموطن ما را به خاک و خون بکشند. بنابراین اگر بحث دریافت غرامت مطرح است، اعراب باید خون‌بهای تک‌تک ایرانیان شهید در جنگ تحمیلی سوم را بپردازند و هزینه ترمیم آسیب‌دیدگی‌های ناشی از جنگ را برای ما، متقبل شوند.

### جعل واقعیت توسط حکام عربی

حکام عربی حاشیه خلیج فارس در روز روشن به دنبال جعل واقعیت هستند و می‌خواهند جای شاکی و متشاکی را عوض کنند. بر پایه قواعد مستقر در حقوق بین‌الملل و با استناد به اصول حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، هرگونه تسهیل یا پشتیبانی از اقدامات خصمانه علیه حاکمیت یک کشور مستقل، می‌تواند موجب استحقاق جبران خسارت از سوی مسبب یا تسهیل‌کننده شود. با توجه به اینکه برخی از کشورهای منطقه، با تسهیل استفاده از زیرساخت‌های خود یا ارائه حمایت‌های لجستیکی، در پیشبرد عملیات‌های متجاوزانه علیه ایران نقش داشته‌اند، جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول عدالت بین‌المللی، حق قانونی خود را برای پیگیری مطالبات خسارتی و بازپس‌گیری حقوق آسیب‌دیده از تمامی شرکای عملیاتی و تسهیل‌کنندگان این اقدامات، در مراجع ذی‌صلاح محفوظ می‌دارد. روز جمعه گذشته، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس، در ادعایی مضحک خواستار ملزم کردن ایران به پرداخت غرامت کامل بابت خسارات ناشی از حملاتش، مطابق با حقوق بین‌الملل و قطعنامه شورای حقوق بشر شد. شورای همکاری خلیج فارس نیز در نشست خود از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست تا به مسئولیت خود در نظارت بر اجرای قطعنامه‌اش که حملات ایران علیه کشورهای حوزه خلیج فارس را محکوم می‌کند عمل کرده و تضمین کند که چنین حملاتی تکرار نخواهند شد!

پیشتر نیز وزرای امور خارجه کشورهای عربی در یک نشست اضطراری خواستار پرداخت غرامت از سوی ایران با ادعای خسارات ناشی از آنچه حملات ایران به کشورهای عربی و بستن تنگه هرمز توصیف کردند، شده بودند.

### شرکای تجاوز به ایران

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در نشست خبری اخیر خود با اشاره به مسئولیت حقوقی کشورهای مشارکت‌کننده در تجاوز نظامی علیه ایران تصریح کرد: این ایران است که از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، مطالبه غرامت دارد. آسیب‌ها و خساراتی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به ایران وارد شده، در برخی موارد منشأیی در کشورهای منطقه داشته است. طبق حقوق بین‌الملل، کشورهایی که به هر نحوی، مستقیم یا غیرمستقیم، در تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران نقش داشته‌اند، بر اساس قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و بند «و» ضمیمه این قطعنامه، همراه و همدست متجاوزان محسوب می‌شوند و در جنایات ارتکابی شریک هستند. بنابراین، این ایران است که از این کشورها مطالبه غرامت دارد.

وی در پاسخ به بخش دیگری از این سوال درباره اقدامات ایران برای مستندسازی نقش کشورهای منطقه در حملات علیه ایران گفت: تمامی مواردی که نشان‌دهنده نقش کشورهای منطقه در کمک به آمریکا و رژیم صهیونیستی برای حمله به ایران است، مستند شده و از طریق مجاری دیپلماتیک، مستقیما به این کشورها اعلام شده است. جمهوری اسلامی ایران قطعا این موضوع را با جدیت پیگیری خواهد کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه با تاکید بر مسئولیت کشورهای منطقه در قبال پیامدهای تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران اظهارکرد: مسئولیت این دسته از کشورهای منطقه در قبال پیامدها و تبعات این تجاوز محرز است. این موضوع آن‌قدر آشکار و روشن بوده که حتی اگر مقام‌های آمریکایی نیز به آن اعتراف نمی‌کردند و صراحتا از این کشورها تقدیر نمی‌کردند، برای ما روشن بود. موشک‌ها، پهپادها و هواپیماهایی که از پایگاه‌های نظامی مستقر در این کشورها به پرواز درآمده‌اند، کمک‌های لجستیکی و پشتیبانی ارائه‌شده به نیروهای متجاوز و همچنین پایگاه‌هایی که در این کشورها تخریب شده‌اند، از جمله شواهد مشارکت آنها در تجاوز علیه ایران است.

### غرامت واقعی، خون‌بهای شهدای ماست

به طور کلی، چیزی عجیب‌تر از جنگ، ادعای مدعیانی است که نقش قربانی را برای خود می‌خرند! اعرابی که پهلو به ادوات کشتار جمعی و جنگنده‌های آمریکایی داده‌اند تا از خاک‌شان به جان ایرانیان تجاوز شود، حالا در مقام مطالبه‌گر غرامت ایستاده‌اند؟ بدون تردید، غرامت واقعی، خون‌بهای شهدای ما در خاک خودمان است که اعراب با میزبانی از متجاوز، در پرداخت آن شریک شده‌اند.

در تحلیل ماهیت ادعای اخیر برخی از رجال عرب، با نوعی وارونه‌سازی فاحش در مفهوم تجاوز و پاسخ مواجه هستیم. جریان‌هایی که خواهان دریافت غرامت از جمهوری اسلامی هستند، عملا از اصل مسئولیت مدنی میزبان متجاوز غافل مانده‌اند. وقتی خاک یک کشور، کانون استقرار نیروهای متجاوز علیه یک ملت باشد، آن کشور خود در موضع مسئولیت حقوقی در قبال خسارات وارده قرار می‌گیرد. لذا به جای بحث از غرامت‌های واهی، مسئله اصلی، مطالبه خون‌بهای جان‌های از دست رفته در جنگ تحمیلی سوم از حاکمانی است که با میزبانی از آمریکا، تسهیل‌گر تجاوز به حریم تمامیت ارضی و حاکمیت ایران بوده‌اند. اعراب می‌خواهند از ایران غرامت بگیرند؟ مضحک است! وقتی آمریکا از خاک شما، به خون ما تجاوز می‌کند، شما نه مدعی، بلکه شریک جرم هستید. موشک‌های ما به خانه دشمن رفت، نه به خانه همسایه‌ها. اگر می‌خواهید غرامتی درکار نباشد، جایگاه آمریکایی‌ها را در خاک خودتان ببندید؛ وگرنه، ترازوی عدالت تنها یک حکم را می‌شناسد: اعراب باید خون‌بهای شهدای ما را بپردازند.

### برداشت نادرست از سیاست حسن‌همجواری ایران؛ ممنوع!

اعراب حاشیه خلیج فارس باید بدانند که سایه سنگین سیاست‌های اعتمادساز تهران، همواره برآمده از اصالت حسن همجواری بوده است؛ اما صبر استراتژیک جمهوری اسلامی ایران نباید به پای ضعف یا انفعال در صیانت از تمامیت ارضی قلمداد شود. خط‌کشی‌های مصلحت‌اندیشانه برخی بازیگران حاشیه‌ای خلیج فارس در همراهی با طرح‌های مداخله‌جویانه فرامنطقه‌ای و رونویسی از دیکته آمریکایی‌های متجاوز تنها به فرسایش سازوکارهای امنیتی بومی و افزایش شکاف‌های درون منطقه‌ای یاری می‌رساند. اعرابی که از دریافت غرامت از ایران دم می‌زنند باید بدانند امنیت، کالایی وارداتی و عاریه‌ای نیست که با اتکا به پایگاه‌های بیگانه تامین شود. ثبات پایدار خلیج فارس صرفا از دل ترتیبات بومی و اراده مشترک کشورهای حاشیه این پهنه آبی برمی‌خیزد. تهران هرگز دیپلماسی خیرخواهانه و تعامل‌محور را با سازش بر سر خطوط قرمز امنیت ملی اشتباه نگرفته است و هزینه هرگونه خطای محاسباتی در منطقه، متوجه طراحان اصلی سناریوهای ضدایرانی خواهد بود.

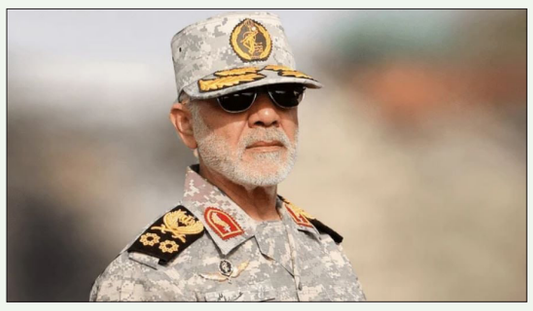
رئیس ستادکل نیروهای مسلح ضمن تشریح برگ‌های برنده ایران، بازهم با دشمن متجاوز اتمام حجت کرد

# بلیت یک‌طرفه آمریکایی‌ها تا قطب جنوب

در نبرد با دشمن متجاوز، معادلات تغییر کرده است. هنگامی که فرماندهان ارشد نیروهای مسلح از اراده مردم به عنوان تعیین‌کننده سرنوشت جنگ سخن می‌گویند، درواقع بر اصل بازدارندگی تاکید می‌کنند؛ قدرتی که نه در تجهیزات، بلکه در پیوند ملت و حاکمیت نهفته است. از عقب راندن دشمن تا قطب جنوب و ایجاد واهمه در دل واشنگتن، همگی نشانه شکست اهداف سه‌گانه دشمن (سرنگونی، تجزیه و فروپاشی) است. امروز، ایران با تکیه بر این اراده و توان میدانی به مرحله مدیریت هزینه‌های دشمن رسیده است، جایی که هر تهاجم احتمالی، با محاسبه باخت، بی‌اثر می‌شود.

سردار سرلشکر علی عبداللهی در حاشیه بازدید از نمایشگاه برنامه‌ها و فعالیت‌های شاخص بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت نکات مهمی را بیان کرد و گفت: دشمن از ابتدا شناخت و برآورد درستی از واقعیت‌های جمهوری اسلامی ایران نداشت. تصور آمریکا و رژیم صهیونیستی این بود که می‌توانند صرفا با تکیه بر تجهیزات و ساز و برگ نظامی به پیروزی برسند؛ تصوری که تجربه میدان آن را باطل کرد. این یک اشتباه محاسباتی ساده نیست، خطای راهبردی است. وقتی طرف مقابل، توان یک ملت را فقط در سخت‌افزار می‌بیند و سرمایه انسانی، ایمان و پیوند اجتماعی را از قلم می‌اندازد، در همان قدم اول، معادله را غلط حل کرده است. سردار عبداللهی همین را نتیجه می‌گیرد و می‌گوید: تجهیزات، تنها بخشی از عوامل موثر در جنگ است و آنچه سرنوشت میدان را رقم می‌زند، اراده ملی، ایمان و اعتقاد به وعده‌های الهی است. او با اشاره به اینکه اراده مردم، نیروهای مسلح و فرماندهان در کنار ایمان، از مولفه‌های اصلی ایستادگی کشور بود، تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران در این دو جنگ با مقاومت از میدان پیروز بیرون آمد و دشمن شکست خورد. نکته مهم در این بیان، نسبت میان مردم و نیروهای مسلح است. در این نگاه، جبهه دفاعی کشور فقط خطوط پدافندی نیست؛ پیوند انسانی است که از خانه‌ها تا سنگرها ادامه دارد و همین است که در محاسبات دشمن، هرگز جای نمی‌گیرد.

سرلشکر عبداللهی به عملکرد نیروهای مسلح در حوزه‌های مختلف نیز اشاره کرد و گفت: در حوزه دریایی، دستاوردها و توفیقات قابل توجهی حاصل شد و نیروهای مسلح توانستند در برابر توان دریایی آمریکا اقدامات موثری انجام دهند. جمله او در این بخش، صریح و رسانه‌ای بود: «ما در پهنه دریا توانستیم آمریکایی‌ها را عقب برانیم؛ به فضل الهی در این منطقه، آمریکایی‌ها را تا قطب جنوب عقب خواهیم راند.» موضع‌گیری عالی‌ترین مقام نیروهای مسلح را باید در همان بستری خواند که شکارهای پیاپی پرنده‌های آمریکایی در تنگه هرمز رخ داد. میدان دریا، امروز به صحنه آزمون فناوری و ابتکار تبدیل شده؛ صحنه‌ای که در آن، هزینه حضور برای طرف مقابل بالا رفته است. او همچنین به پیشرفت‌های کشور در حوزه مقابله با جنگنده‌ها و هواگردهای دشمن اشاره کرد و گفت: توان و دقت عملیاتی نیروهای مسلح نسبت به گذشته افزایش یافته است. در این بخش هم نقش ظرفیت علمی و پژوهشی کشور را برجسته دانست؛ همان حلقه‌ای که پژوهش را به سامانه عملیاتی وصل می‌کند. سرلشکر عبداللهی بار دیگر به نقش استقامت مردم بازگشت و تصریح کرد: ملت ایران و رزمندگان با ایستادگی، از آزمون دشوار جنگ عبور کردند و این پایداری، زمینه‌ساز پیروزی شد. این مسیر باید تا زمانی ادامه یابد که دشمن از اقدامات خود پشیمان شود. ضمن آنکه مطالبه انتقام خون رهبر شهید، شهدای جنگ و کودکان شهید با اتکا به فضل الهی، پیگیری می‌شود.



دیروز علاوه بر رئیس ستادکل نیروهای مسلح، معاون او و فرمانده کل سپاه بر توانایی‌ها و شکست دشمن در نبرد با جمهوری اسلامی ایران تاکید کردند. سردار ایوب سلیمانی، معاون هماهنگ‌کننده نیروهای مسلح بخش دیگری از بازدارندگی ایران را ترسیم کرد. او معتقد است: امروز آمریکا و شخص ترامپ به هیچ عنوان طالب جنگ با ما نیستند و از طرفی هم به همین سادگی نمی‌توانند رها کنند و برونند، چون آن جنگ شکست مطلق‌شان است.

حالا این دو سخن را کنار اظهارات دیروز سردار احمد وحیدی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم تجدید میثاق بسیجیان با آرمان‌های امام خمینی (ره) که در حرم مطهر بنیانگذار انقلاب اسلامی برگزار شد قرار دهیم، پازل قدرت نمایی ایران تکمیل می‌شود. او به سه هدف دشمن که سرنگونی نظام، تجزیه ایران و فروپاشی بود پرداخت و گفت: دشمن به هیچ‌کدام نرسید. اینجا نقطه اتصال روشن می‌شود. هدف طرف مقابل، فروپاشی از درون بود و محقق نشد، به دلیل آنکه اراده مردم که سرلشکر عبداللهی از آن گفت، در عمل جواب داده است. دشمن نتوانست ایران را تجزیه کند، چون عامل پیوند- همان سرمایه اجتماعی و باور مشترک- خودنمایی کرده و اگر از جنگیدن با ایران هراس دارند، می‌دانند خطایی مرتکب شوند نتیجه‌ای جز ناکامی و شکست نخواهند داشت.

در مجموع اگر سخنان فرماندهان نیروهای مسلح را در یک خط جمع‌بندی کنیم، حاصلش این است: دشمن با محاسبه تجهیزات آمد و با محاسبه اراده شکست خورد. دو جنگ اخیر، هم نقاط ضعف را نشان داد و هم توان جبران آن را و مهم‌تر از همه، درس روشن بر جای گذاشت و آن اینکه ملتی که به توان خود و به پیوند درونی‌اش تکیه دارد، حتی وقتی میدان سخت می‌شود، از آن پیروز بیرون می‌آید. حالا معادله برعکس شده است. این بار طرف مقابل است که باید پیش از هر اقدام، حساب هزینه‌هایش را کند.

وزارت اطلاعات خبرداد

# دو هسته مسلح گروهک‌های تروریستی و تجزیه‌طلب متلاشی شدند




وزارت اطلاعات روز گذشته در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در ادامه مقابله سربازان گمنام امام زمان(عج) در وزارت اطلاعات با تحرکات مزدوران دشمن آمریکایی- صهیونیستی برای انجام اقدامات تروریستی در کشور، با مجاهدت‌های خاموش دلاورمردان جان بر کف اداره کل اطلاعات کردستان و بهره‌گیری از گزارش‌ها و مساعدت‌های موثر مردمی، اعضای دو هسته مسلح گروهک تجزیه‌طلب که در راستای طرح صهیونیستی و آمریکایی، در حال سازماندهی برای اقدامات تروریستی و ناامنی در داخل استان کردستان بودند، در تور اطلاعاتی سربازان گمنام امام زمان (عج) قرار گرفته و تمامی ۹ تروریست عضو این دو هسته شناسایی و دستگیر شدند. در این اطلاعیه آمده است: در جریان این سلسله اقدامات، یکی از سرشبکه‌های اصلی خارج نشین که با هدایت یک سرویس اطلاعاتی منطقه، ماموریت ایجاد و هدایت شبکه مسلح در شهرستان کامیاران را بر عهده داشت، بازداشت شد. از این سلول‌های تروریستی سازماندهی شده، تعداد ۴۷ قبضه سلاح کلاشینکف، ۹۳ تیغه خشاب، ۲۷۰۰ فشنگ و ۷۰ دستگاه تجهیزات ارتباطی استارلینک کشف و ضبط شد.

عراقچی در دیدار با سلطان عمان:

## ایران در دیپلماسی جدی و در دفاع از منافع ملی قاطع است

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در دیدار با سلطان عمان با تشریح ابتکار دیپلماتیک ایران برای خاتمه جنگ تحمیلی آمریکا، تاکید کرد که تهران همواره در استفاده از دیپلماسی جدی بوده و در دفاع از تمامیت سرزمینی و منافع ملی خود نیز قاطعانه عمل می‌کند.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، که برای یک دیدار رسمی از سلطنت عمان به این کشور سفر کرده است، پیش از ظهر روز سه‌شنبه ۲۶ آبان با هیثم بن طارق آل سعید، سلطان عمان، دیدار و گفت‌وگو کرد. وزیر امور خارجه کشورمان در این دیدار با اشاره به سابقه روشن و طولانی روابط ایران و عمان، بر عزم جمهوری اسلامی ایران برای گسترش بیش از پیش روابط با عمان در همه زمینه‌های مورد علاقه دو کشور تاکید کرد. عراقچی همچنین با یادآوری سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران در تقویت اعتماد و همکاری میان کشورهای منطقه، بر اهمیت تلاش همه جانبه کشورهای منطقه برای پیشبرد منافع و امنیت مشترک منطقه‌ای تاکید کرد.

در این دیدار، درباره آخرین تحولات منطقه به‌ویژه وضعیت ناامنی و تنش‌آلود ناشی از اقدامات تجاوزکارانه و مداخله‌جویانه آمریکا بحث و تبادل نظر شد. وزیر امور خارجه کشورمان، سلطان عمان را در جریان آخرین وضعیت موجود از جمله ابتکار دیپلماتیک ایران برای خاتمه جنگ تحمیلی آمریکا قرار داد. وی ضمن تقدیر از مساعی جمیله و تلاش‌های عمان در مقام میانجی، خاطرنشان کرد که جمهوری اسلامی ایران همواره در استفاده از دیپلماسی جدی بوده است همانطور که در دفاع از تمامیت سرزمینی و منافع ملی خود نیز قاطع و مصمم عمل کرده است. سلطان عمان نیز با اشاره به اهمیت روابط تاریخی و دوستانه مسقط- تهران، از رویکرد مسئولانه ایران در قبال صلح و ثبات منطقه قدردانی کرد و بر ضرورت استمرار رایزنی‌ها میان کشورهای منطقه برای مدیریت وضعیت خطیر کنونی و جلوگیری از تشدید تنش‌ها تاکید کرد. سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که برای یک دیدار رسمی از سلطنت عمان به مسقط سفر کرده است، صبح روز سه‌شنبه ۲۶ آبان با بدر البوسعیدی، وزیر امور خارجه این کشور دیدار و گفت‌وگو کرد.

اقدامات روزگذشته نیروهای مسلح در میدان

## قدرت متقارن ایران در تنگه هرمز

جمهوری اسلامی بارها. قبل از آغاز جنگ تحمیلی دوم و سوم- از سوی مسئولان کشوری و لشکری به آمریکا و صهیونیست‌ها پیام داده بود، با دم شیر بازی نکنید. بخواهید وارد معرکه شوید، دیگر به راحتی نمی‌توانید از صحنه نبرد خارج شوید. جنگ را شما شروع می‌کنید اما پایانش با ما (ایران) است. آن زمان دشمن متجاوز «کرو کور» بود. هیچ نمی‌دید و آنچه برایش اهمیت داشت تقابل نظامی با ایران بود. می‌خواستند چند روزه نظام سیاسی را سرنگون و جشن پیروزی برگزار کنند. در جنگ تحمیلی دوم نتوانستند به اهداف‌شان دست یابند، ترور شخص اول کشور را اجرا کردند تا خیمه نظام فروبپاشد و آنها پیروز شوند. باز تیرشان به سنگ خورد. حالا تجهیزات و پهپادهای‌شان را به صف کرده‌اند تا در تنگه، فشار وارد کنند اما در این میدان هم دارند پشت سر هم سیلی‌های سخت و سنگین دریافت می‌کنند. دیروز تنگه هرمز به معنای واقعی کلمه برای پهپادهای دشمن متجاوز تنگ شده بود. بامداد روز سه‌شنبه نیروی دریایی ارتش اعلام کرد: یک نفتکش متخلف که با خاموش کردن سامانه‌های ناوبری در منطقه ممنوعه شرق تنگه هرمز تردد می‌کرد، بر اثر برخورد با مین دریایی دچار حریق شد و شدیدا آسیب دید. این نفتکش، چهارمین نفتکش آسیب‌دیده در ۲۴ ساعت گذشته در شرق تنگه هرمز است. ظهر روز گذشته باز ارتش خبر ساز شد؛ طبق اطلاعیه روابط عمومی آجا یک نفتکش متخلف که با خاموش کردن سامانه‌های ناوبری و بدون رعایت مقررات اعلام شده در محدوده ممنوعه شرق تنگه هرمز تردد می‌کرد، بر اثر برخورد با مین دریایی دچار آتش‌سوزی شد و به شدت آسیب دید. دوران یکه‌تازی و تحمیل اراده با زبان تهدید به پایان رسیده است؛ تنگه هرمز عرصه قانون و احترام متقابل و نیازمند هماهنگی با نیروهای مسلح است.

عصر دیروز یک فروند پهپاد لوکاس توسط سامانه‌های بومی نیروی پدافند هوایی ارتش، تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور بر فراز تنگه هرمز، مورد اصابت قرار گرفت. این پایان ماجرا نبود؛ سومین نفتکش متخلف، بر اثر برخورد با مین دریایی در شرق تنگه هرمز دچار آتش‌سوزی شد.

سپاه انقلابی هم همچون ارتش با چشمان باز تمامی تحرکات آمریکای تروریست را رصد می‌کند. رزمندگان پدافند نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با بهره‌گیری از سامانه نوین پدافند پیشرفته هوافضای سپاه، موفق شدند یک فروند پهپاد شناسایی- رزمی MQ۱ متعلق به ارتش متجاوز آمریکا را در جنوب جزیره قشم، با آتش دقیق و موثر رهگیری و منهدم کنند. این هجدهمین فروند پهپاد MQ۱ آمریکایی است که با آتش سامانه‌های پدافندی نیروی هوافضای سپاه منهدم شده است. تداوم این انهدام‌ها، جلوه‌ای دیگر از اقتدار پدافندی و توانمندی افسران جوان سپاه در مقابله با تجهیزات پیشرفته دشمن است.

با چنین کارنامه‌ای، فرمانده سنتکام را باید شایسته دریافت «مدال خسارت» دانست؛ فرمانده‌ای که ظاهرا در تحمیل خسارت به ناوگان پهپادی تحت فرماندهی خود، رکوردهای تازه‌ای ثبت می‌کند! ارتش آمریکا به‌جای نمایش برتری نظامی، اکنون باید پاسخ‌گوی خسارت‌های پی‌درپی به تجهیزات گران‌قیمت خود باشد؛ خسارت‌هایی که هرروز بر فهرست ناکامی‌های عملیاتی آن افزوده می‌شود. دو اقدام مهم دیگر از سوی سپاهی‌ها صورت گرفت تا دشمن حسابی آچمز شود. دو فروند کشتی متخلف با اصابت به مین دریایی دچار انفجار و آتش‌سوزی بسیار شدید شدند. یکی از این کشتی‌ها از نوع سوپرنفتکش با بیش از دو میلیون بشکه نفت خام و دیگری نیز کشتی حامل گاز مایع بود. این کشتی‌ها با تعداد زیادی جنگنده و هواگرد آمریکایی حمایت هوایی می‌شدند، غافل از مین‌های دریایی که در آب‌های تنگه هرمز با یک انفجار بسیار شدید آتش گرفته و متوقف شدند. سوپرنفتکش متخلف در محدوده غرب تنگه هرمز کشتی حامل گاز مایع در مسیر جنوبی غیر مجاز تنگه هرمز دچار اصابت و حادثه شدند. اما ماجرا از آنجا جالب می‌شود که پایگاه شیخ عیسی در جزیره بحرین مورد هدف قرار گرفت؛ در پاسخ به تداوم نقض حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران توسط پهپادهای ارتش متجاوز آمریکا، پهپادهای رزمی سپاه، بامداد دیروز طی عملیاتی دقیق، یک سامانه راداری متعلق به نیروهای متجاوز آمریکا در پایگاه شیخ عیسی جزیره بحرین را هدف قرار دادند. این پایگاه یکی از مهم‌ترین گره‌های پشتیبانی قدرت هوایی آمریکا در خلیج فارس است. ارزش واقعی شیخ عیسی در تعداد جنگنده‌های مستقر در آن خلاصه نمی‌شود، بلکه در نقشی نهفته است که در حفظ زنجیره لجستیکی، انتقال نیرو و تجهیزات، سوخت‌رسانی هوایی، نگهداری و بازآماد هواگردها و استمرار عملیات هوایی ایفا می‌کند. از همین رو، این پایگاه در کنار العدید، الظفره، علی‌السالم و مقر ناوگان پنجم، بخشی از ستون فقرات معماری نظامی آمریکا در منطقه به شمار می‌رود. در هر ارزیابی فنی و راهبردی از آرایش نیروهای آمریکا در خلیج فارس، شیخ عیسی را باید نه صرفا یک فرودگاه نظامی، بلکه یک «هاب عملیاتی و لجستیکی» دانست که نقش آن در پشتیبانی از عملیات هوایی، استمرار توان رزمی و حفظ آمادگی عملیاتی نیروهای آمریکایی، جایگاهی ویژه در ساختار فرماندهی مرکزی این کشور ایجاد کرده است. فرجام سخن اینکه نیروهای مسلح با اقدامات اخیرشان، تعریف جدیدی از بازدارندگی ارائه دادند و به دشمن فهماندند، اگر حریم ما نقض شود، می‌توانیم در هر نقطه‌ای که بخواهیم، هزینه‌اش را بگیریم. این همان «قدرت متقارن» است؛ هر تهاجمی، با پاسخی سریع، دقیق و دردناک روبه‌رو می‌شود.



مریم کوثری، نویسنده:
## جوانان تماشاگر جنگ نیستند؛ آنها می‌توانند سرنوشت را تغییر دهند

قطعه ۲۶

### نقل چهارشنبه‌ها از آنها که ستون خیمه‌ها شدند
# زنگ اول

**مرضیه کیان، خبرنگار:** روایت بیست‌وششم، شرح ماجرای حماسی و عاطفی طفلی هفت‌ساله از سلاله پاکان است. شهیده «زهرا سادات سیادت موسوی»، متولد نهم فروردین ۱۳۹۸ و نوه خواهری سرداران شهید «مهدی و مجید زین‌الدین»، دوازدهم اسفند در بمباران جنگنده‌های متجاوز در شهرک محلاتی تهران، زیر آوار سنگین خانه پدربزرگ به شهادت رسید.

بسم‌المعطر الحبیب. تهران جان! دردت به جانم. باز منم؛ همان راوی سمج و پابه‌رکاب قطعه ۴۲ بهشت زهرا(س). من که هر هفته جان به لب می‌شوم تا از میان این غلغله و هیاهو و دود غلیظ خیابان‌هایت، خودم را به این وادی برسانم. این شلوغی و سیاهی دود هم شده بلای جان، اما مگر می‌شود نیامد؟ مگر می‌شود میان این همه هیاهو، این سکوت مقدس را فراموش کرد؟ امروز آمده‌ام کنار مزاری خاکی بنشینم که عکس یک فرشته معصوم بالای سرش چشمک می‌زند؛ زهرا سادات هفت‌ساله با آن مقنعه سفید و نگاه نجیب.

تهران جان! بنشین پای صحبت سید محمد حسین سیادت موسوی؛ روحانی جوان و صبور، امام جماعت باصفای مسجد کمیل در محله نارمک. او هم معلم است در دبستان شهری و هم رفیق شفیق دخترکانش. حالا روزها می‌آید اینجا، با همان عبای ساده روی صندلی کنار مزار زهرایش می‌نشیند و زیر لب با طفل آرام‌گرفته در خاک درد دل می‌کند. سید از روزهای پیش از حادثه گفت؛ از اینکه زهرا عاشق بازی قایم باشک بود. تا خواهرش مریم سادات دو سال پیش به دنیا آمد، قایم باشک شد رسم هر روزه خانه. هر بار که سید کلید می‌انداخت و زنگ خانه را می‌زد، زهرا می‌دوید پشت مبل یا گوشه اتاق پنهان می‌شد تا بابا ۱۰-۱۵ دقیقه دنبالش بگردد و وقتی پیدایش کرد، از خوشحالی غنج برود و دخترک را غرق بوسه کند.

اما بشنو از آن بعدازظهر تلخ دوازدهم اسفند. آسمان محله شهرک محلاتی غرید. بوم سیاه خفاشان متجاوز پهن شد و موشک‌های کینه‌توز خانه پدربزرگ مادری را با خاک یکسان کرد؛ همان وقتی که مادر در آشپزخانه تدارک افطار می‌دید و زهرا روی تک‌مبل، در دنیای کودکانه‌اش غرق بود. آوار سنگین بتن و آهن ریخت روی تن اهل خانه. همسایه دیوار‌به‌دیوار با هشت نفر اهل عیال یک‌جا شهید شدند. پدرکه با دستپاچگی خودش را رساند، محشرکبری به پا بود. مریم دوساله را با سر خونین از زیر آوار کشیده بودند بیرون و بردند بیمارستان. پدربزرگ هم نیمه جان به کما رفت، اما زهرا نبود. خاکستر و سنگ همه جا را پوشانده بود و خبری از دخترک چشم‌روشن بابا نبود. زهرا بازهم قایم شده بود، اما این بار نه پشت مبل و کنج اتاق، که زیر خروارها سنگ و کلوخ.

حی لایموت شاهد است سید ۲۴ ساعت تمام، با پای برهنه و دست خونین، میان آوار گشت. برادرو دوستان هیاتی و جوانان مسجد کمیل هم آمدند و بیل زدند. هرتکه سنگی که کنار می‌رفت، اندامی از خانواده هشت نفره همسایه پیدا می‌شد؛ دستی بریده، پایی سوخته یا نیمه‌پیکری پر از جراحت که آزمایش DNA نشان داد دخترپنج‌ساله همسایه است. سید می‌گفت هربار دست یا پایی از زیر خاک بیرون می‌آمد، دلم هری می‌ریخت که نکند دست ظریف زهرای من است، اما دست غریبه بود. کأنه زهراسادات صبر کرده بود تا پیکرهای همسایه‌ها یک به یک پیدا شود و رسم همسایگی به جا بیاید، بعد نوبت خودش برسد.

ساعت ۹ شب سیزدهم اسفند بود. پسرخاله سید گوشه دیوار بزرگی را که به صورت مایل روی زمین افتاده بود بالا زد و ناگهان صدایش لرزید: «سید! نیا جلو، برو بیرون... موهایش را دیدم!» اما مگر دل پدر رضا می‌دهد برود؟ سید ایستاد و گفت: «می‌مانم و خودم با افتخار دخترم را در راه خدا تقدیم می‌کنم.» زیر آن دیوار مایل، در پناه یک حفره کوچک و حائل بین زمین و آوار، زهرا آرام خوابیده بود. انگار نه انگار بمبی منفجر شده؛ پیکرش سالم مانده بود و فقط گوشه سرش از دو جا آسیب دیده بود. سید می‌گفت زهرا دختری بسیار باحیا و مستقل بود؛ کفشش را خودش می‌پوشید، موهایش را شانه می‌زد و خجالت می‌کشید کسی او را طولانی بغل کند، اما آن شب، پدر جگرگوشه‌اش را بعد از یک شبانه‌روز قایم باشک نفسگیر، چنان محکم در آغوش کشید و بویید که گویی زمان ایستاده بود.



تهران جان! تو بگو این طفل هفت‌ساله این فهم و بصیرت را از کجا آورده بود؟ زهراسادات نوه خواهری سرداران شهید مهدی و مجید زین‌الدین بود. پدرش ۱۵ روز قبل از آغاز جنگ، خواب دایی مهدی را دیده بود که او را سخت تحویل گرفت و گفت مجید هم در معرکه مشغول نبرد است. زهرا از پنج سالگی پای کتاب زندگی دایی مهدی می‌نشست. درآذر، دو ماه قبل از پروازش، نیم ساعت یک بند پای عکس‌های شان هق‌هق گریه کرده بود که: «بابا! دلم برای دایی مهدی و دایی مجید تنگ شده، می‌خواهم بروم پیش آنها.»

دخترک عجیب امام رضایی بود. به عدد سال‌های عمرش پابوس آقا رفته بود. عاشق سرود «بابا رضا» بود؛ تا صدا پخش می‌شد، دست‌های کوچکش را باز می‌کرد، چشم می‌بست و دور خود می‌چرخید، کأنه بال درآورده بود و پرواز می‌کرد. با نوحه اهل بیت و قصه کربلا خوابش می‌برد. عاشق پرچم سه رنگ ایران بود؛ در تمام نقاشی‌هایش چند پرچم ایران می‌کشید و برای مریم دوساله مادری می‌کرد.

مسجد کمیل نارمک خانه دوم زهرا بود. از چهار سالگی هم پای پدر می‌رفت. وقتی سید بالای منبر سخن می‌گفت، زهرا دور منبر می‌چرخید و چادرش تاب می‌خورد. روز تشییع، سید زهرا را برد روی دستان نمازگزاران همان مسجد کمیل تشییع کرد و در محله چرخاند. خودش رفت داخل قبر، صورت فرشته‌اش را روی خاک گذاشت، تلقین خواند و سه بار بلند فریاد زد: «الحمدلله، الحمدلله، الحمدلله!»

حالا سید محمدحسین هرروز که برای درس دادن وارد کلاس می‌شود، نگاهش می‌افتد به ردیف اول؛ انگار زهراسادات نشسته باشد و با چشم‌های نافذش بگوید بابا، قصه مرا برای بچه‌ها بگو تا این پرچم و این وطن برای کودکان ایران سرپا بماند و دیگر هیچ بچه‌ای از هراس موشک و جنگنده چشم نبندد.

عمرت دراز باد تهران جان! اما قدردان این خون‌های مظلوم باش. این خاک اگر هنوز نفس می‌کشد، به برکت روح زلال همین طفلان شهید است. مقاومت به پیوست است، از طرف راوی قطعه ۴۲ بهشت زهرا(س).

دلبر آسمانی
۱۵

روایتی از پیوند خون و زمان در سالروز شهادت برادران زین‌الدین
# دو برادر؛ یک جاده، یک روز

جاده گاهی فقط خطی از آسفالت میان دو نقطه جغرافیا نیست؛ باریکه‌ای شکننده میان ثبت در تاریخ و خاموشی ابدی است. عصر ۲۷ آبان ۱۳۶۳، در سرمای پاییزی کوهستان‌های غرب، خودرویی سبک از کرمانشاه به سمت مقر لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) در حوالی سردشت حرکت می‌کرد. درون کابین، دو برادر نشسته بودند؛ مهدی زین‌الدین، جوانی ۲۵ ساله در کسوت فرماندهی لشکر و برادر کوچک‌ترش، مجید. جلسه هماهنگی عملیات در قرارگاه پایان یافته بود و مسیر کوهستانی بازگشت پیش‌رویشان گسترده بود.



نزدیک روستای دارساوین، در پیچی تند و کور، کمینی ناشناخته و مرگبار انتظارشان را می‌کشید. رگبار گلوله‌ها و شلیک آرپی‌جی، این معبر سنگلاخی را به آخرین منزلگاه دو برادر بدل کرد. دهه‌ها پس از آن غروب، نام این خانواده بار دیگر با تلخی در سرخط خبرها نشست؛ این بار با شهادت کودکی هفت ساله. این گزارش، نه در پی اسطوره‌سازی است و نه می‌خواهد تمام ابعاد دو زندگی انسانی را تنها به ثانیه‌های پایانی‌شان فروکاهد. هدف، بازخوانی پیوندی است که از چارچوب خانه‌ای فرهنگی آغاز شد، در گردنه‌ای دورافتاده به خاک افتاد و همچنان در حافظه جمعی امتداد دارد. برای بازگویی سرگذشت دو برادری که در یک روز به شهادت رسیدند، وسوسه‌ای وجود دارد؛ رفتن بی‌واسطه به پیچ دارساوین، صدای انفجار و تلگرافی که شب‌هنگام بر پیشخوان قرارگاه نشست. اما اگر روایت را تنها از پایان آغاز کنیم، مهدی و مجید را منحصر در قاب ایستا و منجمد لحظه شهادت می‌بینیم. حال آنکه پیش از آن معبر، سال‌هایی از پویایی، تربیت، کتاب، انتخاب‌ها و پیوندهای عاطفی جریان داشت؛ نسبتی که حتی در تندباد حوادث جبهه، هرگز به خویشاوندی صرف خلاصه نمی‌شد.

مهدی زین‌الدین ۱۸ مهر ۱۳۳۸ در خرم‌آباد متولد شد. دوران کودکی و نوجوانی او با دگرگونی در بافت زیست اجتماعی پیوند خورد. مهاجرت خانواده به قم، روزهای پرالتهاب مبارزات انقلاب و سپس آغاز جنگ تحمیلی، مسیر او را از پشت نیمکت‌های دانشگاه به عمق میدان‌های پرمخاطره کشاند. او در جوانی مسئولیت فرماندهی لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) را پذیرفت؛ جایگاهی که تصمیم‌گیری‌های طاقت‌فرسا و پاسخ‌گویی در برابر یکایک جان‌های سپرده‌شده را ایجاب می‌کرد. رتبه فرماندهی به تنهایی نمی‌تواند را تبدیل شدن جوانی آرام به نقطه اتکای صدها رزمنده را توضیح دهد؛ برای فهم این اعتماد، باید به سلوک زیسته او، نحوه تعامل با نیروها و شجاعت اخلاقی‌اش در خاکریزها نگریست.

در مقابل، مجید در بیشتر بازنمایی‌های رسانه‌ای ناخواسته زیر سایه نام پرآوازه برادر بزرگ‌تر قرار گرفته است. این امر به معنای کم‌ارج بودن حضور او نیست؛ بلکه گویای تمایل همیشگی حافظه جمعی به تمرکز بر فرمانده و راندن همراهان از مرکز قاب است. مجید نه نامی تزیینی، بلکه برادری آگاه بود که در همان جلسه قرارگاه پای مباحثات نشسته بود، همان جاده پرمخاطره را برگزید و ریسک بی‌بازگشت آن را پذیرفت. منابع مکتوب تاکنون پیرامون جزئیات کارنامه مستقل مجید کمتر سخن گفته‌اند؛ انصاف پژوهشی حکم می‌کند این خلأها با توصیف‌های خیالی پر نشود. واقعیت محرز آن است که آن دو در یک مسیر، برای یک ماموریت و درون یک خودرو همسفر بودند و در کمینی مشترک جان باختند. فضای فرهنگی خانواده زین‌الدین، لایه بنیادین دیگری از این زیست جهان است. پدر خانواده چهره‌ای فرهنگی و صاحب کتاب‌فروشی بود؛ خانه‌ای پر از نشریات، آثار فکری و رفت‌وآمدهای آگاهی‌بخش که فرزندان در میان قفسه‌های آن بالیدند. اهمیت موضوع در این نکته نهفته است که منش فکری مهدی صرفا در پادگان‌ها شکل نگرفت؛ فرهنگ مکتوب، آگاهی اجتماعی و اصالت تربیت خانوادگی، شخصیت او را پیش از جنگ ساخته بود. مجید نیز در اتمسفر همین خانه قد کشید و مسیرش را آگاهانه تا خطوط نبرد امتداد داد.

هنگامی که سرگذشت انسان‌ها را از ساحت پیش از فرماندهی روایت می‌کنیم، آنان بار دیگر به مقیاس واقعی، انسانی و درک‌پذیر خود بازمی‌گردند. آنها جوانانی با همه آرزوها و علایق زمینی بودند که بار سنگین مسئولیت را بر دوش کشیدند. برادری آنها نیز جلوه‌ای انتزاعی بر پوسترهای یادبود نبود؛ رفاقتی ملموس در سنگر و جاده به شمار می‌رفت. با این نگاه، حادثه ۲۷ آبان نه پرده‌ای نمایشی، بلکه فرجام غیرمنتظره ماموریتی اداری و رزمی است. بر اساس اسناد مرکز اسناد دفاع مقدس، مهدی برای تبادل نظر پیرامون طرح‌های عملیاتی به کرمانشاه رفته بود و عصرگاهان همراه مجید راهی سردشت شد؛ داده‌هایی روشن که اساس این گزارش را شکل می‌دهند.

### جاده‌ای که دو برادر را به هم سپرد

تاریخ نگاری گاهی وقایع را با زوایای ملودراماتیک ثبت می‌کند؛ اما در واقعه دارساوین، آنچه در اسناد رسمی باقی مانده، پیوستاری از حرکت، تعهد و خطرپذیری است؛ مباحثات فشرده‌ای که تا پایان روز کشیده شد، خودرویی که به جاده‌های سردشت زد و کمین مسلحی که در پیچ جاده سنگر گرفته بود. ۲۷ آبان ۱۳۶۳ نقطه‌ای است که ماموریت کاری فرمانده و همراهش به پایان رسید.

طبق اسناد رسمی لشکر ۱۷، با توجه به برنامه ریزی‌های منطقه دوپازا، حضور مهدی زین‌الدین در جلسه قرارگاه غرب الزامی بود. مباحث شناسایی تا عصر به درازا کشید. با فرارسیدن غروب، مهدی و مجید برای رسیدن به خطوط پدافندی راهی شدند. فاصله دارساوین تا سردشت حدود ۲۰ کیلومتر است؛ مسیری کوهستانی و ناهموار که دید راننده را در پیچ‌ها به حداقل می‌رساند. افراد گروهک مسلح در ارتفاعات بالادست مشرف به پیچ پنهان شده بودند. با رسیدن خودرو، ناگهان آتش مسلسل‌ها و گلوله آرپی‌جی گشوده شد و هر دو مسافر در دم به شهادت رسیدند. در تدوین چنین روایتی، نیازی به توصیف‌های خیالی درباره واپسین سخنان و نگاه‌ها نیست. روزنامه‌نگاری تحقیقی اقتضا می‌کند اگر سندی دست اول از درون خودرو در دست نیست، سکوت واقعیت حفظ شود. اصالت واقعه خود گویاست؛ دو برادر، پس از بررسی طرح‌های نبرد، در مسیر خدمت به نیروهایشان با آتش روبه‌رو شدند و جان باختند. در این میان، بازخوانی روایتی معتبر از شهید محمود کاوه، پرده از شکنندگی شرایط برمی‌دارد. شهید کاوه پس از اتمام جلسه، برنامه حرکت مهدی را جویا شده بود. مهدی پاسخ داد که از محور بانه راهی سردشت هستند. کاوه از سر دلسوزی و با توجه به ناامنی مسیر، توصیه کرده بود شب را در کامیاران اتراق کنند و فردا سپیده‌دم حرکت کنند؛ اما مهدی با تکیه بر ضرورت حضور در یگان، متذکر شد تلاش می‌کنند پیش از تاریکی هوا برسند یا شب را در مقری میانی بمانند. سرانجام ساعت ۲۳ شب بود که مخابره بی‌سیم‌ها خبر وقوع کمین و شهادت سرنشینان را ثبت کرد. این بازخوانی، برای قضاوت نیست، بلکه نشان می‌دهد چگونه تصمیمی روزمره در شرایط جنگی، فاصله‌ای اندک با مرگ پیدا می‌کند.

باید همواره مرزداده‌های مستند و گمانه‌زنی‌ها را پاس داشت. اینکه در آن دقایق میان مهدی و مجید چه گذشت، در تاریخ پنهان است و حرمت قلم ایجاب می‌کند این سکوت حفظ شود. وظیفه روایت، خلق درام ساختگی نیست؛ تبیین پیوند میان وظیفه، شجاعت و تقدیر است. جاده برای این دو، نه صرفا خطی مواصلاتی، بلکه بستری مداوم برای تمرین تعهد بود؛ جایی که هر پیچ می‌توانست حامل رخدادی پیش‌بینی‌نشده باشد. یادمان‌ها نباید به آیین‌های کلیشه‌ای تقلیل یابند، بلکه باید ما را به سرشت تصمیم‌های انسانی و رنج نهفته در هر فقدان متوجه سازند.

### دو برادر، دو نقش و یک راه مشترک

در ذهنیت جمعی ایرانیان، نام مهدی زین‌الدین با عناوینی نظیر فرمانده تیزهوش و جوان شناخته می‌شود؛ چهره‌ای که در فتح‌المبین، بیت‌المقدس و خیبر اثرگذار بود. با این حال، منظومه روایی ۲۷ آبان کامل نمی‌شود مگر آنکه نام مجید نیز از پس زمینه بیرون کشیده شود؛ نه با القاب مبالغه‌آمیز، بلکه با بازنمایی شایسته نقشی که عملا ایفا کرد.

مجید پابه‌پای برادر در مهم‌ترین مباحثات عملیاتی حضور یافت و خطرات سفر را هم‌دوش او به جان خرید. این همراهی، او را از یک مسافر تصادفی به کنشگری مستقل در میانه میدان بدل می‌کند. می‌توان کارنامه درخشان مهدی در فرماندهی لشکر را دید و همزمان، از تقلیل دادن هویت مجید به یک نسبت خانوادگی پرهیز کرد.

مفهوم برادری در کانون جنگ، ابعادی متناقض می‌یابد؛ از سویی تکیه‌گاهی عاطفی در بحران است و از سوی دیگر تجسم هراس از دست رفتن همزمان برای یک خانواده. پدری در کتاب‌فروشی قم و مادری چشم‌انتظار نامه در پشت جبهه، همزمان خبر فقدان دو فرزند را دریافت کردند. این ابعاد ملموس زیست انسانی است که جنگ را از سطح مانورهای نظامی به عمق تراژدی‌های خانوادگی متصل می‌کند.

### میراثی که با فقدان تعریف نمی‌شود

چندین دهه پس از وقایع سردشت، نام این خانواده بار دیگر در متنی اندوه‌بار تکرار شد؛ شهادت زهراسادات سیادت‌موسوی، نوه خواهری مهدی و مجید زین‌الدین، در سن هفت سالگی طی اصابت موشک به شهرک شهید محلاتی تهران. ذکر این داده خبری، بی‌هیچ اغراق عاطفی، عمق امتداد مقاومت بر سرنوشت خانواده‌ها را آشکار می‌سازد.

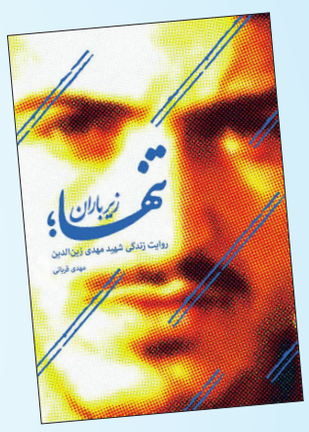
طرح مفهوم تداوم شهادت در یک خانواده نباید به عادی‌سازی رنج سوق یابد. از دست دادن عزیزان، تجربه‌ای سنگین است که هیچ واژه‌ای از بار تلخ آن نمی‌کاهد. آنچه در این تبار دیده می‌شود، تجربه زیست در همسایگی مقاومت، فراق و ایثار است؛ تبارنامه‌ای که داغش از دو جوان در پیچ دارساوین تا نوه‌ای هفت ساله در پایتخت امتداد دارد. این رویداد، پیوستگی زمانی خشونت را نشان می‌دهد. فناوری‌های جنگی دگرگون می‌شوند، اما آسیب‌پذیری غیرنظامیان و کودکان باقی می‌ماند. شهادت کودکی خردسال در کنار دو رزمنده، تفاوت میان ماموریت نظامی و مظلومیت یک کودک بی‌دفاع را محو نمی‌کند؛ بلکه یادآور می‌شود که تبعات نبردها مرزهای زمانی را درمی‌نوردد و کانون خانواده‌ها را نشانه می‌گیرد.

### جاده پس از عبور

پس از سپری شدن سال‌ها، رخداد دارساوین با حقایقی اندک اما محرز در یادها باقی مانده است؛ جسته‌ای طولانی، عبور از مه و سرما، شلیک‌های بی‌پاسخ از دامنه کوه و خبر تلخی که در نیمه‌شب مخابره شد. شاید این داده‌ها عاری از خیال‌پردازی‌های داستانی باشد، اما برای درک حقیقت تاریخی کافی است. مهدی و مجید، دو جوان مسئول در برابر میهن بودند که مسیر زیستن‌شان در پیچ یک معبر کوهستانی بسته شد. شهادت تلخ زهراسادات سیادت‌موسوی نیز بار دیگر نشان داد که امواج جنگ تا دهه‌ها بر بدنه خانواده‌ها فرود می‌آید. رسالت قلم منصف آن است که نام مهدی و مجید را هم عرض یکدیگر حفظ کند، به سرنوشت مظلومانه آن کودک ادای احترام کرده و از آمیختن واقعیت با افسانه‌پردازی بپرهیزد. جاده بانه-سردشت شاید امروز آرام باشد، اما روایت صادقانه همچنان امکانی برای درنگ بر معنای وظیفه و احترام به کسانی است که نگذاشتند حقیقت فراموش شود.

## چهار کتاب برای نزدیک شدن به جهان زین‌الدین

برای مخاطبانی که در پی شناخت عمیق‌تر جهان فکری، رفتاری و مدیریتی شهید مهدی زین‌الدین هستند، آثار مکتوب متعددی منتشر شده است. چهار اثر زیر، هریک از زاویه‌ای مجزا به این زیست انسانی پرداخته‌اند. اگرچه محور این کتاب‌ها مهدی است، اما در بطن آنها می‌توان بستر خانوادگی مشترکی را بازیافت که مجید نیز در آن تنفس کرده بود.



### تنها زیر باران

«تنها زیر باران» تألیف مهدی قربانی (انتشارات حماسه یاران)، جامع‌ترین اثر روایی و پژوهشی پیرامون مهدی زین‌الدین است. این کتاب با سیری خطی و مستند، از کودکی در خرم‌آباد و دوران تحصیل در قم آغاز می‌شود و تا مسئولیت‌های سنگین در جبهه امتداد می‌یابد. اتکای نویسنده به مصاحبه‌های تفصیلی با اقوام، همکلاسی‌ها و همرزمان، مانع افتادن متن در دام تک‌بعدی‌نگری شده است. ارزش بنیادین اثر در چینش مستند حوادث نهفته که امکان بازشناسی دگرگونی‌های فکری سوژه را برای پژوهشگر فراهم می‌سازد.



### زین‌الدین؛ یادگاران ۱۰

این اثر به قلم احمد جبل‌عاملی و از تولیدات نشر روایت فتح، دهمین شماره از مجموعه «یادگاران» است. کتاب با ساختار موجز و متکی بر صد خاطره کوتاه، رویکردی مینی‌مال را دنبال می‌کند؛ قالبی مناسب برای مخاطبانی که در جست‌وجوی شناختی سریع و عینی از خصوصیات رفتاری فرمانده هستند. این خاطرات کوتاه، بر تعاملات روزمره با بسیجیان، ساده‌زیستی و حساسیت شدید نسبت به بیت‌المال متمرکز شده و تصویری بی‌پیرایه از او به دست می‌دهد.



### توکه آن بالا نشستی

این کتاب نیز نوشته احمد جبل عاملی در نشر روایت فتح است که در ساختار مجموعه «از چشم‌ها» تدوین شده است. در این شیوه، راوی سوم‌شخص حذف شده و نگاه همراهان، دیده‌بان‌ها و نیروهای قرارگاه در قالب خرده‌روایت‌های متعدد کنار هم چیده می‌شود.

این روایت چندصدایی سبب می‌شود مخاطب مهدی را از پایگاه‌های فکری متفاوت ببیند و با پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری در کوران جنگ آشنا شود.



### روایت زندگی مهدی از نگاه همسر

در مجموعه «نیمه پنهان ماه»، روایت همسر شهید مهدی زین‌الدین یکی از انسانی‌ترین اسناد مکتوم پیرامون این چهره است. اهمیت کتاب در این است که فرمانده ارشد را از میان نقشه‌های رزمی و سنگرها بیرون آورده و در ساحت خانه، رابطه خانوادگی و روزمرگی روایت می‌کند. شرح صبورانه دلواپسی‌ها و تنهایی ممتد در پشت خطوط نبرد، نشان می‌دهد تصمیم‌های جنگی چه بهای عاطفی گزافی را به خانواده تحمیل کرده است.



حمید باستانی‌پاریزی، فرزند استاد ابراهیم باستانی‌پاریزی:

## انتشار نسخه الکترونیکی برخی آثار پدرم در دستور کار خانواده است

چهارشنبـه/۲۷ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۳



### درنگی بر زندگی، اندیشه و جایگاه فرهنگی آیت‌الله وحید خراسانی که دیروز دار فانی را وداع گفتند

# درس‌ها می‌مانند...

در تاریخ فرهنگ و اندیشه، نام برخی شخصیت‌ها چنان با یک سنت علمی و فکری گره می‌خورد که روایت زندگی‌شان، به روایتی از سرگذشت آن سنت تبدیل می‌شود. زندگی آیت‌الله حسین وحید خراسانی از همین دست بود؛ عالمی که از نخستین سال‌های قرن چهاردهم خورشیدی تا واپسین ماه‌های آن زیست، در سه حوزه مهم شیعه درس خواند و درس داد و نامش با چند نسل از شاگردان علوم دینی پیوند خورد. او در روزگاری چشم به جهان گشود که آموزش سنتی هنوز یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال دانش دینی بود و در زمانی از دنیا رفت که شیوه‌های ارتباط، آموزش و حتی مواجهه جامعه با دین، دگرگون شده بود.

صبح سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۵، خبر درگذشت این مرجع تقلید منتشر شد؛ خبری که برای شاگردان، علاقه‌مندان و جامعه حوزوی، پایان یکی از طولانی‌ترین دوره‌های تدریس و مرجعیت در تاریخ معاصر بود. با این حال، میراث آیت‌الله وحید خراسانی تنها در رساله‌های فقهی و درس‌های تخصصی خلاصه نمی‌شود. برای شناخت ایشان باید از کلاس‌های درس فراتر رفت و به سنتی نگاه کرد که در آن دانش، آموزش، خطابه و آیین‌های مذهبی در کنار یکدیگر بخشی از فرهنگ عمومی جامعه را شکل داده‌اند.

### از نیشابور تا نجف؛ راهی که با آموختن آغاز شد

آیت‌الله حسین وحید خراسانی در اول فروردین ۱۳۰۰ در نیشابور متولد شد. تحصیلات دینی خود را در مشهد آغاز کرد؛ شهری که در کنار جایگاه زیارتی، یکی از مراکز شناخته شده آموزش علوم اسلامی بود. فضای علمی مشهد در آن دوران، همچنان بر رابطه مستقیم استاد و شاگرد استوار بود؛ شیوه‌ای که در آن آموختن تنها به مطالعه کتاب محدود نمی‌شد و گفت‌وگو، مباحثه و شنیدن استدلال استاد، بخش اصلی آموزش را تشکیل می‌داد. او پس از گذراندن مراحل تحصیل، راهی نجف شد؛ شهری که برای بسیاری از طلاب ایرانی، مقصدی مهم در مسیر تکمیل دانش فقه و اصول به شمار می‌رفت. در نجف از درس استادانی چون آیت‌الله سیدمحسن حکیم، آیت‌الله عبدالهادی شیرازی و به‌ویژه آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی بهره برد. آشنایی با مکتب علمی خویی که بر دقت در استدلال و بررسی مبانی احکام تاکید داشت، در شکل‌گیری روش علمی او تاثیر گذاشت. اهمیت این دوره تنها در نام استادان نیست. رفت‌وآمد عالمان میان مشهد، نجف و قم، یکی از راه‌های انتقال اندیشه و سنت‌های آموزشی میان مراکز علمی شیعه بود. وحید خراسانی نیز در همین مسیر پرورش یافت؛ مسیری که دانش را از شهری به شهر دیگر و از نسلی به نسل بعد منتقل می‌کرد.

### نیم قرن در کلاس‌هایی که تعطیل نشدند

آیت‌الله وحید خراسانی در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و پس از مدتی حضور در مشهد، در قم اقامت گزید. از آن زمان، تدریس فقه و اصول به بخش اصلی زندگی علمی او تبدیل شد. درس‌های خارج او در طول دهه‌ها محل حضور طلاب و پژوهشگرانی بود که مراحل مقدماتی تحصیل را پشت سر گذاشته و به دنبال فهم عمیق‌تر مباحث دینی بودند. در نظام آموزشی حوزه، درس خارج مرحله‌ای است که استاد دیگر تنها به توضیح یک کتاب مشخص بسنده نمی‌کند، بلکه دیدگاه‌های مختلف را بررسی می‌کند و با طرح استدلال‌های خود، زمینه بحث و نقد علمی را فراهم می‌آورد. از همین رو، اهمیت یک استاد حوزه را نمی‌توان فقط با تعداد آثارش سنجید؛ روش اندیشیدن، شیوه طرح مسئله و شاگردانی که تربیت می‌کند نیز بخشی از میراث او هستند.

این مرجع تقلید جهان تشیع به دقت در مباحث فقهی و اصولی شناخته می‌شد. بخش مهمی از جایگاه او در حوزه قم، حاصل استمرار همین فعالیت آموزشی بود. در روزگاری که بسیاری از شکل‌های آموزش تغییر کرده بودند، کلاس‌های سنتی حوزه همچنان با حضور استاد، تقریرنویسی شاگردان و بحث‌های علمی ادامه داشتند. او از چهره‌هایی بود که این سنت را در یکی از مهم‌ترین مراکز آموزش دینی ایران تداوم بخشید. آثار و نوشته‌های او نیز عمدتا در زمینه فقه، اصول و اعتقادات قرار دارند؛ از حاشیه‌های علمی بر متون شناخته شده حوزوی تا مباحث مربوط به اصول دین و مناسک حج. این آثار بیشتر برای مخاطبان تخصصی نوشته شده‌اند، اما نقش آنها در حفظ و انتقال دانش دینی، به فضای عمومی فرهنگ نیز مربوط می‌شود. در حقیقت، کتاب‌های تخصصی حوزه، پشتوانه بخشی از آموزش‌ها و گفتارهای مذهبی هستند که بعدها در مسجد، منبر و دیگر فضاهای اجتماعی به گوش مردم می‌رسند.

### از منبر تا آیین‌های مذهبی

در کنار جایگاه علمی، یکی از شناخته شده‌ترین وجوه شخصیت آیت‌الله وحید خراسانی، توجه ویژه ایشان به برگزاری شعائر مذهبی بود. او به خصوص بر اهمیت عزاداری برای حضرت فاطمه زهرا (س) تاکید می‌کرد و حضورش در دسته‌های عزاداری قم، به تصویری آشنا برای علاقه‌مندانش تبدیل شده بود. برای فهم اهمیت فرهنگی این موضوع، باید به جایگاه آیین‌های مذهبی در جامعه ایران توجه کرد. مراسم عزاداری، افزون بر معنای اعتقادی، از دیرباز با بخش‌هایی از فرهنگ مردم پیوند داشته است؛ از مرثیه‌خوانی و شعرآیینی گرفته تا خطابه، موسیقی مذهبی، خوشنویسی، کتیبه‌نویسی و گردهمایی‌های محلی. این آیین‌ها در طول تاریخ، یکی از مسیرهای انتقال روایت‌های دینی و شکل‌گیری حافظه جمعی بوده‌اند.

آیت‌الله وحید خراسانی از مدافعان جدی حفظ این سنت‌ها بود. تاکید او بر برگزاری مراسم مذهبی را می‌توان در چارچوب نگاهش به استمرار فرهنگ شیعی فهمید؛ نگاهی که حفظ آیین‌ها را در کنار آموزش معارف دینی ضروری می‌دانست. این حساسیت گاهی به حوزه تولیدات فرهنگی و تصویری نیز کشیده می‌شد. از جمله در سال ۱۳۸۹، ایشان نسبت به نمایش چهره حضرت ابوالفضل (ع) در مجموعه تلویزیونی «مختارنامه» انتقاد کرد. این موضع، نمونه‌ای از برخورد دو نگاه متفاوت به بازنمایی شخصیت‌های مقدس بود؛ از یک سو ضرورت‌های روایت در رسانه تصویری و از سوی دیگر ملاحظات مذهبی درباره نمایش چهره شخصیت‌های مورد احترام. چنین موضوعاتی نشان می‌دهد که حضور مراجع دینی در فضای فرهنگی، تنها به برگزاری مراسم و سخنرانی محدود نبوده و گاه به بحث درباره مرزهای بازنمایی هنری نیز رسیده است!

### میراثی فراتر از کتاب‌ها

زندگی این مرجع تقلید جهان تشیع در دوره‌ای طولانی از تاریخ معاصر ایران جریان داشت؛ از سال‌های حکومت پهلوی تا انقلاب اسلامی و دهه‌های پس از آن. او شاهد تغییر نسل‌ها، گسترش دانشگاه‌ها، توسعه رسانه‌ها و دگرگونی رابطه جامعه با نهادهای سنتی بود. با وجود این تحولات، بخش اصلی فعالیتش همچنان در فضای آموزش حوزوی متمرکز ماند. جایگاه او در مرجعیت شیعه نیز به دوران پس از درگذشت برخی مراجع بزرگ قرن گذشته پیوند خورده است. در این دوره، نام وحید خراسانی به تدریج در میان مراجع شناخته شده قم قرار گرفت. او در برخی مسائل اجتماعی و سیاسی نیز مواضعی داشت، اما برای شناخت میراث فرهنگی‌اش، اهمیت اصلی در پیوند میان تدریس، تالیف، تربیت شاگردان و دفاع از سنت‌های مذهبی است.

پرسش از میراث چنین شخصیتی، در واقع پرسش از سرنوشت یک شیوه دیرپای انتقال دانش است. در آموزش سنتی حوزه، بخش مهمی از دانش از طریق رابطه استاد و شاگرد منتقل می‌شود؛ رابطه‌ای که گاه چندین دهه ادامه می‌یابد و حاصل آن تنها در کتاب‌های منتشرشده دیده نمی‌شود. شاگردان، یادداشت‌های درسی، مباحثه‌ها و روش‌های استدلال، همگی حامل بخشی از آن میراث هستند.

اکنون با درگذشت آیت‌الله وحید خراسانی، یکی از چهره‌های شناخته شده این سنت آموزشی از میان رفته است، اما زندگی علمی او در آثار، درس‌های ثبت شده و تجربه شاگردانش ادامه می‌یابد. شاید همین، مهم‌ترین ویژگی میراث یک معلم باشد؛ اینکه حتی پس از پایان زندگی‌اش، پرسش‌هایی که طرح کرده و راه‌هایی که برای اندیشیدن نشان داده، همچنان موضوع گفت‌وگو باقی بمانند.

## پیام‌های تسلیت؛ از رئیس جمهور و وزارت فرهنگ تا فرهنگستان علوم

در پی درگذشت آیت‌الله وحید خراسانی، چهره‌ها و نهادهای مختلف فرهنگی، علمی و مذهبی با انتشار پیام‌هایی یاد او را گرامی داشتند.

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور؛ در پیام تسلیت خود، درگذشت این مرجع تقلید را ضایعه‌ای بزرگ برای جهان اسلام و حوزه‌های علمیه دانست. او با اشاره به سال‌های طولانی فعالیت علمی وحید خراسانی، تاکید کرد که این مرجع تقلید عمر خود را صرف تحصیل، تحقیق، آموزش و گسترش معارف اسلامی، تربیت عالمان دینی و پاسداری از میراث تشیع کرده است. پزشکیان همچنین این فقدان را به مراجع تقلید، استادان، شاگردان و علاقه‌مندان آن مرحوم تسلیت گفت.

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ در پیام خود، درگذشت این مرجع تقلید را فقدانی مهم برای حوزه‌های علمیه و علاقه‌مندان معارف اسلامی دانست. او همچنین به دلبستگی دیرینه وحید خراسانی به حضرت فاطمه زهرا (س) اشاره کرد و تقارن درگذشتش با ایام فاطمیه را یادآور شد.

محمدرضا مخبردزفولی، رئیس فرهنگستان علوم؛ در پیام تسلیت خود، به سال‌های طولانی فعالیت علمی و آموزشی این مرجع اشاره کرد. او زندگی وحید خراسانی را صرف تحصیل، تعلیم و ترویج معارف اسلامی توصیف کرد و خدمات او به حوزه‌های علمیه و جامعه اسلامی را ماندگار دانست.

سیدعلیرضا مرندی، رئیس فرهنگستان علوم پزشکی ایران با انتشار پیامی، از جایگاه علمی و مذهبی وحید خراسانی تجلیل کرد و درگذشت او را ضایعه‌ای برای حوزه‌های علمیه و جهان اسلام خواند.

همچنین جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پیام خود، ضمن اشاره به جایگاه علمی این مرجع تقلید، بر نقش او در تداوم آموزش فقه و معارف شیعه تاکید کرد.

مجموعه این واکنش‌ها، در کنار سوگواری شاگردان و علاقه‌مندانش، نشان می‌دهد که نام وحید خراسانی برای بسیاری از مخاطبان، با سنتی طولانی از آموزش، پژوهش دینی و پاسداشت آیین‌های مذهبی پیوند خورده است؛ سنتی که بخش‌هایی از آن همچنان در فرهنگ و زندگی اجتماعی ایران حضور دارد.

---

### گفت‌وگو با منصوره اتحادیه به مناسبت هفته کتاب

# کتاب‌خوان نبوده و نیستیم



استاد ممتاز دانشگاه تهران گفت: در کل در کشور ما کتابخوان کم است. همیشه گفته‌ام، ایرانی زیاد کتابخوان نیست. الان هم با بودن اینترنت خوانندگان کتاب کمتر هم شده‌اند. گرانی کتاب، دلیل دیگر کم بودن مخاطبان کتاب است. گرانی سرسام‌آور است، چاره‌ای هم نیست، چون کاغذ گران است، دستمزد گران است و شرایط به سختی می‌گذرد. ما کتابخوان نبوده و نیستیم که بسیار جای افسوس دارد.

سی و چهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «با کتاب گفت‌وگو کنیم» از بیست و سوم تا سی ام آبان ۱۴۰۵ در سراسر کشور برگزار می‌شود. خبرگزاری «ایرنا» به مناسبت هفته کتاب با منصوره اتحادیه (نظام مافی)، استاد ممتاز دانشگاه تهران گفت‌وگویی انجام داده است که در ادامه می‌خوانید:

■ **وضعیت کتاب را در حوزه تاریخ در یک سال اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

نباید درباره حوزه تاریخ به خصوص صحبت کرد، بلکه باید در کل درباره کتاب صحبت کرد. در کل، در کشور ما کتابخوان کم است. همیشه گفته‌ام، ایرانی زیاد کتابخوان نیست. الان هم با بودن اینترنت خوانندگان کتاب کمتر هم شده‌اند. گرانی کتاب، دلیل دیگر کم بودن مخاطبان کتاب است. گرانی سرسام‌آور است، به‌گونه‌ای که یک جلد کتاب معمولی به بهای یک میلیون و گاهی یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. درست است که قیمت تمام اقلام مصرفی گران شده است اما برای شخصی که فقط می‌خواهد کتاب بخواند و در کتابخانه‌اش نگه دارد یا حتی نگه ندارد، خیلی گران است. چاره‌ای هم نیست، چون کاغذ گران است، دستمزد گران است و شرایط به سختی می‌گذرد. بنابراین ما کتابخوان نبوده و نیستیم که بسیار جای افسوس دارد.

اطلاعات بسیاری در کتاب‌ها درج شده است و مخاطب علاقه‌مند در هر زمینه‌ای که نیاز داشته باشد، می‌تواند به اطلاعات مورد نظر خود دست پیدا کند. من همیشه فکر می‌کنم کتاب خواندن مثل غذای جویده شده و آماده است. البته ممکن است کتاب هم اشتباهاتی داشته باشد ولی این عادت به کتاب خواندن روندی است که باید از بچگی در کودک شکل بگیرد، یعنی باید بچه‌ها در مدرسه، کودکستان، دبستان و دبیرستان یاد بگیرند که کتاب بخوانند و به کتاب خواندن عادت کنند. مدرسه‌ها باید کتابخانه داشته باشند تا بچه‌ها به مطالعه علاقه‌مند شوند. البته من الان بچه مدرسه‌رو ندارم که بدانم سطح تجهیز کتابخانه‌های مدارس چگونه است، اما در کل خیلی مهم است که با مطالعه انس بگیریم. اطلاعات ما در مورد کاری که مشغول انجام آن هستیم، کم است و باید این کمبود اطلاعات را با کتاب خواندن جبران کنیم. امیدوارم برای کتاب و کتابخوانی سال بهتری پیش رو باشد.

■ **چه کتاب‌های مهمی در طول این یک سال در حوزه تاریخ و سیاست منتشر شده است که مورد توجه شما قرارگرفت؟**

حوزه تاریخ بسیار وسیع است. می‌توانیم در مورد تاریخ ایران صحبت کنیم یا چین یا خاورمیانه، اروپا و... تاریخ حد و حدود ندارد. بنابراین من عقیده دارم که خاطرات خیلی آموزنده است اما هر خاطراتی هم ارزش خواندن ندارد. بعضی خاطرات رجال و خاطرات افرادی که صاحب منصبی بودند و کاری انجام داده‌اند، خواندنی است. اما به این نکته دقت کنید که همه نویسنده نیستند. ممکن است که کتاب تنها اطلاعاتی سطحی را به خواننده منتقل کند. بنابراین خیلی سخت است که در زمینه کتاب بخواهیم بگوییم که چه کتابی بهترین است. اینکه چه کتابی بهترین است را باید به عهده جایزه‌هایی گذاشت که به کتاب‌ها تعلق می‌گیرد. خیلی مهم است؛ کتاب سال، کتاب ماه و کتاب در خصوص زنان، کتاب در مورد قاجار و... ترجمه‌ها و... باید جدا جدا مورد بررسی قرار بگیرد تا نویسندگان هم برای نوشتن تشویق بشوند.

■ **خودتان بیشتر چه کتاب یا کتاب‌هایی را مطالعه می‌کنید؟**

با توجه به اینکه من چشم‌هایم ضعیف شده است؛ این روزها بیشتر کتاب گوش می‌کنم. برای تفریح و سرگرمی حتما به یک رمان گوش می‌دهم. تا چند سال پیش که کتاب می‌خواندم اینگونه بود و این عادتی است که از آن زمان باقی مانده است. کتاب به زبان انگلیسی و زبان فرانسه و به خصوص به زبان انگلیسی گوش می‌دهم؛ چون به زبان انگلیسی تسلط بیشتری دارم. این روزها با انتشار یک کتاب بلافاصله فایل صوتی آن نیز منتشر می‌شود، بنابراین من کتاب‌های صوتی دارم و به آنها گوش می‌کنم.

البته بستگی به شرایط دارد. این روزها کاری در دست انجام دارم که مربوط به زمان مشروطه است، بنابراین برای ارجاع به کتاب‌های مرتبط به آن رجوع می‌کنم. در واقع کاری که در دست انجام دارم، در مورد جنگ جهانی اول است. در کل اما به دلیل ضعیف بودن چشم‌هایم برایم سخت است که بتوانم یک کتاب را بخوانم اما دائم به فایل‌های صوتی گوش می‌کنم.

■ **چه کتاب‌هایی را برای مطالعه به علاقه‌مندان حوزه تاریخ و سیاست پیشنهاد می‌کنید و چرا؟**

عرض کردم عرصه تاریخ بسیار وسیع و دنیا هم بسیار وسیع است، بنابراین به علاقه شخصی فرد بستگی دارد. حرفی که من همیشه می‌زنم این است که خودمان را به ایران محدود نکنیم. در خصوص کشورهای دیگرهم مطالعه کنیم و آنها را بشناسیم. من از کتاب‌های رمان مثال می‌زنم، شما اگر یک رمان در مورد کره بخوانید، به اطلاعات زیادی در مورد آن کشور دست پیدا می‌کنید. یعنی علاوه بر سرگرمی، اطلاعات زیادی نیز در اختیار شما قرار می‌گیرد. به نظر من باید نگاه ما ورای ایران باشد و این دنیای گسترده را بشناسیم. از خاورمیانه، ترکیه و... اطلاعات داشته باشیم.

البته در این بین مسئله زبان نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. ما همسایه هند و پاکستان هستیم، اما از این کشورها چه می‌دانیم. ما همسایه کشورهای آسیای مرکزی و کشورهایی مانند قزاقستان، تاجیکستان و... هستیم اما از این کشورها چه می‌دانیم؟ اگر کمی به آن سوتر نگاه کنیم، مترجمان هم باید کتاب‌هایی را ترجمه کنند که اطلاعاتی ورای ایران به خواننده می‌دهد. ممکن است خیلی هم جذاب باشد، خصوصا برای جوانان که می‌خواهند در این دنیا زندگی کنند. چه مانعی دارد که انسان در مورد ژاپن اطلاعات داشته باشد. اینکه بدانند چه رمان‌هایی در ژاپن نوشته می‌شود. البته این نکته که زبان هم زیاد بلد نیستیم، باید مورد توجه قرار بگیرد. ترجمه کتاب هم محدود است و کتاب زیاد ترجمه نمی‌شود، در نتیجه من فکر می‌کنم که از این جهت باید یک تحولی در کشور رخ بدهد.

با توجه به این جمعیت جوانی که داریم، باید همت کرد و به این جوانان آگاهی داد. چون برای زندگی در این دنیا به آگاهی نیاز دارند. هر چقدر کسی اطلاعات بیشتری در مورد دنیا داشته باشد، در کارش هم پیشرفت می‌کند.

---

## ۱۱ غزل از رهبر شهید انقلاب در کتاب «از دفتر شعر امین»

کتاب «از دفتر شعر امین» با ۱۱ غزل از رهبر شهید انقلاب توسط انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شد.

به گزارش «ایرنا» آیین گرامیداشت امین زبان و ادب پارسی و مراسم رونمایی از کتاب «از دفتر شعر امین» روز ۲۵ آبان با حضور سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و برخی شخصیت‌های فرهنگی و شاعران در پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری برگزار شد.

کتاب «از دفتر شعر امین»، منتخبی از سروده‌های حضرت آیت‌الله العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای (قدس‌الله نفسه الزکیه) است که با آثار تایپوگرافی هنرمندان شناخته‌شده عرصه هنرهای ترسیمی و خوشنویسی از این اشعار آراسته شده است. این آثار، نتیجه کارگاه یک‌روزه‌ای به میزبانی و هدایت مسعود نجابتی، مدیر هنری انتشارات انقلاب اسلامی است که در روزهای وداع تاریخی با رهبر شهید انقلاب برگزار شده بود.

حمید قربانپور، حسین چمن خواه، مجتبی مجلسی، محمد روح‌الامین، حامد مغروری، محمدرضا چیت‌ساز، فرهود مقدم، مجید کشاورزی، محمود بازدار، مهران پندار، علیرضا حصارکی، سعید کریمی، حسین‌رضا ونکی و هاجر سلیمی‌نمین هنرمندانی هستند که آثارشان در این کتاب منتشر شده است. حسرت مستی، تکاپوی جاودان، رازدل طوفانی، شرح حال، شوق به منزل رسیدن، در شکوه از خویشتن، مناجات ناشنوایان، سرود صبحگاه، تو راست معجزه در کف، مهر تابان و یا یادگار ساقی کوثر عنوان‌های ۱۱ غزلی است که در این کتاب ۳۶ صفحه‌ای منتشر شده است.

حداد عادل در مقدمه این کتاب نوشت: هر چند رهبر شهید در یک بازه زمانی بیش از ۵۰ سال، با مردم و ملت خود فراوان سخن گفته است اما باید دانست «ناگفته‌ها»ی او بسیار بیشتر از گفته‌های اوست. «عالم درون» انسان‌های بزرگ بسی بزرگ‌تر از «محیط بیرون» زندگی آنهاست و سرشار از رازهای سر به مهری است که کمتر به زبان می‌آید و همگانی و آشکار می‌شود. غزل‌های این دفتر هر کدام پنجره‌ای است هر چند کوچک و محدود، که ما را به تماشای عالم درون معنوی و عرفانی و ایمانی سراینده آنها دعوت می‌کند و گوشه‌هایی از آن دل دریایی بی‌کرانه خدایی را، که در بیرون خاموش و در درون پرخروش بود، نشان می‌دهد.

...آن بزرگوار که با همه وجود به ایران و ملت ایران عشق می‌ورزید و همواره خواهان عظمت ملیت و هویت ایرانی بود، زبان فارسی را «یکی از ارکان این هویت و ملیت» می‌دانست و پاسداری از آن را وظیفه همه کسانی می‌دانست که جان‌فدای ایران هستند و از استقلال آن دفاع می‌کنند. اکنون فرزندان او، که ملت بزرگ ایرانند و در اندوه فراق او خونین دل و سوگوارند، می‌توانند با یادآوری عشق و علاقه رهبر شهیدشان به زبان فارسی و شعر و ادب فارسی، «فارسی را پاس بدارند» و این زبان را به خوبی بیاموزند و به درستی به کار برند و از این راه در تحکیم و تقویت پایه‌های هویت و ملیت ایرانی و اسلامی خویش بکوشند.



### رازدل طوفانی

سرخوش زسبوی غم پنهانی خویشم
چون زلف تو سرگرم پریشانی خویشم
در بزم وصال تو نگویم زکم و بیش
چون آینه خو کرده به حیرانی خویشم
لب باز نکردم به خروشی و فغانی
من محرم راز دل طوفانی خویشم
یک چند پشیمان شدم از رندی و مستی
عمری است پشیمان ز پشیمانی خویشم
از شوق شکرخند لبش جان نسپردم
شرمنـــده جـانـان ز گران جانی خویشم
بشکسته‌تر از خویش ندیدم به همه عمر
افسرده‌دل از خویشم و زندانی خویشم
هر چند «امین» بسته دنیا نیم اما
دلبسته یـــاران خراسانی خویشم



حمید بورد، سرپرست وزارت نفت:
## سهمیه کارت‌های جایگاه به کارت سوخت افراد اضافه می‌شود



خودروخوابی در تهران برای فرار از بیکاری و بی‌پولی

# رانندگان خانه‌های متحرک



راننده‌ای که اوقات فراغت و دورک از خانواده‌اش را در موبایل جستجو می‌کند



هوا سرد‌تر شده و دوباره به خوابیدن در ماشین پناه برده است

**گهگاهی راننده‌هایی را در گوشه و کنار شهر می‌بینیم که در خودروی خود خوابیده‌اند. این افراد معمولا جای ثابتی برای اقامت دارند. یک جای خلوت با سایه درخت، کنار پارک یا مسجد. این رانندگان معمولا در طول هفته، شب‌ها همین جاها می‌مانند و آفتاب نزده راهی خیابان‌ها می‌شوند. آنها رانندگانی هستند که برای کار به تهران می‌آیند، در خودرو زندگی می‌کنند و زمانی که درآمدی کسب کردند، به شهرشان برمی‌گردند.**

به گزارش «آگاه»، تهران برای بسیاری از مسافران، شهری است که پس از دیدن و لمس کردن، از آن عبور می‌کنند اما برای عده‌ای، مقصدی برای ماندن و کار کردن است. مردانی که از شهرها و روستاهای دیگر راه پایتخت را در پیش می‌گیرند تا شاید بتوانند بخشی از هزینه‌های زندگی‌شان را تامین کنند. بعضی از آنها کارخانه و کارگاهی که در آن کار می‌کردند را از دست داده‌اند، بعضی دیگر مدت‌هاست شغل ثابتی پیدا نکرده‌اند و گروهی هم با وجود بازنشستگی، درآمدی ندارند که کفاف مخارج خانواده را بدهد. برای این مردان، تهران نه محل زندگی، نه محل تفریح و بازدید بلکه محل کسب درآمد است. شهری که صبح‌هایش را پشت فرمان آغاز می‌کنند و شب‌هایش را روی صندلی عقب خودرو، در پارک یا گوشه‌ای از خیابان به پایان می‌رسانند. آنها شهروندان موقت تهران هستند اما نه خانه‌ای در پایتخت دارند، نه اتاقی اجاره کرده‌اند و نه هزینه اقامت در مسافرخانه و هتل برایشان به صرفه است. خودرویی که با آن مسافر جابه‌جا می‌کنند، همزمان محل کار و خانه‌شان شده است. چند روزی در تهران می‌مانند، مسافر سوار می‌کنند، غذای ساده‌ای می‌خورند، استراحت کوتاهی می‌کنند و دوباره پشت فرمان می‌نشینند. آخر هفته که می‌رسد، راه شهر و خانه خودشان را در پیش می‌گیرند. با این امید که پولی که در تهران به دست آورده‌اند، بتواند بخشی از عقب‌ماندگی‌های زندگی را جبران کند چون مسافرکمتری در خیابان است و لغو طرح ترافیک به تهرانی‌ها اجازه می‌دهد در خیابان‌ها آزادانه رانندگی کنند. بعضی از این مسافران موقت تهران، راننده تاکسی‌های اینترنتی هستند و برخی دیگر با خودروی شخصی یا تاکسی اجاره‌ای مسافرکشی می‌کنند. گروهی از ابتدای هفته تا چهارشنبه و پنج‌شنبه در تهران می‌مانند و گروهی دیگر تنها چند روزی را در پایتخت کار می‌کنند. برخی نیز در مسیر رفت‌وبرگشت میان شهر خود و تهران مسافر جابه‌جا می‌کنند تا هزینه سفرشان هم تامین شود. بیشتر این رانندگان از استان‌های مرکزی، قم، قزوین و زنجان می‌آیند. البته هرچه مدت اقامت آنها در تهران بیشتر باشد، احتمال دارد از شهرهای دورتری مانند اردبیل و دیگر استان‌ها آمده باشند.

برای آنها محاسبه درآمد و هزینه، بخش مهمی از تصمیم‌گیری روزانه است. اگر قرار باشد بخشی از درآمدشان را صرف اجاره اتاق، غذا خوردن در رستوران یا اقامت در مسافرخانه کنند، ممکن است دیگر آمدن به تهران برایشان صرفه اقتصادی نداشته باشد. به همین دلیل، خودرو به تنها سرپناه آنها تبدیل می‌شود. بعضی شب‌ها در پارک و فضای عمومی استراحت می‌کنند و برخی دیگر ترجیح می‌دهند در ماشین بخوابند.

اگر چند روز بیشتر در تهران بمانند، برای استحمام به حمام‌های عمومی مراجعه می‌کنند و از سرویس‌های بهداشتی عمومی استفاده می‌کنند. غذایشان هم معمولا ساده و کم‌هزینه است گاهی یک وعده غذای آماده، گاهی نان و پنیر و گاهی غذایی که خودشان در خودرو یا گوشه‌ای از پارک آماده می‌کنند. بعضی از آنها وسایل کوچکی برای پخت‌وپز همراه دارند. برای این مردان، هر هزینه‌ای که بتوان از مخارج روزانه حذف کرد، پولی است که می‌توانند در پایان هفته با خود به خانه ببرند. البته همه آنها به یک شکل زندگی نمی‌کنند. بعضی تلاش می‌کنند به وضعیت ظاهری و تغذیه خود برسند تا کارمداوم و خستگی مسیر، توانشان را نگیرد. بعضی هم زندگی در خودرو را با امکاناتی ابتدایی سامان داده‌اند از فلاسک چای و پتو گرفته تا اجاق کوچک و زیرانداز. کافی است کمی دقیق‌تر به اطراف نگاه کنیم راننده‌ای که ساعت‌ها در یک نقطه ثابت پارک کرده، مردی که کنار خودرویش در پارک غذا می‌پزد یا راننده‌ای که صبح زود از حمام عمومی بیرون می‌آید، ممکن است یکی از همین مسافران چندروزه تهران باشد. شاید بد نباشد گاهی حواسمان به این کارگران روزمزد هم باشد. مثل همسایه ما که غذای نذری‌اش وقت و بی‌وقت همیشگی است و آن را میان کارگران ساختمان و رانندگان شهرستانی توزیع می‌کند شاید چون خودش هم در این شهر غریب است.

**بارها به پلیس جواب داده که چرا در ماشین خوابیده؛ گاهی هم مردم به او شک کرده‌اند و به پلیس خبر داده‌اند که فردی مشکوک در نزدیکی خانه آنها کمین کرده است**

یکی از این رانندگان را در گوشه‌ای از شهر پیدا می‌کنم. می‌گوید تا پیش از این در کارخانه کار می‌کرده، اما پس از شروع جنگ، کارخانه تعطیل شده و او هم در فهرست تعدیل شده‌ها قرار گرفته است. بیکاری و افزایش هزینه‌های زندگی، شرایط را برایش سخت کرده و درنهایت به پیشنهاد یکی از دوستانش تصمیم گرفته برای مسافرکشی به تهران بیاید. می‌گوید: تورم هم از زندگی ما جلوتر می‌دوید. وقتی کارم را از دست دادم، دیگر نمی‌توانستم با درآمدی که داشتم زندگی را بچرخانم. دوستم پیشنهاد داد به تهران بیایم و مسافرکشی کنم. من هم همین کار را کردم. او از همان لحظه‌ای که از اراک حرکت می‌کند، مسافر می‌زند. هم با پلتفرم‌های تاکسی اینترنتی کار می‌کند و هم مسافر معمولی سوار می‌کند. در مسیر برگشت هم همین روش را دارد و سعی می‌کند بدون مسافر مسیر را طی نکند.

این راننده می‌گوید که بارها به پلیس جواب داده که چرا در ماشین خوابیده گاهی هم مردم به او شک کرده‌اند و به پلیس خبر داده‌اند که فردی مشکوک در نزدیکی خانه آنها کمین کرده است! خیلی وقت‌ها جریمه شده و درآمد روزش را برای آن خرج کرده است. این مرد جوان درباره تفاوت کار خودش با دوستش می‌گوید: دوستم مسیر بین شهری کار می‌کند. روزی یک بار به تهران می‌آید و برمی‌گردد. من حوصله آن مسیر خشک و خسته‌کننده را ندارم. ترجیح می‌دهم در تهران کار کنم. ترافیک تهران واقعا خسته‌کننده است، اما سعی می‌کنم آن را تحمل کنم. با مسافران حرف می‌زنم تا زمان کمتری به چشمم بیاید. هرکدام از آدم‌هایی که سوار ماشینم می‌شوند، داستانی دارند و برایم تعریف می‌کنند.

برای او، تهران با تمام ترافیک و شلوغی‌اش، درآمد بیشتری نسبت به مسافرکشی در شهرش به همراه دارد. با این حال، هنوز از پیدا کردن یک شغل ثابت ناامید نشده است. می‌گوید: پول کمی درنمی‌آورم، اما دنبال کار هم هستم. دوست دارم جایی استخدام شوم و بیمه داشته باشم. اگر کار مناسبی پیدا کنم، حتما آن را انتخاب می‌کنم ولی اگر درآمدم کم باشد، ممکن است باز هم برای مسافرکشی به تهران بیایم.

زندگی در خودرو برای او همیشه ساده نیست. گاهی آن‌قدر از نشستن و دراز کشیدن در ماشین خسته می‌شود که ترجیح می‌دهد بیرون از خودرو و در فضای خیابان یا پارک چادر بزند. حالا که هوا سردتر شده، دوباره به خوابیدن در ماشین یا چادر زدن با ریسک روشن کردن اجاق پناه برده است. می‌گوید: در روزهای بارانی اخیر چند ساعتی بخاری ماشین را روشن کردم تا گرم شوم. مدام کار می‌کنم. فقط نگرانم خرج ماشین زیاد شود. ممکن است همه درآمدی که در این چند روز به دست آورده‌ام، خرج تعمیر ماشین شود.

### بازنشسته‌ای که هنوز باید کار کند

راننده دیگری که با او هم صحبت می‌شوم، نزدیک به ۷۰ سال دارد. وقتی در صندوق عقب خودرو را باز می‌کند، می‌خواهد نشان دهد که برای چند روز زندگی در تهران همه‌چیز همراهش دارد. از یک فرش کوچک گرفته تا وسایل ضروری دیگر. او از شنبه تا سه شنبه در تهران می‌ماند و بعد راه ابهر را در پیش می‌گیرد. در این چند روز خودروی او هم محل استراحت است و هم جایی برای نگهداری وسایل شخصی. برای استفاده از سرویس بهداشتی به اماکن عمومی مراجعه می‌کند و در ساعت نماز به مسجد می‌رود. او هم درباره خودش می‌گوید: حقوق بازنشستگی برای زندگی کافی نیست. ماهی حدود ۴۰ میلیون تومان از مسافرکشی درآمد دارم. با تاکسی‌های اینترنتی کار نمی‌کنم، چون کارمزدشان زیاد است. ترجیح می‌دهم خودم مسافر پیدا کنم. می‌گوید که اسمش را رحمتی یا احمدی بگذارم، به خاطر دامادها. چون آنها هنوز نمی‌دانند که در تهران مسافرکشی می‌کند. سه دختر دارد که هرسه ازدواج کرده‌اند، اما مسئولیت پدربودن برایش با ازدواج فرزندان تمام نشده است. توضیح می‌دهد که دخترانش همراه همسر و فرزندان‌شان به خانه او می‌آیند و او باید بتواند از آنها پذیرایی کند. برای مردی در این سن، چند روز زندگی در خودرو و ساعت‌های طولانی رانندگی، کار آسانی نیست. با این حال، ترجیح داده به جای ماندن در شهر خودش و محدود شدن به حقوق بازنشستگی، چند روزی در تهران درآمد بیشتری به دست بیاورد. وسایلی که در صندوق عقب ماشین چیده، نشان می‌دهد این شیوه زندگی برایش به یک روال تبدیل شده است.

**تورم از زندگی ما جلوتر می‌دوید. وقتی کارم را از دست دادم، دیگر نمی‌توانستم با درآمدی که داشتم زندگی را بچرخانم**

### تاکسی اجاره‌ای و خوابیدن زیر پل سیدخندان

راننده دیگری را زیر پل سیدخندان می‌بینم. تاکسی دارد، اما خودرو متعلق به خودش نیست و آن را از یکی از آشنایانش اجاره کرده است. بخشی از درآمدش را به صاحب خودرو می‌دهد و با باقی‌مانده آن زندگی‌اش را می‌چرخاند. او هم از جمله کسانی است که به دلیل بیکاری و پیدا نکردن شغل مناسب در شهر محل زندگی‌اش، راه تهران را در پیش گرفته است. می‌گوید: در اردبیل هرچقدر کار می‌کردم، نمی‌توانستم هزینه‌های زندگی را تامین کنم. اینجا پول بیشتری درمی‌آورم. همه روزهای هفته کار می‌کنم و یکی دو روزی هم به اردبیل می‌روم. به این زندگی عادت کردم. شاید شرایط همه ما بهترشد. او علاوه بر رانندگی، تعمیر خودرو هم بلد است و گاهی به همکارانش کمک می‌کند. به این ترتیب، اگر فرصتی پیش بیاید، از مهارت فنی‌اش هم برای کسب درآمد استفاده می‌کند.

دو پسر دبیرستانی دارد که در خانه مانده‌اند و به گفته خودش، از خانه مراقبت می‌کنند. همین موضوع باعث شده با خیال آسوده‌تری در تهران بماند. با این حال، کار و زندگی در خیابان برایش آسان نیست گاهی غذایش را در خودرو می‌خورد. وقتی هوا گرم بود، کنار تاکسی و روی زمین زیر پل می‌خوابید و تقریبا از خودرویش فاصله نمی‌گرفت شاید به این دلیل که تاکسی امانت بود. حالا هم در همان محدوده کار می‌کند و گاهی چند روزی را بدون استراحت به رانندگی می‌گذراند. البته خودش می‌گوید وقتی خستگی بیش از اندازه شود، چند روزی به خودش مرخصی می‌دهد و به خانه برمی‌گردد.

آنچه در زندگی این رانندگان مشترک است، تلاش برای نگه داشتن درآمد در برابر هزینه‌های فزاینده است. این شیوه زندگی اگرچه در ظاهر راهی برای پس‌انداز بیشتر است، اما دشواری‌های خودش را دارد. هزینه نگهداری خودرو، تعمیرات، سوخت و کارمزد پلتفرم‌های حمل‌ونقل اینترنتی می‌تواند بخش قابل توجهی از درآمد آنها را از بین ببرد. به‌ویژه برای کسانی که با خودروی اجاره‌ای کار می‌کنند یا تمام سرمایه‌شان به همان خودرو وابسته است، خرابی ماشین به معنای توقف درآمد و افزایش هزینه‌هاست. بعضی از این مردان امیدوارند در آینده شغل ثابتی پیدا کنند و از زندگی بی‌ثبات و بدون امکانات در تهران فاصله بگیرند.

### روی دیگر خودروخوابی

زندگی در خودرو و تلاش برای تامین هزینه‌های زندگی، تنها روی ماجرای این رانندگان نیست. گاهی برخی از آنها خودشان به عاملی برای ایجاد مزاحمت و مشکل در فضای شهری تبدیل می‌شوند. نمونه آن را می‌توان در خیابان میرداماد و برخی دیگر از مناطق تهران دید جایی که تعدادی از رانندگان کمبود جای پارک در خیابان‌ها را فرصتی برای کسب درآمد می‌دانند.

این افراد شب‌ها خودروهای خود را در خیابان‌هایی که معمولا روزها پیدا کردن جای پارک در آنها دشوار است، متوقف می‌کنند و همان جا شب را به صبح می‌رسانند. صبح زود و وقتی کارمندان و ساکنان محدوده برای پیدا کردن جای پارک سرگردان هستند، پیشنهاد می‌دهند در ازای دریافت مبلغی، جای پارکی که از شب قبل در اختیار داشتند را واگذار کنند و دوباره راهی خیابان‌ها شوند تا به مسافرکشی ادامه دهند.

موضوع دیگر، استفاده برخی رانندگان از اجاره‌نامه‌های صوری برای تغییر پلاک خودرو است. بنا بر روایت‌های مطرح‌شده، برخی از این افراد با ارائه اجاره‌نامه‌های غیرواقعی تلاش می‌کنند پلاک خودروی خود را تغییر دهند تا در صورت بروز تخلف یا مشکلات احتمالی، شناسایی و پیگیری آنها برای دستگاه‌های انتظامی دشوارتر شود.

---

آموزش‌وپرورش علت اعلام اسامی والدین شکایت‌کننده از مدارس را توضیح داد

# چرا نام والدین شاکی از مدارس به مدیر مدرسه اعلام می‌شود؟

مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش‌وپرورش در گفت‌وگو با «تسنیم» با اشاره به تعدد مسیرهای ارتباطی مردم برای طرح شکایت از عملکرد مدارس و این وزارتخانه اظهار کرد: در حال حاضر چهار مسیر اصلی برای ثبت و پیگیری شکایات و درخواست‌های مردمی وجود دارد که شامل سامانه ۱۳۶ سازمان بازرسی کل کشور، سامانه ارتباط مردم و دولت (سامد)، سامانه فوریت‌های اداری (فواد ۱۲۸) و سامانه تخصصی پاسخگویی به شکایات آموزش‌وپرورش در سایت shekayat.medu.ir است.

رضا روستایی افزود: شکایت‌هایی که از طریق سامانه‌های خارج از آموزش‌وپرورش ثبت می‌شوند به این وزارتخانه ارجاع داده می‌شوند و توسط بازرسان آموزش‌وپرورش مورد بررسی قرار می‌گیرد و پاسخ لازم به شاکیان و دستگاهی که شکایت در آنجا ثبت شده است، ارائه می‌شود. درنهایت مرجع رسیدگی به موضوعات مرتبط با عملکرد این وزارتخانه خود آموزش‌وپرورش است.

روستایی درباره حفظ محرمانگی اطلاعات افرادی که از مدارس یا عوامل آموزشی شکایت می‌کنند، گفت: در شکایت‌هایی که ماهیت فردی دارند و موضوعاتی مانند تنبیه بدنی دانش‌آموز یا تضییع حق یک شخص مطرح است برای پیگیری موضوع باید مشخص باشد چه کسی شکایت کرده است بنابراین اسم والدینی که شکایت را ثبت کرده‌اند به مدارس اعلام می‌شود اما در گزارش‌هایی که جنبه عمومی دارند و به یک تخلف یا مشکل فراگیر اشاره می‌کنند، ضرورتی برای اعلام نام گزارش‌دهنده وجود ندارد و امکان رسیدگی به گزارش بدون ذکر هویت فرد فراهم است.

مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش‌وپرورش تاکید کرد: اگر فردی هنگام ثبت شکایت درخواست کند هویتش افشا نشود، تلاش می‌کنیم این موضوع رعایت شود و به هیچ‌وجه به دنبال قرار دادن خانواده‌ها در مقابل مدرسه نیستیم اما اگر شکایت ثبت شده فردی باشد حتما نیاز است تا هویت فرد شاکی ثبت شود. وی در پاسخ به این پرسش که اعلام مشخصات شاکیان به مدارس و مناطق آموزشی موجب نگرانی خانواده‌ها و خودداری آنها از ثبت شکایت می‌شود، اظهار کرد: رویکرد ما این نیست که خانواده‌ای به دلیل پیگیری حق فرزندش در معرض مشکل قرار بگیرد البته در شکایت‌های فردی، ماهیت موضوع به‌گونه‌ای است که برای بررسی دقیق، مشخصات شاکی باید احراز شود و چاره‌ای جز این نداریم.

### کاهش واقعی شکایات یا صرف نظر والدین از ثبت شکایت؟

روستایی درباره مهم‌ترین موضوعات مورد اعتراض مردم در سامانه‌های پاسخگویی گفت: شکایت‌ها موضوعات متنوعی دارند و بخشی از آنها به مسائل اداری و امور مربوط به کارکنان، نقل‌وانتقالات فرهنگیان، آزمون‌های استخدامی، دریافت وجه در مدارس، کیفیت آموزش و مشکلات ساختمان‌های آموزشی مربوط می‌شود. در سامانه تخصصی آموزش‌وپرورش نیز موضوعات اداری و سپس مسائل آموزشی از محورهای پرتکرار شکایت‌ها هستند.

مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش‌وپرورش درباره کاهش تعداد شکایت‌های ثبت شده نیز گفت: آمارها نشان می‌دهد تعداد شکایت‌های ثبت‌شده در ۶ ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته در سطح ستاد وزارتخانه ۶۰ درصد و در استان‌ها ۱۱ درصد کاهش داشته است. وی در پاسخ به این پرسش که کاهش این شکایات به دلیل حل مشکلات است یا اینکه خانواده‌ها بابت آرامش فرزندان خود در مدرسه ترجیح می‌دهند در برابر تخلفات کادر مدرسه سکوت کنند؟ افزود: ارزیابی علت این کاهش نیازمند بررسی دقیق‌تر است اما افزایش بازرسی‌ها، نظارت‌های میدانی، توسعه راه‌های ارتباطی با خانواده‌ها و پاسخگویی مستقیم به مطالبات مردم می‌تواند در این روند موثر بوده باشد البته نمی‌توان احتمال کاهش تمایل برخی افراد به ثبت شکایت را نیز نادیده گرفت و تلاش ما این است که مردم بدون نگرانی مسائل و مشکلات خود را مطرح کنند.

روستایی ادامه داد: از ابتدای امسال بازرسی‌های موردی و موضوعی افزایش یافته و تیم‌های ۴۰ تا ۶۰ نفره بازرسی در استان‌ها حضور پیدا می‌کنند. در این بازرسی‌ها بخش قابل توجهی از مدارس، مناطق و ادارات کل آموزش‌وپرورش مورد بررسی قرار می‌گیرند و گزارش‌های نظارتی برای شناسایی و رفع مشکلات تهیه می‌شود. پاسخگویی مستقیم به مردم در سفرهای استانی از دیگر اقدامات است و در سفر به استان‌ها، زمان مشخصی را به حضور در میز ارتباطات مردمی و شنیدن مستقیم مسائل و مطالبات خانواده‌ها اختصاص می‌دهیم تا مشکلات بدون واسطه مطرح و پیگیری شوند.

### آموزش مدیران مدارس برای پیشگیری از شکایت‌ها

روستایی با تاکید بر ضرورت پیشگیری از بروز تخلف و اختلاف در مدارس تصریح کرد: یکی از اولویت‌های اصلی ما آموزش مدیران مدارس است. به همکاران حوزه بازرسی در استان‌ها نیز تاکید کرده‌ایم که آموزش مدیران را در اولویت قرار دهند و این موضوع را برای آنان تبیین کنند که نقد منصفانه و شکایت مردم فرصتی برای شناسایی اشکالات و اصلاح فرآیندهاست. وی افزود: هدف این نیست که صرفا پس از ثبت شکایت به موضوع رسیدگی کنیم بلکه باید با اصلاح شیوه‌های مدیریتی و افزایش آگاهی مدیران، زمینه بروز مشکلات را کاهش دهیم. نمی‌توان ادعا کرد که هیچ موردی از برخورد نامناسب با خانواده‌ها رخ نمی‌دهد اما تمام تلاش ما این است که دانش‌آموزان و والدین پس از ثبت شکایت با مشکل تازه‌ای مواجه نشوند.




### چرا آموزش و پرورش سامانه تلفنی برای ثبت شکایت ندارد؟

مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش‌وپرورش درباره احتمال راه‌اندازی شماره تلفن اختصاصی مشابه سامانه‌های ۱۱۰ پلیس و ۱۳۷ شهرداری برای دریافت شکایت‌های مردمی گفت: راه‌اندازی چنین سامانه‌ای در آموزش‌وپرورش به برنامه‌ریزی و ظرفیت اجرایی گسترده‌ای نیاز دارد چون حجم و تنوع مسائل و ارتباطات این وزارتخانه با مدارس، خانواده‌ها و فرهنگیان بسیار زیاد است. با این حال می‌توان این موضوع را در برنامه‌ریزی‌های آینده مورد بررسی قرار داد. روستایی در پایان درباره ظرفیت نیروی انسانی حوزه بازرسی آموزش‌وپرورش نیز اظهار کرد: براساس مقررات موجود امکان به کارگیری نیرو در این حوزه تا سقف یک درصد کارکنان وجود دارد اما در حال حاضر میزان استفاده از این ظرفیت در سطح کشور کمتر از نیم درصد است. با این وجود در هر منطقه آموزش‌وپرورش دست‌کم یک نماینده در حوزه ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات فعالیت می‌کند و در برخی مناطق این مسئولیت به‌صورت مشترک با واحدهای دیگر انجام می‌شود.



سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی:
## ۹۰ درصد خدمات بهزیستی توسط خود مردم ارائه می‌شود

چهارشنبـه/۲۷ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۳

مادران شاغل، فرزند دوم را به تعویق می‌اندازند
# مادربزرگ به جای مهدکودک



عکس تزئینی است

**اشتغال زنان در سال‌های اخیر به بخش جدایی ناپذیری از زندگی بسیاری از خانواده‌ها تبدیل شده است؛ زنانی که در کنار مسئولیت‌های خانوادگی، در مدرسه، بیمارستان، دانشگاه و دیگر محیط‌های کاری حضور دارند و تلاش می‌کنند مسیر حرفه‌ای خود را ادامه دهند. اما برای بسیاری از این مادران، پایان مرخصی زایمان به معنای آغاز یک دغدغه جدی است: فرزندشان را به چه کسی بسپارند؟**

چند مادر شاغل از تجربه مشترکی می‌گویند که اگرچه در ظاهر راه‌حلی خانوادگی برای مراقبت از کودکان است، اما در واقع نشان‌دهنده خلأ جدی خدمات نگهداری از فرزندان است؛ مادربزرگ‌هایی که باید جای خالی مهدکودک و پرستار را پر کنند و مادرانی که میان اشتغال و مراقبت از کودک، ناچار به انتخاب یا تحمل فشار مضاعف هستند.

معصومه، مادربزرگ کودکی کمتر از دو سال، یکی از همین افراد است. دخترش معلم است و پس از پایان ۹ ماه مرخصی زایمان، ناچار شده فرزندش را به مادر خود بسپارد. فاصله محل زندگی این دو خانواده کم نیست و معصومه هر روز باید مسیری طولانی را طی کند تا به خانه دخترش برسد و از نوه‌اش مراقبت کند. با پایان ساعت کاری دخترش، دوباره همین مسیر یک ساعته را برای بازگشت به خانه خودش طی می‌کند. گاهی هم که امکان رفت‌وآمد ندارد، دخترش همراه کودک به خانه او می‌آید و تمام هفته را از آنجا به محل کار می‌رود. این مادر شاغل می‌گوید اگر مادرش نبود، نمی‌دانست باید چه کند؛ فرزندش هنوز کوچک است و هزینه مهدکودک مناسب برای این سن نیز از توان مالی او خارج است. او فعلا به فرزند دوم فکر نمی‌کند؛ نه از سر بی‌میلی به مادری، بلکه به دلیل اینکه هنوز برای نگهداری از همین یک کودک راه‌حل مطمئنی ندارد.

روایت یک پزشک نیز ابعاد دیگری از این مسئله را نشان می‌دهد. لیلا می‌گفت که در دوره تخصص صاحب فرزند شده، برای اینکه موقعیت حرفه‌ای‌اش دچار مشکل نشود، زودتر از موعد به محل کار بازگشت. اما الزام حضور در شهری دیگر، نگهداری از نوزاد را به مسئله‌ای پیچیده تبدیل کرد. تا زمانی که بتواند فرد مطمئنی برای مراقبت از کودک پیدا کند، مادرش مجبور بود ۱۵ روز از هر ماه او را همراه او به شهر محل خدمت برود و از نوه‌اش مراقبت کند. سپردن نوزاد زیر یک سال به مهدکودک نیز برای او گزینه قابل اتکایی نبود.

نازنین، مادر شاغل دیگری است که اگرچه نزدیک مادرش زندگی می‌کند، اما او هم هر روز باید کودک را صبح زود بیدار کند و به خانه مادربزرگ ببرد یا شب‌ها فرزندش را آنجا بخواباند تا بتواند صبح از همان خانه راهی محل کار شود. در هر سه روایت، خانواده و به‌ویژه مادربزرگ، به اصلی‌ترین شبکه حمایتی مادر شاغل تبدیل شده‌اند.

### وقتی مادربزرگ جای خالی زیرساخت را پر می‌کند

اما آیا می‌توان نگهداری از کودکان را برای همیشه بر دوش مادربزرگ‌ها گذاشت؟ بسیاری از این زنان خود در سن سالمندی هستند، ممکن است توان جسمی مراقبت تمام‌وقت از کودک را نداشته باشند یا زندگی، مسئولیت‌ها و نیازهای شخصی خود را داشته باشند. نگهداری از یک کودک خردسال، به‌خصوص اگر چند فرزند در میان باشد، کاری مستمر و فرساینده است.

از سوی دیگر، تغییر مکرر مراقب، دوری از مادر و بی‌ثباتی برنامه روزانه می‌تواند برای برخی کودکان خردسال دشواری‌های عاطفی و اضطراب جدایی ایجاد کند. بسیاری از مادران نیز تا رسیدن کودک به سن مناسب‌تر، به مراقبت فردی و قابل اعتماد نیاز دارند و حاضر نیستند فرزند شیرخوار خود را به هر مهد یا پرستاری بسپارند. در چنین شرایطی، حمایت‌هایی مانند حق مهدکودک یا حق پرستاری، اگر پرداخت شوند، به گفته برخی مادران شاغل آن‌قدر ناچیزند که پاسخگوی هزینه واقعی نگهداری کودک نیستند؛ در برخی محیط های کاری نیز اساسا چنین حمایتی وجود ندارد. مسئله حق عائله‌مندی و محدودیت دسترسی زنان به برخی مزایای خانوادگی نیز به این نارضایتی‌ها اضافه می‌شود.

### از ظرفیت اشتغال زنان تا مسئولیت فرزندپروری

این وضعیت در شرایطی رخ می‌دهد که از یک سو بر استفاده از ظرفیت زنان به‌عنوان بخشی از نیروی کار و سرمایه انسانی آینده تاکید می‌شود و از سوی دیگر، زیرساخت‌های لازم برای جمع میان اشتغال و مادری به اندازه کافی فراهم نیست. نمی‌توان از زنان انتظار داشت در بازار کار حضور موثر داشته باشند، اما درباره سرنوشت کودکانشان در ساعات کاری پاسخ روشنی نداشت.

این مسئله فقط یک مشکل فردی یا خانوادگی نیست؛ با آینده جمعیت نیز ارتباط دارد. وقتی مادری برای نگهداری از فرزند اول خود با دشواری روبه‌روست، تصمیم‌گیری درباره فرزند دوم و سوم به‌مراتب پیچیده‌تر می‌شود. در چنین شرایطی، حتی تسهیلات مالی فرزندآوری نیز نمی‌توانند جای خالی مهدکودک در دسترس، خدمات مراقبتی مطمئن و امنیت شغلی را پر کنند. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در ماده ۲۲، تامین فضای نگهداری کودک در دستگاه‌های مشمول را پیش‌بینی کرده است؛ اما پرسش اصلی این است که این حکم تا چه اندازه در محیط های کاری به امکان واقعی مراقبت از کودک تبدیل شده است؟ همچنین پرداخت وام و تسهیلات، وقتی با نیازهای روزمره مادران شاغل پیوند نمی‌خورد، لزوما مسئله اصلی آنان را حل نمی‌کند.

### فرزندآوری بدون حمایت از مادران؟

نمونه دیگر، روایت یک عضو هیات علمی دانشگاه است که هنگام تولد فرزند دوم، همسرش بیکار بوده و به دلیل نداشتن فیش حقوقی نتوانسته برای وام فرزندآوری اقدام کند. او خود برای دریافت وام مراجعه کرده، اما به او گفته‌اند متقاضی باید پدر کودک باشد. این تجربه در کنار دستورالعمل پرداخت وام که متقاضی را پدر تعریف می‌کند، پرسش مهمی درباره جایگاه مستقل مادران در سیاست‌های حمایتی ایجاد می‌کند.

در شرایطی که کشور با کاهش باروری و افزایش سهم سالمندان روبه‌روست، حمایت از فرزندآوری نمی‌تواند صرفا به پرداخت وام محدود بماند. اگر قرار است زنان همچنان در بازار کار حضور داشته باشند و همزمان امکان مادری و فرزندپروری داشته باشند، باید برای مراقبت از کودکان، مهدکودک‌های باکیفیت و در دسترس، حمایت مالی متناسب و تقسیم مسئولیت میان پدر و مادر چاره‌ای اندیشیده شود. مادربزرگ‌ها نباید تنها راه‌حل نگهداری از کودکان باشند. اگر امروز مادری برای مراقبت از فرزند اول خود به بن بست می‌رسد، نمی‌توان از او انتظار داشت با خیال آسوده به فرزند دوم و سوم فکر کند. سیاست جوانی جمعیت زمانی می‌تواند در زندگی خانواده‌ها معنا پیدا کند که مادران نیز در مرکز سیاست‌گذاری قرار بگیرند.

فرزندآوری با بخشنامه و وام محقق نمی‌شود
## ضرورت مادرپذیرسازی ساختارهای اجتماعی

کارشناس حوزه زنان و خانواده با تاکید بر ضرورت حمایت از مادران شاغل گفت: دسترسی به خدمات مراقبتی و بازتوزیع مسئولیت نگهداری از فرزند میان والدین باید جدی گرفته شود.

طیبه مجردیان، کارشناس حوزه زنان و خانواده، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به چالش های مادران شاغل در زمینه نگهداری از فرزندان اظهار کرد: یکی از مسائل مهم در تجربه مادری، چگونگی جمع میان مسئولیت خانوادگی و حضور اجتماعی و حرفه‌ای زنان است. مادری یکی از ابعاد مهم هویت زنان به شمار می‌رود، اما نباید تمام هویت و ظرفیت‌های آنان به این نقش محدود شود. وی افزود: زنان در کنار مسئولیت مادری، هویت فردی، شغلی، تحصیلی و اجتماعی دارند و سیاست‌های حمایتی باید امکان تحقق همزمان این ابعاد را فراهم کند. در صورتی که ساختارهای شغلی و اجتماعی با شرایط مادران هماهنگ نباشد، هزینه فرزندآوری و مراقبت از کودک عمدتا بر دوش زنان باقی می‌ماند و این مسئله می‌تواند به تعارض میان مادری و اشتغال منجر شود.

### مراقبت از کودک؛ حلقه مهم حمایت از مادران شاغل

این کارشناس حوزه زنان و خانواده با بیان اینکه دسترسی به خدمات مراقبتی قابل اعتماد از نیازهای اساسی مادران شاغل است، گفت: پایان مرخصی زایمان برای بسیاری از زنان به معنای مواجهه با مسئله‌ای جدی درباره سپردن کودک به مراقب یا مهدکودک است. هزینه خدمات نگهداری، کیفیت و امنیت محیط مراقبت و تناسب آن با سن کودک از جمله عواملی است که تصمیم مادران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. وی ادامه داد: در بسیاری از خانواده‌ها، مادربزرگ ها به دلیل اعتماد عاطفی و نزدیکی خانوادگی، مسئولیت مراقبت از نوه را بر عهده می‌گیرند؛ اما این وضعیت نمی‌تواند راه‌حل دائمی و جایگزین خدمات عمومی و سازمان یافته باشد. مادربزرگ ها نیز با محدودیت های جسمی و سنی و نیازهای زندگی شخصی خود روبه‌رو هستند و نباید بار اصلی کمبود خدمات مراقبتی بر دوش آنان قرار گیرد.

مجردیان با تاکید بر ضرورت استمرار حمایت ها پس از پایان مرخصی زایمان تصریح کرد: حمایت از مادر شاغل نباید به دوره بارداری و مرخصی زایمان محدود شود. دسترسی به مهدکودک مناسب، امکان استفاده از خدمات مراقبتی، انعطاف در ساعات کار و فراهم شدن شرایط لازم برای همراهی پدر در نگهداری از کودک، باید بخشی از نظام حمایت از خانواده باشد.

### قانون جوانی جمعیت و فاصله میان پیش‌بینی و اجرا

وی با اشاره به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت گفت: این قانون موضوعات متعددی از جمله امنیت شغلی، مرخصی، دورکاری و توسعه خدمات نگهداری کودک را مورد توجه قرار داده است. برای نمونه، ماده ۲۲ به موضوع تامین مهدکودک و خدمات نگهداری از فرزندان مادران شاغل در دستگاه های مشمول پرداخته است؛ با این حال، مسئله مهم، میزان تحقق این حمایت‌ها و دسترسی واقعی خانواده‌ها به آنهاست. این کارشناس حوزه زنان و خانواده افزود: میان پیش‌بینی یک حمایت در متن قانون و بهره‌مندی عملی مادران از آن فاصله وجود دارد. اگر زیرساخت لازم فراهم نباشد یا خدمات مراقبتی از نظر هزینه، کیفیت و دسترسی پاسخگوی نیاز خانواده ها نباشد، حمایت قانونی نمی‌تواند به تنهایی مشکلات مادران را برطرف کند.

### ضرورت توجه به عاملیت زنان در سیاست‌های فرزندآوری

مجردیان با تاکید بر اینکه سیاست‌های جمعیتی باید به تجربه و نیازهای واقعی زنان توجه داشته باشد، اظهار کرد: در بررسی سیاست‌های مرتبط با مادری و فرزندآوری، نباید زن صرفا در جایگاه فردی دیده شود که باید مسئولیت تولید مثل و مراقبت را بر عهده بگیرد. زنان باید به عنوان افرادی برخوردار از اراده، اختیار و هویت چندبعدی در تصمیم‌گیری های مرتبط با زندگی خانوادگی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرند. وی افزود: زمانی که مسئولیت مراقبت از کودک عمدتا بر دوش مادر قرار می‌گیرد و مشارکت پدر در این مسئولیت به صورت جدی تقویت نمی‌شود، تعارض میان اشتغال و مادری تشدید خواهد شد. حمایت از خانواده زمانی اثربخش است که مراقبت از فرزند به عنوان مسئولیتی مشترک میان والدین و موضوعی مورد حمایت ساختارهای اجتماعی شناخته شود.

### مادرپذیرسازی ساختارهای اجتماعی

این کارشناس حوزه زنان و خانواده با بیان اینکه افزایش مشوق‌های مالی به‌تنهایی برای تحقق اهداف جمعیتی کافی نیست، گفت: تصمیم به فرزندآوری تحت تاثیر مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی، شغلی، روانی و اجتماعی قرار دارد. خانواده‌ای که برای نگهداری از فرزند نخست خود با دشواری روبه‌روست، پیش از هر چیز به اطمینان از وجود حمایت‌های واقعی و پایدار نیاز دارد. مجردیان تاکید کرد: سیاست‌گذاری در حوزه جمعیت باید به‌گونه‌ای باشد که زنان برای انتخاب مادری ناچار به کنار گذاشتن سایر ابعاد زندگی خود نشوند. ایجاد محیط های کاری منعطف، توسعه خدمات مراقبتی قابل اعتماد، حمایت از امنیت شغلی مادران و تقویت نقش پدران در فرزندپروری می‌تواند بخشی از شرایط لازم برای حمایت موثر از خانواده‌ها را فراهم کند. وی در پایان خاطرنشان کرد: مسئله فقط تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری نیست؛ بلکه باید شرایطی فراهم شود که مادران بتوانند با آرامش و اطمینان درباره فرزندآوری تصمیم بگیرند و در مسیر مادری، اشتغال و حضور اجتماعی خود با موانع ساختاری و حمایت نشدن مواجه نشوند.

## اعلام نرخ جریمه‌های رانندگی در روزهای آلودگی هوا



رئیس پلیس ترافیک شهری راهور فراجا با اعلام جزئیات جرایم تخلفات رانندگی در روزهای آلودگی هوا، مبلغ جریمه تردد غیرمجاز در طرح زوج و فرد، ورود به محدوده طرح ترافیک، رانندگی با خودروی دودزا و نداشتن معاینه فنی را اعلام کرد.

به گزارش «آگاه» سرهنگ داوود شکیبایی در تشریح تفاوت عناوین تخلفات و مبالغ جریمه مربوط به محدودیت‌های ترافیکی، اظهار کرد: در جدول تخلفات رانندگی، تردد غیرمجاز وسایل نقلیه در محدوده‌های ممنوع مصوب شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور یا کلان شهرها که به صورت موقت از سوی پلیس راهور اعلام می‌شود، مبلغ جریمه آن ۲۰۰ هزار تومان است.

### تفاوت جریمه طرح زوج و فرد با طرح ترافیک

رئیس پلیس ترافیک شهری راهور فراجا با تاکید بر تفاوت میان طرح زوج و فرد و محدوده طرح ترافیک تصریح کرد: جریمه ورود غیرمجاز به محدوده طرح ترافیک با جریمه تردد غیرمجاز در طرح زوج و فرد (اضطرار) متفاوت است. در محدوده طرح ترافیک، دوربین های شهرداری ورود خودروهای فاقد مجوز را ثبت می‌کنند و جریمه آن بیش از ۵۰۰ هزار تومان می‌شود و در سوابق (عوارض خودروی شهرداری) ثبت خواهد شد

### جریمه ۲۰۰ هزار تومانی خودروهای دودزا و ابطال معاینه فنی

وی در ادامه درباره نحوه برخورد با خودروهای دودزا گفت: خودروهای دودزا نیز مشمول عنوان تخلف مستقلی هستند. در صورتی که وسیله نقلیه‌ای با وجود داشتن معاینه فنی، به دلیل نقص یا شرایط نامناسب فنی دودزا باشد، علاوه بر اقدام قانونی برای ابطال معاینه فنی، تخلف رانندگی با وسیله نقلیه دودزا نیز برای آن ثبت می‌شود. رئیس پلیس ترافیک شهری راهور فراجا خاطرنشان کرد: رانندگی با وسیله نقلیه دودزا مبلغ جریمه آن ۲۰۰ هزار تومان است.

سرهنگ شکیبایی با اشاره به تفاوت تخلف نداشتن معاینه فنی با رانندگی با خودروی دودزا بیان کرد: جریمه نداشتن معاینه فنی ۱۰۰ هزار تومان است. بنابراین باید میان خودروی فاقد معاینه فنی و خودرویی که معاینه فنی دارد اما به دلیل آلایندگی و دودزایی شرایط استاندارد را نقض می‌کند، تفاوت قائل شد؛ چراکه این دو مورد عناوین تخلف جداگانه‌ای دارند. وی تاکید کرد: در موضوع خودروهای دودزا، ابطال معاینه فنی و ثبت تخلف مربوط به دودزایی انجام می‌شود و این موضوع با جریمه مربوط به نداشتن معاینه فنی متفاوت است.

## اعزام ۳۰۰۰ نومعلم به مدارس پایتخت از اول مهر

رئیس دانشگاه فرهنگیان استان تهران از اعزام به موقع ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دانشجومعلم فارغ‌التحصیل‌شده به مدارس استان تهران از اول مهر خبر داد.

علی محمدی در گفت‌وگو با «ایسنا» با اشاره به برنامه‌ریزی مشترک دانشگاه فرهنگیان و وزارت آموزش‌وپرورش برای تامین نیروی انسانی مدارس گفت: با اهتمام وزیر آموزش‌وپرورش، کمیته‌ای در سطح ستاد و صف با مشارکت دانشگاه فرهنگیان و وزارت آموزش‌وپرورش تشکیل شد؛ از مدت‌ها قبل جلساتی با هدف جلوگیری از خالی ماندن کلاس‌های درس از معلم در اول مهر برگزار کردیم.

وی افزود: دانشگاه فرهنگیان در قالب طرح «فرصت مهر» تلاش کرد روند خروج به موقع دانشجویان از دانشگاه و حضور فارغ‌التحصیلان در کلاس‌های درس را تسریع و تسهیل کند که این برنامه با همکاری آموزش‌وپرورش به اجرا درآمد.

رئیس دانشگاه فرهنگیان استان تهران با بیان اینکه در نتیجه این هماهنگی، بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دانشجومعلم که اکنون به عنوان نومعلم فعالیت می‌کنند، از ابتدای مهر وارد کلاس‌های درس شدند، ادامه داد: امسال نخستین سالی بود که فرآیند فارغ‌التحصیلی دانشجویان و استقرار آنان در مدارس، در سایه تعامل میان دانشگاه فرهنگیان و آموزش‌وپرورش، به‌موقع انجام شد.

محمدی با اشاره به حوزه ماموریت دانشگاه فرهنگیان استان تهران گفت: رسالت این دانشگاه تامین و تربیت معلم برای دو حوزه شامل مناطق ۲۰گانه آموزش‌وپرورش شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران است و برنامه‌ریزی برای اعزام نومعلمان نیز هر دو بخش را دربرگرفته است.

وی تاکید کرد: این فرآیند هم در مناطق آموزش‌وپرورش شهر تهران و هم در شهرستان‌های استان دنبال و اجرا شده است.

پشت پرده آمارهای متفاوت کمبود دارو
# وقتی دارو هست، اما به دست بیمار نمی‌رسد

اختلاف آمارهای اعلام‌شده درباره کمبود دارو در کشور، در حالی مطرح می‌شود که به گفته سخنگوی سازمان غذا و دارو، بیش از ۱۰۰ تعریف جهانی برای کمبود دارو وجود دارد و مسلما هر کاهش موجودی یا دشواری دسترسی دارویی، لزوما به معنای کمبود قطعی آن نیست؛ چراکه گاهی دارو در شبکه تامین موجود است، اما موانع مالی یا اجرایی در مسیر توزیع می‌تواند دسترسی مراکز درمانی و داروخانه‌ها را تحت تاثیر قرار دهد.

محمد هاشمی در گفت‌وگو با «ایسنا» در این باره اظهار کرد: کمبود دارو مفهومی چندبعدی است و ممکن است از منظر بیمار، پزشک، داروخانه، شرکت پخش، بیمه و سیاست‌گذار معانی متفاوتی داشته باشد. از نگاه بیمار، هرگاه داروی تجویزشده در زمان و مکان مورد نیاز در دسترس نباشد، کمبود تجربه می‌شود؛ حتی اگر همان دارو در انبار شرکت پخش یا در بخش دیگری از شبکه توزیع موجود باشد. وی افزود: از منظر پزشک، ممکن است نبود یک داروی مشخص یا یک برند خاص، محدودیت در انتخاب درمان تلقی شود؛ در حالی که از دیدگاه نظام تامین، وجود داروی ژنریک یا جایگزین درمانی معتبر می‌تواند به معنای استمرار دسترسی به ماده موثره مورد نیاز باشد. داروخانه نیز ممکن است به دلیل محدودیت در تامین از شرکت پخش، با عدم دسترسی مواجه شود؛ در حالی که این وضعیت الزاما به معنای کمبود سراسری دارو نیست.

هاشمی با تشریح تعریف عملیاتی سازمان غذا و دارو از کمبود دارویی گفت: در ارزیابی سازمان، کمبود زمانی در کانون بررسی قرار می‌گیرد که موجودی یک دارو در سطح شرکت‌های پخش به کمتر از نیاز یک ماه برسد و همزمان گزارش کمبود آن از سوی دانشگاه علوم پزشکی مربوطه دریافت شده باشد. در این بررسی، نام ژنریک و شکل دارویی فرآورده ملاک ارزیابی است و وضعیت موجودی، میزان مصرف، برنامه تولید یا واردات و امکان تامین جایگزین نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

سخنگوی سازمان غذا و دارو تاکید کرد: قرارگرفتن یک دارو در محدوده کاهش ذخایر یا احتمال بروز اختلال در تامین، با کمبود بالفعل یکسان نیست. همچنین نبود یک برند خاص، در شرایطی که همان دارو با نام ژنریک یا از طریق فرآورده جایگزین معتبر در دسترس باشد، لزوما به معنای کمبود دارویی محسوب نمی‌شود. بنابراین برای تحلیل دقیق آمارها باید میان کمبود قطعی، کاهش موجودی، اقلام در معرض کمبود و دشواری دسترسی در برخی نقاط شبکه توزیع تفاوت قائل شد. وی درباره اعداد متفاوتی که در گزارش‌ها و اظهارنظرهای مختلف، از جمله ارقام ۱۰۰۰، ۷۰۰ یا چندصد قلم دارو مطرح می‌شود، توضیح داد: این اعداد زمانی قابل مقایسه‌اند که مشخص باشد هرکدام به چه گروهی از داروها، چه بازه زمانی و چه شاخصی اشاره دارند. برای مثال، تعداد اقلام حیاتی و ضروری، داروهای دارای ذخیره محدود، اقلام در معرض کمبود و داروهایی که بر اساس تعریف عملیاتی سازمان با کمبود مواجه‌اند، مفاهیم و گروه‌های آماری متفاوتی هستند. در نتیجه، نمی‌توان همه این ارقام را به عنوان تعداد کمبودهای قطعی دارویی در نظر گرفت.

هاشمی با اشاره به اهمیت بهره‌گیری از داده‌های سامانه‌های نظارتی در مدیریت بازار دارویی کشور گفت: سامانه تیتک یکی از زیرساخت‌های مهم رصد زنجیره تامین دارو است و اطلاعات مربوط به ورود و خروج فرآورده‌ها، موجودی شرکت‌های پخش و وضعیت گردش کالا را در اختیار نظام نظارتی قرار می‌دهد. این اطلاعات در کنار گزارش‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی و سایر منابع اطلاعاتی، امکان پایش دقیق‌تر وضعیت تامین و شناسایی زودهنگام اقلامی را فراهم می‌کند که ممکن است در ماه‌های آینده با محدودیت موجودی مواجه شوند. وی ادامه داد: برنامه‌ریزی تولید و واردات نیز از اجزای مهم مدیریت کمبود داروست. شرکت‌های تولیدکننده و واردکننده، برنامه‌های تامین خود را در افق زمانی مشخص ارائه می‌کنند و این برنامه‌ها به صورت مستمر مورد بررسی و به‌روزرسانی قرار می‌گیرد. میزان مصرف دارو در دوره‌های گذشته، روند تقاضا، اهمیت درمانی فرآورده و ظرفیت تولید یا واردات، از جمله شاخص‌هایی است که در ارزیابی کفایت برنامه‌های تامین مورد توجه قرار می‌گیرد.

سخنگوی سازمان غذا و دارو با اشاره به دریافت گزارش‌های دوره‌ای از دانشگاه‌های علوم پزشکی، شرکت‌های پخش، انجمن‌های تخصصی و مجموعه‌های فعال در زنجیره تامین اظهار کرد: گزارش‌های دریافتی پس از بررسی و تطبیق با اطلاعات موجودی و وضعیت تامین، تجمیع و تحلیل می‌شوند تا موارد واقعی از گزارش‌های تکراری یا مواردی که ناشی از اختلال مقطعی در توزیع و دسترسی هستند، تفکیک شوند.

هاشمی افزود: تحلیل اطلاعات نسخه‌های الکترونیک و بررسی مسیر مراجعه بیماران برای تهیه دارو نیز می‌تواند در شناخت دقیق‌تر وضعیت دسترسی موثر باشد.



ممکن است بیمار برای تهیه یک دارو به چند داروخانه مراجعه کند، در حالی که دارو در بخشی دیگر از شبکه توزیع موجود باشد. بررسی این الگوها کمک می‌کند میان نبود واقعی دارو در شبکه و دشواری دسترسی در یک نقطه یا داروخانه مشخص تمایز قائل شویم. وی با تاکید بر ضرورت هماهنگی همه اجزای زنجیره تامین دارو گفت: مدیریت کمبود صرفا به شناسایی اقلام دارای موجودی محدود خلاصه نمی‌شود، بلکه باید مجموعه‌ای از عوامل از جمله تامین مواد اولیه، برنامه تولید، واردات، تخصیص منابع، توزیع و وضعیت مطالبات شرکت‌ها به صورت همزمان بررسی شود. در برخی موارد، دارو در زنجیره تامین وجود دارد، اما موانع مالی یا اجرایی در مسیر توزیع می‌تواند دسترسی مراکز درمانی و داروخانه‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. سخنگوی سازمان غذا و دارو خاطرنشان کرد: هدف از توسعه نظام‌های پایش و تحلیل داده، دستیابی به تصویری دقیق و قابل اتکا از وضعیت بازار دارویی و فراهم کردن امکان اقدام پیشگیرانه است. هرچه اطلاعات مربوط به مصرف، موجودی، تولید، واردات و توزیع با دقت و سرعت بیشتری در کنار یکدیگر قرار گیرد، تصمیم‌گیری برای مدیریت ذخایر و استمرار دسترسی بیماران به دارو نیز هدفمندتر خواهد بود.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۹۳

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

# چهارشنبه

۲۷ آبان مـاه ۱۴۰۵

۸ جمادی الثانی ۱۴۴۸ | ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶

| | |
|---|---|
| اذان صبـــح | ۰۵:۱۳ |
| اذان ظهـــر | ۱۱:۴۹ |
| اذان مغـــرب | ۱۷:۱۵ |
| نیمه‌شب‌شرعی | ۲۳:۰۵ |

## #تجربه_کردم

گاهی از رأفت خدا، موجی از بهشتش رو به ساحل عمرآدم می‌فرسته...
و با همه وجودمون، درکاری...
یا کنارکسی، نهایت آرامی و دلگرمی رو احساس می‌کنیم.
اگه این‌جوری شد رفیق، دل رو بزن به دریای بهشت و... «عطا» رو با قانون‌ها و رسم‌الخط‌های دنیا بررسی نکن!...
چون به دو هزارتا ایراد می‌رسی و.تا به خودت بجنبی.خیس نشده، می‌بینی موج، برگشته و خشک خشک، موندی برجات!
دیگه هیهاته که موج بعدی... کی و کجا بیاد.
خدا آزار نداره‌ها!...
این جوری می‌شه که قدر «لحظه»ها و «عطا»ها رو بدونیم.

**سیدمحمد سادات‌اخوی / نشرپرنده**

## پنج عادت برای نجات ریه‌ها در هوای آلوده

ریزآلاینده هایی که موفق می شوند از در و پنجره عبور کنند، در هوا معلق نمی‌مانند؛ بلکه به مرورروی میزها، فرش‌ها و لوازم منزل ته نشین می‌شوند. فصل پاییزو پدیده وارونگی دما، آسمان کلان‌شهرهای ایران را بار دیگر درهاله‌ای از دود، غبار و ذرات معلق پنهان کرده است. در این میان، آنچه بیش از همه سلامت ما را تهدید می‌کند، دودهای قابل رویت نیستند؛ بلکه ذرات بسیار ریزی موسوم به ریزآلاینده‌ها و فلزات سنگین هستند که بدون سرو صدا ازسد دفاعی مجاری تنفسی عبور می‌کنند و خود را به عمیق‌ترین نقاط ریه و حتی جریان خون می‌رسانند. هنگامی که شاخص کیفیت هوا در وضعیت ناسالم قرار می‌گیرد، تصور اینکه بتوانیم کاملا خود را ایزوله کنیم، غیرواقع بینانه است. با این حال، علم بهداشت محیط و پزشکی پیشگیری اثبات کرده‌اند که با به کارگیری چند مهارت ساده، می‌توان میزان مواجهه بدن با این سموم نامرئی را خیلی کاهش داد. کنترل میزان نفوذ آلاینده‌ها به حریم خانه و بدن، نیازمند تغییرات آگاهانه در سبک زندگی روزمره است. در ادامه چند راهکار مهارتی را مرور می‌کنیم که کمک می‌کند در روزهای قرمز پاییز، سپری محکم‌تر در برابر ریزآلاینده‌ها بسازیم.

### تهویه منزل و بستن دروازه‌های ورود دود

نخستین اشتباه رایج در روزهای آلوده، باز گذاشتن پنجره‌ها به امید جریان داشتن هواست. در ساعات اوج ترافیک و زمانی که غلظت آلاینده‌ها در بالاترین حد خود قرار دارد، هر منافذی می‌تواند به کانالی برای ورود ذرات معلق به خانه تبدیل شود. برای مهار این مسئله، در ساعات اولیه صبح و عصر که هوا سنگین‌تر است، پنجره‌ها را کاملا بسته نگه دارید. اگر نیاز به تهویه دارید، این کار را به ساعات میانی روز که کمی از غلظت آلاینده‌ها کاسته شده موکول کنید. همچنین استفاده از دستگاه‌های تصفیه هوا مجهز به فیلترهوا در اتاق خواب و نشیمن، بخش عمده‌ای از ذرات معلق خانگی و دوده نفوذی را به دام می‌اندازد.

### تغییر مسیر و زمان‌بندی تردد در فضای بیرون

اگر ناچار هستید در روزهای آلوده پاییز از خانه خارج شوید، زمان و مسیر خود را هوشمندانه انتخاب کنید. پیاده‌روی در حاشیه خیابان‌های شلوغ و پرتردد، یعنی تنفس مستقیم دود اگزوز خودروها و ذرات لاستیک و لنت ترمز که سرشار از فلزات سنگین هستند. تا حد امکان از کوچه پس کوچه‌های خلوت‌تر عبور کنید یا ترددهای غیرضروری خود را به ساعات پایانی شب یا روزهای تعطیل که بار ترافیکی کمتر است، انتقال دهید.

### پاکسازی سطوح داخلی منزل با دستمال مرطوب

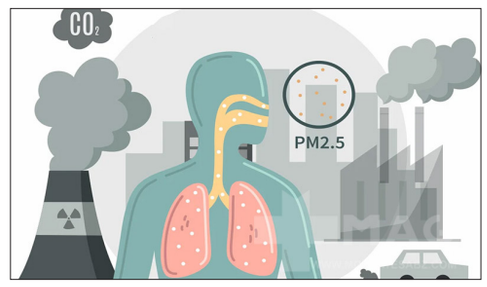
ریزآلاینده هایی که موفق می شوند از در و پنجره عبور کنند، در هوا معلق نمی‌مانند؛ بلکه به مرورروی میزها، فرش‌ها و لوازم منزل ته‌نشین می‌شوند. جارو برقی‌های معمولی بدون فیلترپیشرفته، این ذرات خوابیده را دوباره به هوا پرتاب می‌کنند. برای پیشگیری از این چرخه آلودگی، به جای جاروکشیدن خشک یا استفاده از پروسه‌های غبارروبی با دستمال خشک، از دستمال‌های مرطوب برای نظافت سطوح منزل استفاده کنید تا ذرات به دام بیفتند و در فضا پخش نشوند.

### شست‌وشوی مداوم مجاری تنفسی و پوست

پوست و غشاهای مخاطی بینی و گلو، اولین خطوط برخورد با ریزآلاینده‌های معلق در هوا هستند. پس از بازگشت به خانه، شست‌وشوی بینی و حلق با سرم نمکی (سرم فیزیولوژی) یا آب نمک رقیق شده، یکی از اثربخش‌ترین مهارت‌های بهداشتی است که ذرات چسبیده به مخاط را پیش از جذب شدن پاکسازی می‌کند. همچنین شستن دست و صورت با صابون‌های ملایم، از باقی ماندن مواد سمی و نشستن آنها روی منافذ پوستی جلوگیری می‌کند.

### تقویت سیستم دفاعی با سد تغذیه‌ای

اگرچه تغذیه نمی‌تواند مانع ورود ریزآلاینده ها به بدن شود، اما قدرت دفاعی سلول‌ها را در برابر رادیکال‌های آزاد ناشی از آلودگی بالا می برد. مصرف مرکبات سرشار از ویتامین C، سبزیجات تازه و محصولات لبنی کم‌چرب به دلیل داشتن کلسیم بالا، رقابت سختی با جذب فلزات سنگین در دستگاه گوارش انجام می‌دهد و به خنثی‌سازی اثرات مخرب سموم کمک می‌کند. نوشیدن آب فراوان در طول روز نیز سرعت دفع سموم را از طریق کلیه‌ها افزایش می‌دهد.




آب و هوا



باران و برف در ۱۳ استان
## هشدار سیلاب و آب‌گرفتگی در برخی مناطق

سازمان هواشناسی از بارش باران و برف در ۱۳ استان خبر داد؛ برای چهار استان هم هشدار نارنجی سیلاب صادر شده است.
بررسی نقشه‌های همدیدی و آینده‌نگری هواشناسی نشان می‌دهد امروز چهارشنبه در برخی مناطق استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، کردستان، زنجان، قزوین، البرز و تهران در برخی ساعات بارش‌های پراکنده روی می‌دهد، در سایر مناطق کشور تا یک‌شنبه آینده پدیده بارشی پیش‌بینی نمی‌شود.
طی روزهای چهارشنبه تا جمعه در مناطق شمال غرب، غرب، بخش‌هایی از مرکز و استان‌های واقع در دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی در برخی ساعات وزش باد خواهیم داشت و از غلظت آلاینده‌ها در این مناطق کاسته می‌شود، طی این مدت همچنین افزایش نسبی دما در نوار شمالی به‌ویژه استان‌های ساحلی دریای خزر و اردبیل روی می‌دهد.



**فصل برداشت انار در منطقه «باغ نو». بجستان**

بجستان در جنوب غربی استان خراسان رضوی واقع شده و یکی از خاستگاه‌های مهم تولید انار در کشور به شمار می‌رود به طوری که از مجموع ۸۱۰۰ هکتار باغ انار در خراسان رضوی، حدود ۱۱۰۰ هکتار در شهرستان بجستان قرار دارد. شهرستان بجستان از نظر سطح زیر کشت انار، رتبه سوم استان را به خود اختصاص داده است. برداشت انار از باغات شهرستان بجستان از اوایل آبان شروع شده و پیش‌بینی می‌شود تا پایان فصل برداشت، ۲۰ هزار تن محصول برداشت شود.

عکس: زهره رضانژاد / ایسنا

## نسخه جدید iOS فیس آی‌دی را به آیفون دوئو می‌آورد

به گزارش انگجت، فقدان «فیس آی‌دی» یکی از گله‌های اصلی کاربران درباره آیفون دوئو است. اکنون شایعات نشان می‌دهد این شرکت احتمالا قابلیت True Depth دوربین را در دومین نسل آیفون تاشو در سال آینده استفاده کند. اکنون به نظر می‌رسد اپل راه حلی سریع‌تر برای برطرف کردن این شکایات پیدا کرده است. دومین نسخه بتا iOS۲۷.۳ برای توسعه دهندگان یک آپشن تازه برای بازکردن آیفون دوئو با قابلیت شناسایی چهره با کمک دوربین سلفی ارائه کرده است.
قابلیت مذکور «بازکردن قفل با دوربین جلویی» نامیده می‌شود و می‌توان آن را از طریق بخش Touch ID&Passcode در بخش تنظیمات فعال کرد. وب سایت خبری انگجت فعال شدن این ویژگی روی یک آیفون دوئو با نسخه بتا مذکور را تایید می‌کند اما نحوه عملکرد آن عجیب است.
دوئو برخلاف آیفون‌های مدرن دوربین True Depth با حسگرهای عمیق که فیس آی‌دی برای نقشه بندی سه بعدی صورت استفاده می‌کند را ندارد. در عوض دوربین‌های معمولی در نمایشگرهای داخلی و خارجی دستگاه به کار رفته اند که احتمالا به همین دلیل دستگاه برای بازشدن به تاچ آی‌دی متکی است. ویژگی جدید که در نسخه بتا iOS۲۷.۳ ارائه شده این امر را شفاف نشان می‌دهد. در صفحه راه اندازی این قابلیت به کاربران هشدار داده می‌شود که این ویژگی استفاده را آسان‌تر می‌کند، اما به اندازه تاچ آی یا فیس آی دی امن نیست. هنوز برای اظهارنظر قطعی زود است، اما آزمایش‌های این وب سایت نشان می‌دهد که این قابلیت عملکرد نسبتا قابل قبولی دارد. این ویژگی سریع‌تر از تاچ آی‌دی قفل گوشی را باز می‌کند و نتوانسته است با نشان دادن عکس چهره کاربر به دوربین، فریب بخورد. همچنین به نظر می‌رسد این قابلیت در شرایطی با نورکم نیز کار می‌کند، هرچند در تاریکی مطلق عملکردی ندارد.

سبک زندگی

راهنمای انتخاب ساعت مناسب تمرین
## بهترین زمان ورزش به زبان ساده

پژوهش‌ها برتری قطعی یک ساعت مشخص را برای همه افراد و همه هدف‌های ورزشی ثابت نکرده‌اند. برنامه روزانه، کیفیت خواب، نوع تمرین و زمانی که می‌توانید به آن پایبند بمانید، در انتخاب ساعت مناسب نقش دارند. در این راهنما، مزایا و محدودیت‌های ورزش صبحگاهی، عصرگاهی و شبانه را مرور می‌کنیم.
بهترین زمان، ساعتی است که بتوانید در آن با آمادگی مناسب و به طور منظم ورزش کنید. اگر صبح‌ها فرصت دارید و برای تمرین از خواب کافی کم نمی‌کنید، ورزش صبحگاهی می‌تواند انتخاب خوبی باشد. اگر عصرها وقت آزادتر یا انرژی بیشتری دارید، آن زمان هم مناسب است.
در انتخاب ساعت تمرین، به سه پرسش توجه کنید:
- چه زمانی معمولا فرصت ورزش دارید؟
- در چه ساعتی احساس آمادگی بیشتری می‌کنید؟
- ورزش در چه زمانی کمترین اختلال را در خواب و برنامه روزانه‌تان ایجاد می‌کند؟

استمرار در فعالیت بدنی از پیدا کردن یک «ساعت طلایی» مهم‌تر است. اگر ورزش در ساعات پایانی شب خواب شما را مختل می‌کند، زمان تمرین را جلوتر بیاورید یا فعالیت سبک‌تری انتخاب کنید.

### ورزش صبحگاهی چه مزایایی دارد؟

ورزش صبحگاهی برای کسانی مناسب است که می‌خواهند پیش از شروع کار یا مسئولیت‌های روزانه فعالیت کنند. انجام تمرین در ابتدای روز ممکن است احتمال به‌تعویق افتادن آن به‌دلیل مشغله‌های پیش‌بینی‌نشده را کمتر کند.
از مزایای احتمالی ورزش صبحگاهی می‌توان به این موارد اشاره کرد:
- **کمک به ایجاد نظم:** اختصاص دادن زمان ثابت در ابتدای روز می‌تواند به شکل‌گیری عادت ورزشی کمک کند.
- **شروع روز با تحرک:** پیاده‌روی یا تمرین سبک می‌تواند بخشی از کم‌تحرکی روزانه را جبران کند.
- **هماهنگی با برنامه کاری:** برای کسانی که عصرها مشغله دارند، ورزش صبحگاهی ممکن است عملی‌تر باشد.
- **استفاده از مسیرهای خلوت‌تر:** در بعضی مناطق، پارک‌ها و مسیرهای پیاده‌روی صبح‌ها خلوت‌ترند.

با این حال، ورزش صبحگاهی نباید به قیمت کمبود خواب تمام شود. خواب کافی برای سلامت و بازیابی بدن اهمیت دارد. اگر برای تمرین مجبورید مرتب زودتر از زمان لازم بیدار شوید و خواب خود را کوتاه کنید، ساعت تمرین را تغییر دهید.

### بهترین زمان برای تمرین قدرتی و عضله‌سازی

برای برخی افراد، بعدازظهر یا اوایل شب زمان مناسبی برای تمرین قدرتی است. بعضی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که قدرت و توان اجرای حرکات در بسیاری از افراد ممکن است در ساعات پایانی روز بیشتر باشد؛ اما این الگو برای همه یکسان نیست. دمای بدن، میزان هوشیاری، وعده‌های غذایی و ساعت زیستی فرد می‌توانند بر احساس آمادگی هنگام تمرین اثر بگذارند. با این حال، نباید نتیجه گرفت که ورزش صبحگاهی مانع عضله‌سازی می‌شود یا تمرین عصرگاهی حتما نتیجه بهتری دارد. انتخاب تمرین مناسب، افزایش تدریجی فشار تمرین، تغذیه کافی، خواب و استمرار نیز در نتیجه نقش دارند.

### ورزش عصرگاهی چه مزایایی دارد؟

بعدازظهر و عصر برای بسیاری از افراد زمان مناسبی برای تمرین است؛ به‌خصوص اگر صبح‌ها فرصت کافی ندارند یا در ساعات پایانی روز احساس آمادگی بیشتری می‌کنند.
مزایای احتمالی این زمان عبارت‌اند از:
- هماهنگی با برنامه کاری یا تحصیلی؛
- آمادگی بیشتر برای تمرین‌های سنگین در برخی افراد؛
- فرصت بیشتر برای تمرین طولانی‌تر؛
- کمک به ایجاد فاصله از مشغله‌های روزانه.

میزان خستگی را هم در نظر بگیرید. پس از یک روز طولانی، ممکن است پیاده‌روی یا تمرین سبک انتخاب مناسب‌تری از یک جلسه سنگین باشد.

### آیا ورزش شبانه برای سلامتی مضر است؟

ورزش در شب لزوما مضر نیست. بسیاری از افراد می‌توانند عصرها یا شب‌ها ورزش کنند، بدون آنکه خواب‌شان مختل شود. اثر تمرین به شدت آن، فاصله‌اش تا زمان خواب و واکنش بدن هر فرد بستگی دارد. برخی افراد بعد از تمرین شدید، به‌ویژه اگر زمان زیادی تا خواب باقی نمانده باشد، برای آرام شدن به زمان بیشتری نیاز دارند. در مقابل، فعالیت‌های سبک مانند کشش ملایم یا یوگا برای بعضی افراد آرامش بخش است.
اگر متوجه شدید تمرین شبانه به خواب شما لطمه می‌زند، ورزش شدید را به ساعت زودتری منتقل کنید یا شدت و مدت تمرین را کاهش دهید. فاصله مناسب میان ورزش و خواب برای همه یکسان نیست؛ واکنش بدن خود را در نظر بگیرید.

### بهترین زمان ورزش برای کاهش وزن

شواهد، یک ساعت مشخص را به‌عنوان بهترین زمان ورزش برای کاهش وزن در همه افراد تایید نمی‌کنند. میزان فعالیت بدنی، تغذیه، استمرار و سازگاری برنامه با زندگی فرد اهمیت بیشتری دارند. ورزش به مصرف انرژی کمک می‌کند، اما کاهش وزن معمولا به تعادل میان انرژی دریافتی و مصرفی وابسته است. اگر قصد کاهش وزن دارید، فعالیت بدنی را در کنار توجه به کیفیت و مقدار غذا قرار دهید. لازم نیست از ابتدا تمرین‌های طولانی یا سنگین انجام دهید؛ می‌توانید با پیاده‌روی سریع یا فعالیتی متناسب با توانایی خود شروع کنید و به‌تدریج آن را افزایش دهید.

### در هفته چقدر ورزش لازم است؟

برای بیشتر بزرگسالان، توصیه عمومی این است که در هفته دست‌کم یکی از این هدف‌ها را دنبال کنند:
- ۱۵۰ دقیقه فعالیت هوازی با شدت متوسط؛
- ۷۵ دقیقه فعالیت هوازی شدید؛
- یا ترکیبی معادل از این دو.

همچنین انجام تمرین‌های تقویت عضلات در دست‌کم دو روز هفته توصیه می‌شود. لازم نیست تمام فعالیت‌ها را در یک نوبت انجام دهید؛ می‌توانید آنها را به چند جلسه کوتاه‌تر تقسیم کنید. پیاده‌روی سریع، دوچرخه‌سواری و شنا از نمونه‌های فعالیت هوازی‌اند. اگر مدت زیادی ورزش نکرده‌اید، با زمان کوتاه‌تر و شدت کمتر شروع کنید و به‌تدریج فعالیت خود را افزایش دهید. در صورت داشتن بیماری زمینه‌ای، درد مداوم یا محدودیت حرکتی، درباره نوع و شدت مناسب ورزش با متخصص سلامت مشورت کنید.

## ابتکار جدید «اوپن‌ای‌آی» برای مبارزه با سوءاستفاده از کودکان

«اوپن‌ای‌آی» از ویژگی‌های جدیدی برای طبقه‌بندی تصویر و هشدارهای جدید «چت‌جی‌پی‌تی» برای مبارزه با سوءاستفاده از کودکان رونمایی کرده است.
در میان نگرانی‌های ایمنی روبه‌رشد درباره استفاده از محصولات هوش مصنوعی، «اوپن‌ای‌آی» (OpenAI) از ویژگی‌های جدیدی برای مبارزه با سوءاستفاده از کودکان خبر داد.
به گزارش تک‌کرانچ، این ویژگی‌ها شامل یک طبقه‌بندی‌کننده تصویر برای تشخیص سوءاستفاده از کودکان، هشدارها و مسدودسازی موقت برای جلوگیری از ایجاد محتوای جنسی درباره کودکان یا دسترسی کاربران به آنها، یک دستورالعمل جدید برای توسعه‌دهندگان و مجموعه‌ای از ابزار برای اجرای قانون هستند.
این شرکت یک طبقه‌بندی‌کننده تصویر جدید را معرفی کرد که می‌تواند تصاویر سوءاستفاده از کودکان را تشخیص دهد؛ از جمله تصاویری که توسط هوش مصنوعی تولید شده‌اند. اوپن‌ای‌آی امکان دسترسی به طبقه‌بندی‌کننده جدید خود را از طریق API خود و بدون هزینه به شرکت‌های انتخاب‌شده می‌دهد. این ویژگی به دنبال نشانه‌های بصری سوءاستفاده در تصاویر است که قبلا دیده نشده‌اند و امتیازی را تعیین می‌کند که می‌تواند راهنمایی‌هایی را به بازبینی‌کنندگان درباره برخورد با سوءاستفاده از کودکان ارائه دهد.
اوپن‌ای‌آی گفت که این طبقه‌بندی‌کننده را با همکاری «مرکز ملی کودکان گمشده و مورد سوءاستفاده» (ncmec) توسعه داده است و با سازمان‌های «Tech Coalition» و «ROOST» برای به اشتراک گذاشتن دسترسی به آن کار می‌کند. شرکت هوش مصنوعی در آزمایش اولیه خود با شرکا دریافت که طبقه‌بندی‌کننده، تصاویر را تا ۴۸ درصد کمتر نشان می‌دهد، اما همان تعداد تصاویر مربوط به سوءاستفاده را پیدا می‌کند و کار بازبینی‌کنندگان را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، تصاویری که توسط طبقه‌بندی‌کننده علامت‌گذاری شده‌اند، دو برابر بیشتر احتمال دارد که تصاویر توهین‌آمیز باشند.
علاوه بر این، اوپن‌ای‌آی صفحه‌های هشدار جدید را به چت‌بات «چت‌جی‌پی‌تی» (ChatGPT) اضافه کرده است تا از دسترسی کاربران به محتوای جنسی درباره کودکان جلوگیری کند. چت‌جی‌پی‌تی به کاربرانی که چنین درخواست‌هایی را دارند هشدار می‌دهد، کاربران را به سمت پشتیبانی تخصصی برای متوقف کردن رفتار مضر هدایت می‌کند و حساب آنها را به عنوان هشدار برای ۲۴ ساعت تعلیق می‌کند. این برنامه در حال حاضر محتوای سوءاستفاده از کودکان و درخواست‌های مربوط به آن را مسدود می‌کند. گفته شده است که تخلفات مکرر می‌تواند به حذف دائمی حساب کاربری منجر شود.



## عادت ژاپنی‌ها برای پیشگیری از سرماخوردگی

غرغره کردن آب عادتی رایج در ژاپن است که مردم این کشور قرن‌ها برای پیشگیری از سرماخوردگی و بیماری‌های تنفسی انجام داده‌اند.
به گزارش نیویورک پست، این روش که «اوگای» نام دارد به اندازه شستن دست در ژاپن رایج است و بسیاری از افراد روزانه چند بار در خانه، مدرسه یا محل کار انجام می‌دهند. هدف از این کار، جداکردن و شستن میکروب‌های مضر از دهان و گلو پیش از ایجاد عفونت است. برخی مطالعات پزشکی نشان می‌دهند که این روش ساده و رایگان ممکن است خطر ابتلا به بیماری‌های تنفسی را کاهش دهد هرچند نتایج پژوهش‌ها یکسان نیست. متخصصان همچنین مشاهده کردند افرادی که با وجود غرغره آب بیمار شدند، علائم خفیف‌تری مانند سرفه داشتند. با این حال، بررسی‌های بعدی نتوانستند این نتایج را تایید قطعی کنند. مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۴ نشان داد که میان افرادی که آب غرغره می‌کردند و کسانی که این کار را انجام نمی‌دادند، از نظر ابتلا به عفونت‌های دستگاه تنفسی فوقانی تفاوتی وجود ندارد.

### غرغره چای سبز نتایج بهتری داشت

پژوهشی در سال ۲۰۱۲ روی کودکان دو تا ۶ ساله نشان داد غرغره آب ممکن است احتمال بروز تب را کاهش دهد اما چای سبز نتایج بهتری داشت. چای سبز حاوی آنتی اکسیدانی به نام «کاتچین» است که برخی متخصصان احتمال می‌دهند در مقابله با سرماخوردگی موثر باشد.
یک مطالعه در سال ۲۰۲۴ نشان داد غرغره چای سبز در مقایسه با آب، میزان عفونت‌های تنفسی را کاهش می‌دهد. با این حال مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۶ تفاوت آماری معناداری میان این دو روش پیدا نکرد. نتایج یک مطالعه نشان داد غرغره آب‌نمک همراه با شست‌وشوی بینی دوره سرماخوردگی را دو روز کوتاه‌تر می‌کند. یک بررسی دیگر نیز نشان داد دهان‌شویه‌های دارویی می‌توانند شدت گلودرد را کاهش دهند. تاثیر این روش‌ها به کاهش تورم و التهاب مربوط است.

